



دولت جمهوری اسلامی افغانستان  
وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان

## پالیسی ملی بیجاشدگان داخلی



## پیش گفتار توسط داکتر چلوکا بیانی گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در مورد حقوق بشری بیجاشدگان داخلی

من خودم شاهد شرایط وخیم زندگی که بیجاشدگان داخلی در افغانستان با آن مواجه اند بوده ام. بیجاشدگی های داخلی در اکثر ولایات و مناطق شهری افغانستان به عنوان یک واقعیت وجود دارد. مردان، زنان، کودکان، افراد مسن، معلولین و سایر افرادی که مجبور به زندگی دور از خانه های شان گردیده اند. برخی از آنها حتی بیش از یک دهه در بیجاشدگی بسر برده اند. درگیری های مسلحانه، ناامنی، خشکسالی و دیگر بدبختی ها همچنین اخراج باعث بیجاشدگی های داخلی گسترده در افغانستان گردیده است. بسیاری از بیجاشدگان چندین بار بیجا گردیده اند و به طور فزاینده ای آسیب پذیر گشته اند. راه های حل پایدار برای پایان دادن به بیجاشدگی بیجاشدگان داخلی ممکن است کمی دور و مشکل به نظر برسد ولی باید به عنوان اولویت مشترک و هدف ما قرار گیرد.

من از دولت جمهوری اسلامی افغانستان، جامعه مدنی و جامعه بین المللی که در این کشور هستند متشکرم که با ترتیب نمودن این پالیسی ملی در مورد بیجاشدگان داخلی، امیدی بس بزرگ را برای بیجاشدگان داخلی این کشور به ارمغان آوردند. من از همه کسانی که در کابل و ولایات یک فرآیند مشورتی را رهبری کردند تا اطمینان دهند که این پالیسی انعکاس دهنده واقعیت های بیجاشدگی داخلی در افغانستان و یک وسیله استراتژیک در جهت بهبود شرایط زندگی بیجاشدگان داخلی خواهد بود سپاسگذارم.

امید من اینست که این پالیسی با همان روحیه تعهد و همکاری که توسعه یافته، تطبیق خواهد شد، یگانه راهی که ما همه میخواستیم به آن نائل آییم و میتواند تغییر در زندگی بیجاشدگان داخلی بیاورد تطبیق این پالیسی است.



چلوکا بیانی

1. مقدمه
  - 1.1 تاریخچه و روند
  - 1.2 تعریف اصطلاحات
  - 1.3 مفهوم و ویژگی های بیجاشدگی داخلی در افغانستان
2. هدف، چارچوب و اصول پالیسی
  - 2.1 هدف
  - 2.2 چارچوب و اصول پالیسی
3. بیجاشدگان داخلی
  - 3.1 تعریف
  - 3.2 آسیب پذیری های ویژه بیجاشدگان داخلی
  - 3.3 شناسایی و ثبت نام بیجاشدگان داخلی
  - 3.4 بیجاشدگی چه وقت خاتمه میابد
4. نقش ها و مسئولیت های نهاد ها
  - 4.1 مسئولیت های اساسی دولت جمهوری اسلامی افغانستان
  - 4.2 وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان
  - 4.3 نهاد های هماهنگ کننده
    - 4.3.1 کمیته هماهنگی بین الوزارتی برای امور پناهندگان، عودت کنندگان و بیجاشدگان داخلی
    - 4.3.2 اداره ملی آمادگی مبارزه با حوادث (ANDMA)
    - 4.3.3 کمیسیون عالی دولتی مبارزه با حوادث (NCDM)
    - 4.4 همکاران تطبیق کننده
      - 4.4.1 وزارت های ذیدخل و سایر ادارات حکومتی که مسئولیت های سکتوری در قبال بیجاشدگان داخلی دارند
      - 4.4.2 مقامات ولایتی و سایر مقامات محلی
      - 4.4.3 کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان (AIHRC)
    - 4.5 نقش جامعه بین المللی
    - 4.6 نقش جامعه مدنی افغانستان
    - 4.7 بیجاشدگان داخلی و اجتماعات متأثر شده از بیجا شدگی
    - 4.8 پیروی از این پالیسی
  5. اقدامات لازم برای جلوگیری از بیجانمردن های غیر قانونی
    - 5.1 منازعات، عملیات های نظامی، خشونت های عمومی و نقض حقوق بشر
      - 5.1.1 اعمال جنایتکارانه و نقض حقوق بشر
      - 5.1.2 بررسی قانونی
      - 5.1.3 درگیری های قومی و قبیله ای
      - 5.1.4 مواد منفجره و باقیمانده از جنگ ها
    - 5.2 حوادث طبیعی
    - 5.3 پروژه های انکشافی
    - 5.4 جلوگیری از اخراج اجباری
  6. بیجاشدگی در مرحله اضطراری – مساعدت و دسترسی
    - 6.1 حمایت و مساعدت اضطراری
      - 6.1.1 اصول

- 6.1.2 رسیدگی عاجل
- 6.2 مشکلات در دسترسی بشردوستانه
- 6.3 اسناد و مدارک
  - 6.3.1 معلومات عمومی
  - 6.3.2 در رابطه با تذکره
  - 6.3.3 در رابطه با سایر اسناد مفقود شده
- 7. فراهم آوری مساعدت به افراد بیجاشده و حمایت از آنها
  - 7.1 حقوق بشری و امتیازات افراد بیجاشده
    - 7.1.1 حفظ حیات، عزت، آزادی و امنیت
    - 7.1.2 حق آزادی سفر/نقل مکان و سکونت
    - 7.1.3 حق داشتن سرپناه مناسب و دسترسی به زمین
    - 7.1.4 حق امرار معیشت
    - 7.1.5 حق دسترسی به آب، غذا و لباس
    - 7.1.6 حق دسترسی به مراقبت های صحی
    - 7.1.7 حمایت از خانواده ها
    - 7.1.8 حق تعلیم و تربیه
    - 7.1.9 حق حمایت از ملکیت و جبران خساره
    - 7.1.10 حق آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات
    - 7.1.11 حقوق سهمگیری، بشمول حق رأی دهی
  - 7.2 بیجاشدگی های دوامدار
- 8. راه های حل دائمی
  - 8.1 اصول عمومی
  - 8.2 استراتژی ها و پلان های کاری
    - 8.2.1 پلان های کاری ولایتی
    - 8.2.2 پلان ملی تطبیقی
  - 8.3 عودت
    - 8.3.1 شرایط عودت
    - 8.3.2 مساعد نمودن شرایط عودت
  - 8.4 سایر راه های حل دائمی: ادغام محلی و اسکان مجدد در سایر مناطق کشور
- 9. تامین وجوه مالی
- 10. نظارت و گزارشدهی

## ضمایم

- ضمیمه شماره 1: اصول رهنمودی ملل متحد در مورد بیجاشدگان داخلی
- ضمیمه شماره 2: مسئولیت های وزارت های ذیدخل و سایر ادارات دولتی
- ضمیمه شماره 3: رهنمود والیان در رابطه به تدوین پلان های ولایتی برای یافتن راه های حل دائمی برای بیجا شدگان داخلی
- ضمیمه شماره 4: رهنمود ها برای کاهش زیان ها و مشکلات در شرایط اخراج اجباری - گروپ حمایتی افغانستان

## 1. مقدمه

### 1.1 تاریخچه و روند

بر اساس تصمیم جلالتمآب حامد کرزی، رئیس دولت جمهوری اسلامی افغانستان و کابینه افغانستان، وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان توظیف گردید تا پالیسی ملی بیجاشدگان داخلی را تدوین نماید.

این پالیسی در نتیجه پروسه وسیع مشورتی، به رهبری وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان تدوین گردید. کمیته هماهنگی بین الوزارتی در امور مهاجرین، عودت کنندگان و بیجاشدگان داخلی بریاست داکتر جمهیر انوری، وزیر امور مهاجرین و عودت کنندگان، گروپ کاری پالیسی ملی بیجاشدگان داخلی، بریاست داکتر عبدالصمد حامی، معین وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان، و آقای مهرخدا "صبار" رئیس بخش حالات اضطرار این وزارت ازین پروسه حمایت نمودند. نمایندگان UNHCR، اداره هماهنگ کننده امور بشردوستانه ملل متحد (UN OCHA)، سازمان بین المللی مهاجرت (IOM)، هیئت ناروی برای مهاجرین (NRC)، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان (AIHRC)، بشکل منظم درین پروسه اشتراک داشتند. همچنان اداره هماهنگ کننده کمک ها برای افغانها (ACBAR)، جمعیت هلال احمر افغانی (ARCS)، اداره ملی آمادگی مبارزه با حوادث (ANDMA) و اداره ارتقاء و مدیریت امور صحی (OHPM) بشکل غیر پلان شده درین پروسه اشتراک مینمودند.

در ماه جولای سال 2012 یک مجلس مشورتی ملی دایر گردیده و طی آن این پروسه آغاز گردید. بر اساس درخواست رسمی دولت جمهوری اسلامی افغانستان، آقای چالوکا بیانی، گزارشگر خاص ملل متحد در مورد حقوق بشری بیجاشدگان داخلی، که از تلاش های وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان در راستای یک پالیسی ملی برای بیجاشدگان داخلی با اشتراک گسترده تمام مراجع ذیدخل، قویاً حمایت مینمود درین پروسه اشتراک نمود. در مطابقت با پیشنهادات مجلس مشورتی در رابطه به اینکه به نظریات ادارات ولایتی باید توجه بیشتر مبذول گردد، در ماه سپتمبر سال 2012 مجالس مشورتی ولایتی در ولایات کابل، بلخ، فاریاب، کندهار، هرات، پکتیا و ننگرهار دایر گردید. در ماه اکتوبر سال 2012، داکتر لاری اس وایزبرگ، مشاور بخش بیجاشدگان داخلی توسط ProCap (یک برنامه بین سازمانی ملل متحد) در اداره UNHCR و وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان توظیف گردید که کار جدی را برای تسوید این پالیسی آغاز نمود. مجالس و مشوره ها با مراجع ذیدخل منجمله وزارت های مربوطه در کابل، جامعه مدنی افغانستان و سازمان های غیر دولتی، سازمان های بین المللی بشری و انکشافی و مراجع تمویل کننده و افراد پر نفوذ، منجمله اعضای پارلمان و دانشمندان، ادامه یافت. همچنان با یکتعداد از میکانیزم های هماهنگی، منجمله گروپ موظف برای بیجاشدگان داخلی (IDP Task Force) و گروپ های کاری حمایتی در سطوح ملی و ولایتی، و موسسه ACBAR (شبکه سازمان های غیر دولتی افغانستان) نیز مشوره صورت گرفت. در ماه های مارچ و اپریل یک پیشنویس این پالیسی - بزبان های انگلیسی و دری - بخاطر دریافت نظریات در مورد آن بشکل گسترده شریک ساخته شد و در عین زمان دور دوم مجالس مشورتی ولایتی در ولایات کابل، لوگر، هرات، بلخ، کندهار، و ننگرهار دایر گردید. این پیشنویس بر اساس مباحثات و نظریات دریافت شده اصلاح گردید. بتاريخ 22 می سال 2013، مجلس دوم مشورتی ملی دایر گردیده و پیشنویس متذکره در آن به تصویب رسید و فیصله گردید تا این پالیسی جهت تصویب به کابینه فرستاده شود.

سرانجام مسوده پالیسی ملی بیجاشدگان داخلی در جلسه مورخ 1392/09/04 شورای محترم وزیران مطرح گردیده و پیرامون آن طی فقره (5) مصوبه شماره (32) مورخ 1392/09/04 آن شورا چنین فیصله به عمل آمد:

"طرح پالیسی ملی بیجاشدگان داخلی در پرنسبب تأیید است. وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان، ریاست اداره امور و دارالانشاء شورای وزیران و سایر وزارت ها و ادارات ذیربط موظف به تطبیق آن میباشند."

## 1.2 تعریف اصطلاحات

اصطلاحات آتی در این پالیسی دارای معانی ذیل میباشد:

**مواد منفجره متروک** : مواد منفجره که در جریان درگیری های مسلحانه مورد استفاده قرار نگرفته و توسط یکی از طرفین درگیری ها در یک محل رها گردیده و دیگر تحت کنترل طرف درگیر قرار ندارد.

**عناصر مخالف دولت** : گروه های مخالف، بعضاً مسلح، اکثراً از طریق وسایل خشونت آمیز مشروعیت دولت را به چالش می کشانند.

**پیمان منع استفاده از ماین های ضد پرسونل (APMBT)** : کنوانسیون منع استفاده، ذخیره، تولید و انتقال ماین های ضد پرسونل و تخریب آنها، که معمولاً بنام پیمان منع استفاده از ماین یاد شده و بتاريخ 18 سپتمبر سال 1997 تصویب و از تاریخ اول مارچ سال 1999 مرعی الاجراء قرار گرفت. این کنوانسیون در ماه مارچ سال 2003 توسط افغانستان به تصویب رسید.

**بیجانمردن خودسرانه** : بیجانمردن غیر قانونی. بیجاشدگی که در آن از قوانین ملی یا قوانین و معیار های بین المللی تخطی صورت میگیرد، منجمله اخراج اجباری.

**واکنش یا برنامه های مبتنی بر ساحه** : واکنش ها یا برنامه هایی که به مشکلات بیجاشدگان در یک ساحه مشخص رسیدگی میکند (مثلاً یک محل بودوباش غیر رسمی، منطقه، قریه) بدون تفکیک بین گروه هایی که در آنجا زندگی میکنند و از آن مستفید میشوند مانند بیجاشدگان داخلی، عودت کنندگان و شهرنشینان بی بضاعت.

**نیرو های مسلح** : نیرو های ملی امنیتی افغان (ANSF)

**گروه های مسلح** : نیرو های مخالف مسلح یا سایر گروه های مسلح سازمان یافته که از نیروهای مسلح دولت مجزا اند.

**پناهجو** : شخصی که از سرحدات رسمی کشور عبور نموده است تا از حق پناهجویی خود در مقابل ایداء، استفاده کنند.

**طفل** : هر شخص که عمر 18 را تکمیل نکرده باشد، مگر اینکه، براساس قوانین مرعی الاجرای افغانستان در رابطه به اطفال، و طوریکه در کنوانسیون ملل متحد در مورد اطفال مشخص گردیده، قبل از آن به مرحله بلوغ رسیده باشد.

**مریضی مزمن** : یک وضعیت صحتی انسانی و مریضی دوامدار که دارای تأثیرات دراز مدت بوده و اکثراً این مریضی برای بیش از سه ماه ادامه پیدا کند. امراض مزمن معمول عبارت اند از درد مفاصل، نفس تنگی، سرطان، Alzheimer's، امراض قلب و گرده ها، شکر و ایچ آی وی/ایدز.

**افراد ملکی** : افرادی که جزء اردو یا کدام گروه مسلح دیگر نباشد.

**جبران خساره** : جبران خساره قابل ارزیابی از نگاه اقتصاد.

**پلانگذاری احتیاطی (غیر مترقبه)** : گرفتن آمادگی برای یک رویداد اضطراری، بشمول جابجائی قبلی مواد غذایی و غیر غذایی در ذخیره گاه ها و حصول اطمینان از آموزش حاصل نمودن کارمندان و موجودیت طرز العمل های معیاری عملیاتی؛ مانند شناسائی قضایای احتمالی و قضایای جدی، پیامد های آنها، پلانگذاری فرضیه ها و مشخص نمودن اینکه کی باید کدام کار را انجام دهد.

**کنوانسیون مربوط به تسلیحات خوشه ای :** کنوانسیون که استفاده، تولید، انتقال و ذخیره تسلیحات خوشه ای را منع مینماید. این کنوانسیون بتاريخ 30 می سال 2008 در دویلین به تصویب رسیده، بتاريخ 3 دسمبر سال 2008 توسط افغانستان امضاء گردیده و در 6 جون سال 2011، به تصویب رسید.

**محرومین :** اشخاصیکه احتمالاً دارای نیازمندیهای خاص و یا آسیب پذیری هستند بشمول زنان، اطفال، کهنسالان، معلولین، اشخاص مصاب به امراض مزمن یا صعب العلاج بشمول مرض ایدز، اعضای گروه های اقلیتی، اشخاص بومی یا سایر اشخاصیکه دارای نیازمندی ها و آسیب پذیریهای خاص اند. این اصطلاح مساوی است با اصطلاح "اشخاص دارای نیازمندیهای خاص" و "افراد دارای آسیب پذیری خاص".

**حوادث :** واقعه ای که سبب تخریب و پریشانی عمومی میشود. عموماً سبب تلفات جانی، مالی و زیربناها بشمول خدمات لازم میگردد طوریکه مردم متضرر نمیتوانند به تنهایی در رفع مشکلات خویش موفق شوند. "حوادث طبیعی" که در نتیجه یک رویداد یا نیروی طبیعی بوجود میاید مانند سیلاب، زمین لرزه، برف کوچ، طوفان شدید یا آتش گرفتن جنگلات. "حوادث ساخته دست بشر" عبارت از عواقب رویداد ها یا استفاده از قدرت است مانند جنگ، آلودگی، خطرات ماین و مواد منفجره باقیمانده از جنگ ها، مواجه شدن با مواد خطرناک و حوادث ترافیکی .

**کاهش خطرات حوادث :** فعالیتها و امکانات برای کاهش آسیب پذیری ها و خطرات حوادث در سراسر جامعه، برای جلوگیری یا محدود ساختن (کاهش و آمادگی) تأثیرات ناگوار خطرات ، در چوکات شرایط گسترده انکشاف پایدار.

**بیجاشدگان :** به "بیجاشدگان داخلی" مراجعه شود.

**بیجاشدگی :** به "بیجاشدگی داخلی" مراجعه شود.

**اجتماعات متأثر از بیجاشدگی :** کسانیکه که از موجودیت افراد بیجاشده متأثر شده اند، مانند اجتماعات میزبان یا اجتماعات موجود در ساحات عودت یا ساحاتیکه بیجاشدگان در آنجا در جستجوی راه حل دوام دار برای بیجاشدگی شان هستند.

**راه حل دوام دار :** راه حل دوام دار (عودت، ادغام محلی یا نقل مکان به جای دیگر) که در نتیجه آن، نیازمندیهای بیجاشدگان مرفوع شود و مانند سایر افغانها از حقوق شان مستفید شوند.

**هشدار قبل از وقت :** فراهم نمودن معلومات موثر و بموقع از طریق نهادهای شناخته شده، تا افرادیکه در معرض خطر قرار دارند جهت جلوگیری یا کاهش آن، اقدام نمایند.

**حالت اضطرار :** وضعیتی که در نتیجه آغاز آنی یک بحران بمیان میاید یا شرایطی که زندگی انسانها را تهدید نموده و مقابله با آن فرا تر از توانمندی مردم باشد. مانند درگیریهای خشونت آمیز، زمین لرزه، سیلاب، لغزش زمین، برف کوچ، آتش سوزی، طوفان شدید، شدت سرما یا گرمای هوا، شیوع امراض، آفات حیوانی یا طاعون.

**کمکهای عاجل :** مساعدتهائی که در حالت اضطرار برای نجات مردم فراهم میگردد.

**مرحله اضطراری :** عبارت از مقطع زمانی است که در آن زندگی، صحت یا امنیت افراد متأثر شده در معرض تهدید قرار میگردد.

**اخراج :** به "اخراج اجباری" و "اخراج قانونی" مراجعه شود.

**مواد منفجر نشده باقیمانده از جنگ ها :** مواد منفجر ناشده و مواد منفجره متروک.  
اخراج اجباری : طوریکه در بخش 5.4 این پالیسی تعریف گردیده است.

**رفتن و دیدن (Go and see visit) :** رفتن بیجاشدگان داخلی به منطقه اصلی شان و ارزیابی منطقه که آیا شرایط عودت برای شان مساعد است یا خیر، (آیا امنیت کافی، خدمات مسکن و غیره وجود دارد تا بتوانند بشکل مصئون و باعزت عودت نمایند).

**حکومت :** حکومت جمهوری اسلامی افغانستان.

**اصول رهنمودی :** اصول رهنمودی سال 1998 ملل متحد در مورد بیجاشدگی داخلی.

**اجتماعات میزبان :** اجتماعاتی که با جا دادن بیجاشدگان داخلی در مناطق شان، معمولاً با فراهم آوری جای برای آنان در منازل شان برای بیجاشدگان داخلی سرپناه فراهم کرده اند.

**محلات بودوباش غیر رسمی :** محلاتی که تعدادی از واحد های مسکونی بالای زمین هائی اعمار گردیده که ساکنین حق ادعای قانونی آنها ندارند یا این زمین ها را بشکل غیر قانونی اشغال نموده اند و خانه های اعمار شده مطابق به پلان و مقررات ساختمانی نمیباشد.

**بیجاشدگی داخلی :** کوچ نمودن غیر داوطلبانه یا اجباری، اخراج یا نقل مکان افراد یا گروه ها در داخل سرحدات شناخته شده یک کشور.

**بیجاشدگان داخلی :** شخصی که در بخش 3.1 این پالیسی تعریف گردیده است.

**لایحه بین المللی حقوق بشر :** عبارت است از اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق سیاسی و مدنی، میثاق بین المللی در مورد حقوق اقتصادی و اجتماعی و پروتوکول های اختیاری آن

**قانون بین المللی حقوق بشر :** معاهدات عمده بین المللی حقوق بشر که بعد از ختم جنگ جهانی دوم به تصویب رسیده اند و شامل لایحه بین المللی حقوق بشر (به بالا مراجعه شود)، معاهدات در رابطه به نسل کشی، شکنجه، تبعیض نژادی، حقوق اطفال، حقوق زنان، حقوق مهاجرین و خانواده های آنها و حقوق افراد دارای معلولیت میباشد.

**قانون بشر دوستانه بین المللی :** مجموعه ای از قوانین است که منازعات بین المللی را تنظیم نموده و شامل محدودیت ها در وسایل و شیوه های جنگ، حمایت از افرادی که در جنگ اشتراک نداشته و یا دیگر در عملیات جنگی اشتراک نمیکنند، میباشد. این قانون شامل چهار کنوانسیون جینوا و سه پروتوکول مربوط به این کنوانسیون ها میباشد.

**کوچی :** تعدادی از مردم افغانستان که از طریق مالداري امرار معیشت نموده شامل آنهائی میباشند که بشکل کلی یا قسمی مسکن گزین گردیده اند اما منحصراً کوچی ها شناخته شده و خود شان نیز خود را کوچی می پندارند.

**اخراج قانونی :** انتقال دایمی یا موقتی افراد، خانواده ها و یا اجتماعات از منازل و یا زمین هائیکه اشغال نموده اند. اینکار در مطابقت با قانون و در تطابق با مصئونیت های حقوق بشری بین المللی صورت میگیرد.

**ادغام محلی :** بدست آوردن حق اقامت در یک محل مانند سایر ساکنین آن منطقه.



**ساحات توزیع زمین :** ساحاتی که به نمرات تقسیم شده است تا به مستفید شوندگان داده شود یا فروخته شود (خاصاً به عودت کنندگان یا بیجاشدگان داخلی) طوریکه در فرمان شماره 104 ریاست جمهوری ذکر شده است.

**غصب زمین :** بدست آوردن زمین اکثراً از طریق وسایل غیر قانونی و یا به قیمت بسیار پایین تر از نرخ بازار

**حوادث ساخته دست بشر :** به "حوادث" مراجعه شود.

**ماین ها :** مهماتی که بخاطر جابجا نمودن در زیر زمین یا سایر سطوح ساخته شده و میتواند با حضور، نزدیک شدن یا تماس یک شخص یا یک واسطه نقلیه منفجر شود.

**فعالیت بر ضد ماین ها :** فعالیت هائیکه به هدف کاهش تأثیرات اجتماعی، اقتصادی و محیطی ماین ها و مواد منفجره باقیمانده از جنگ ها انجام داده میشوند.

**فوکال پوینت نهاد ملی :** فوکال پوینت رسمی جزء حکومت جمهوری اسلامی افغانستان که مسئولیت هماهنگی موضوعات مربوط به بیجاشدگی داخلی را بدوش دارد.

**حوادث طبیعی :** به "حوادث" مراجعه شود.

**فعالین غیر دولتی :** سکتور خصوصی که جزء ادارات رسمی دولت نمیشوند. منجمه گروه های مسلح که فعالیتهای شان منسوب به دولت نمیشود.

**افراد دارای آسیب پذیری خاص :** به "محرومین" مراجعه شود.

**افراد دارای نیازمندیهای خاص :** به "محرومین" مراجعه شود.

**پروفایلنگ بیجاشدگان (ارزیابی وضعیت بیجاشدگان) :** عبارت است از فعالیت جمع آوری ارقام در مورد بیجاشدگان داخلی، با تفکیک جنسیت، سن و موقعیت آنها و در صورت امکان معلومات اضافی در مورد اسباب و اشکال بیجاشدگی، نگرانی های حمایتی، نیازمندیهای بشری و راه های حل احتمالی. بیجاشدگی های طویل المدت - بیجاشدگی های طولانی که بعضاً برای دهه ها ادامه می یابد.

**روند رجعت دهی :** توضیحات مفصل در مورد عرضه کنندگان خدمات (آنهائیکه در اجتماعات و در حکومت میباشند)، منجمه شماره های تماس، توضیحات مختصر در مورد اینکه کدام خدمات را چه وقت و تحت کدام شرایط عرضه مینمایند؛ این روند در یک دیاگرام تشریح گردیده و نشان میدهد که اول با کی و برای چی تماس گرفته شود، و بعد از آن با کی تماس حاصل شود و غیره.

**پناهنده :** هرکسی که مطابق به کنوانسیون 1951 جینیوا در مورد وضعیت مهاجرین و پروتوکول سال 1967 آن و واجد شرایط پناهندگی باشد. این تعریف برای هر شخصی بنابر تجاوز خارجی، اشغال، تسلط خارجی، یا رویداد هائیکه نظم عامه را در یک بخش یا در سراسر کشور اصلی یا کشور متبوع وی به شدت مختل ساخته و نامبرده بخاطر پناهندگی به یک محل دیگر در خارج از کشور اصلی یا کشور متبوع خود، مجبور به ترک محل اقامت دایمی خود شده، بکار میرود.

**جبران غرامت :** رسیدگی به خسارات وارد شده که شامل استرداد، جبران خساره، احیای مجدد، رضایت و تضمین از عدم تکرار در مطابقت با اصول اساسی و رهنمود های ملل متحد در مورد جبران غرامت به قربانیان نقض قوانین بین

المللی حقوق بشر و تخطی های جدی از قوانین بشردوستانه بین المللی میباشد.

**اسکان مجدد:** پروسه اسکان موقتی یا دایمی بیجاشدگان یا عودت کنندگان.

**استرداد:** بازگردانی وضعیت قبل از بیجاشدگی.

**عودت کننده:** هر شخصیکه بعد از ترک کشور بخاطر ترس از ایداء و خشونت های عمومی به افغانستان عودت میکند، منجمله پناهجویان و پناهندگان عودت کننده.

**شیوه مبتنی بر حقوق Rights-based approach:** عبارت است از یک چارچوب فکری برای روند انکشاف بشری مبتنی بر حقوق بشری بین المللی برای حمایت و ترویج حقوق بشر.

**تأمین تصدی Security of tenure:** داشتن حق قانونی حمایت از اخراج اجباری خودسرانه یا اخراج اجباری و آزار و اذیت که بشکل مساویانه به مالکین، کرایه نشینان و ساکنین غیر قانونی مرتبط میباشد.

**اطفال جدا شده و بدون سرپرست:** طفل جدا شده کسی است که سن 18 را تکمیل نکرده و از پدر و مادرش یا سرپرست خویش یا کسیکه بر طبق قانون یا عرف مسئولیت مواظبت از او را دارد، جدا شده باشد.

**محلات فقیر نشین و پر جمعیت:** معمولاً محلات بودباش غیر رسمی استکه در ماستر پلان شهری شامل نبوده و دارای مشخصات ذیل میباشد: عدم دسترسی مناسب به آب پاک، عدم دسترسی مناسب به نظافت و حفظ الصحه و سایر خدمات زیر بنایی، منازل دارای کیفیت پایین ساختمانی، مزدحم و دارای موقف رهائشی غیر مصنون.

**معیارهای دوره ای:** حد اقل معیارها برای فراهم آوری مساعدت ها در چهار عرصه حیات بخش ذیل:  
(1) آبرسانی، بهبود نظافت و حفظ الصحه، (2) مصئونیت غذائی و تغذیه، (3) سرپناه، اسکان و مواد غیر غذائی، (4) صحت و معیارها برای نظارت و ارزیابی موثریت و تأثیر مساعدت های بشردوستانه.  
کتاب *رهنمای معیارهای دوره ای: منشور مساعدت های بشردوستانه و حد اقل معیارها در رسیدگی بشری، چاپ سال 2011.*

**تذکره:** عبارت است از شناسنامه ملی در افغانستان.

**اسکان موقت:** عبارت از پروسه ای است که در آن افراد بیجاشده، در صورتیکه شرایط امنیتی، اجتماعی – اقتصادی و مساعدت های بشردوستانه در کمپ ها و مراکز ترانزیت رضایت بخش نباشد، بشرطیکه به حق افراد بیجاشده به عودت داوطلبانه به مناطق اصلی شان، زمانیکه شرایط در آن مناسب باشد، ویا به حق آنها در رابطه به اقامت دائمی در منطقه دیگری غیر از منطقه اصلی شان صدمه نرساند، انتقال داده میشوند.

**اطفال بدون سرپرست – افراد زیر سن 18 که از خانواده خود جدا بوده و کاملاً تنها میباشند.**

**مهمات منفجر ناشده –** مواد منفجره تهیه شده برای استفاده که شلیک، انداخت، یا پرتاب شده اما بخاطر عدم فعالیت درست یا طرح ریزی غلط یا کدام دلیل دیگر منفجر نگردیده است.

**حق استفاده از ملکیت دیگران:** حق بهره مندی از فواید بدست آمده از ملکیتی که به شخص دیگر یا دارائی عامه متعلق میباشد.

**آسیب پذیری:** اصطلاح وسیعی است که به مردم، جامعه، امرار معیشت، تدارکات غذا، دارائی های جامعه، یا ملکیت اطلاق میشود. زمانیکه به مردم یا جوامع اطلاق میشود به این معنی است که این افراد در معرض خطر متأثر شدن قرار دارند، دارای نیازمندی های خاص بوده و یا در محرومیت جدی قرار دارند. همچنان این اصطلاح بیشتر برای توضیح عواملی که توانائی اجتماع یا افراد را در پاسخگوئی به خطرات طبیعی یا حوادث شدید متأثر میسازد، مورد استفاده قرار میگیرد. آسیب پذیری در تشدید تأثیرات حالات اضطراری نقش داشته و مانع پاسخگوئی های موثر میشود.

### 1.3 مفهوم و ویژگی های بیجاشدگی داخلی در افغانستان

از سال 1978 میلادی بدینسو افغانستان جنگهای متداوم را در سطح ملی و محلی تجربه نموده است. علاوه بر آن این کشور دارای جغرافیای مغلق و شرایط جوی مشکل است که باعث شده تا در معرض خشک سالی، زمین لرزه ها، سیلاب ها و برف کوچ ها قرار گیرد. تأثیرات روز افزون این همه چالش ها بالای افغانها بسیار دشوار بوده است.

اسباب بیجاشدگی متنوع بوده و اعم از درگیری های مسلحانه، خشونت های عمومی و نقض جدی حقوق بشر، حوادث طبیعی<sup>1</sup>، پروژه های انکشافی<sup>2</sup> و حوادث ساخته دست بشر<sup>3</sup> میباشند. شناسائی واضح فکتورهای که افراد یا گروه ها را مجبور به فرار از اسباب بیجاشدگی میکنند، همواره آسان نیست، زیرا اسباب بیجاشدگی در افغانستان دارای چند بُعد میباشند. تأثیرات درگیری های جاری و نقض حقوق بشری با بروز حوادث طبیعی مغلق تر میشود، در حالیکه عدم موجودیت خدمات اساسی در یک ساحه مقاومت مردم را کاهش داده و آنها توانائی خود را در حمایت از خانواده های شان در محلات بودوباش همیشگی شان از دست میدهند. اگر سیستم آبیاری یک قریه که با خشکسالی مواجه است به اثر بمباردمان هوایی تخریب شده باشد، و خانواده ها نتوانند زمین های شانرا کشت نمایند، ترکیبی از درگیری ها و حوادث طبیعی آنها را مجبور به ترک قریه های شان میسازد. در صورت عدم پیگیری موثر پس از حوادث طبیعی، مانند عدم تطبیق پروژه های بازسازی، مردم قادر به برگشت به محلات اصلی شان و خاتمه دادن به بیجاشدگی، نخواهند بود - وضعیتی که نمیتوان آنرا صرف به "حوادث طبیعی" وابسته دانست.

همچنان بیجاشدگی های اجباری از نگاه چارچوب زمانی، تعدد و مسافه بیجاشدگی، بشکل قابل ملاحظه ای متفاوت میباشند. در بعضی موارد، در مناطقی که درگیریهای نظامی صورت گرفته، مهاجرت های داخلی اکثراً برای مدت کوتاه و به مناطق نه چندان دور از منطقه اصلی شان صورت میگیرد؛ مردم بخاطر جنگ منطقه را ترک میکنند و بعد از هفته ها یا ماه ها شاید قادر به برگشت شوند. هر چند، زمانیکه جنگ شدت میگیرد و موقف جوانب درگیر در جنگ قوی تر میشود، بیجاشدگی میتواند طولانی تر شود. مواد منفجر ناشده باقیمانده از جنگ ها، ماین های زمینی، تخریب کشت، زمین های زراعتی، خانه ها و ملکیتها در جریان جنگ در بازگشت به مناطق اصلی بیجاشدگان داخلی و آغاز دوباره امرار معیشت شان تأثیر بسزائی دارد.

فکتورهای اضافی میتوانند باعث بیجاشدگی ها برای بار دوم و سوم شوند: بگونه مثال، وخامت وضعیت امنیتی در مناطقی که بیجاشدگان به آن جا فرار نموده اند، منازعات بالای زمین، تغییر شدید وضع جوی، کاهش یا نبود تسهیلات ضروری و یا از بین رفتن فرصت های امرار معیشت. در چنین موارد، مراکز ولایات، خاصاً مراکز بزرگ شهری که نسبتاً امن تر بوده، دسترسی به خدمات، مانند صحت و آموزش و فرصت های امرار معیشت بهتر میباشد، مردم را از مناطق نا امن روستایی به خود جلب مینماید.

در افغانستان، افرادی وجود دارند که برای مدت طولانی در بیجاشدگی قرار داشته اند<sup>4</sup> و از گزینه ها و خدمات فراهم شده به جوامع غیر متأثر شده محروم گردیده اند. آنها بدلائل متعدد قادر به ادغام اجتماعی و اقتصادی در مناطقی که پناه برده اند نیستند. این دلایل ممکن شامل این واقعیت باشد که آنها مالکیت زمینی را که بالای آن زندگی میکنند ندارند، اینکه از نقطه نظر نژادی یا قبیله ای از مردمیکه در بین شان زندگی میکنند متفاوت بوده و بیگانه تلقی میشوند، یا بخاطر اینکه ادارات محلی آماده فراهم نمودن "سرپناه موقت" برای آنها هستند نه اقامت دائمی، در نتیجه، آنها دارای نیازمندی های رفع نشده ای میباشند که وابسته به وضعیت بیجاشدگی شان است.

<sup>1</sup> حوادث طبیعی که آنرا آغاز می یابند، مانند سیلاب ها، لغزش زمین، طوفان های شدید یا زمین لرزه ها، و حوادث طبیعی که آغاز آنها بطی میباشند، مانند خشکسالی و تبدیل شدن زمین های زراعتی به دشت ها.

<sup>2</sup> مثلاً: برای اینکه بند آب ساخته شود، استملاک زمین یا زیر آب شدن که مردم را مجبور به نقل مکان میسازد.

<sup>3</sup> مثلاً: در صورت ملوث شدن محیط با مواد سمی یا موجودیت مواد انفلاقی بقایای جنگ.

<sup>4</sup> اکثراً به آنها "بیجاشدگان طویل المدت" اطلاق میشود.

بخش دیگری ازین مشکلات به افغانهای مهاجر و بی اسناد که در جریان دهه گذشته از پاکستان و ایران بشکل داوطلبانه و غیر داوطلبانه به افغانستان عودت نموده اند ارتباط میگیرد. تعداد قابل ملاحظه ازین عودت کنندگان بدلیل نا امنی و نبود خدمات یا فرصت های امرار معیشت، قادر به بازگشت به مناطق اصلی شان نیستند. آنها در بیجاشدگی ثانوی که خیلی شبیه به شرایط بیجاشدگان ناشی از جنگ یا حوادث طبیعی میباشد، قرار دارند.

آنچه در تمام اسباب بیجاشدن های اجباری معمول است، دو معیار مهم میباشد: (الف) مهاجرت بیجاشدگان از اماکن اصلی شان اجباری است، و عنصر فشار و نبود گزینه ها موجود است. (ب) بیجاشدگان در داخل سرحدات افغانستان باقی میمانند.

میزان بیجاشدگی<sup>5</sup> در افغانستان و این حقیقت که افغانستان هنوز هم در جریان جنگهای طولانی قرار دارد منتج به شرایطی شده است که هزارها نفر (که بیشتر از نصف آن اطفال و نوجوانان اند) در شرایط اضطراری زندگی نمایند و نیازمندیهای اساسی صحتی، غذایی، و حمایتی شان رفع نگردد. بدلیل اینکه این شرایط شاید بیشتر توسط حوادث طبیعی غیر مترقبه زود هنگام یا دیر هنگام متاثر شود، نیاز به پاسخگوئی مشترک در سطوح مختلف حکومت با همکاری نهادهای کمک رسان ملی و بین المللی، خواهد داشت.

## 2. هدف، چارچوب و اصول پالیسی

### 2.1 هدف

هدف این پالیسی ایجاد یک چارچوب جامع، موثر و واقعبینانه است که دربرگیرنده موارد ذیل خواهد بود:

- ا. ارائه رهنمود برای رسیدگی به شرایط فعلی و آینده بیجاشدگی داخلی در افغانستان؛
- ب. حصول اطمینان از اینکه رویکرد ها در عرصه رسیدگی به مشکلات بیجاشدگی در تمام مراحل آن، مبتنی بر رعایت، حمایت و برآوردن حقوق بیجاشدگان داخلی، منجمله در مرحله جستجوی راه های حل دائمی، طوریکه در قانون اساسی افغانستان، قوانین بین المللی حقوق بشر و بشردوستانه و اصول رهنمودی ملل متحد در مورد بیجاشدگان داخلی تصریح گردیده است، باشد.
- ج. رسیدگی به نیازمندیها و نگرانی های عاجل بیجاشدگان داخلی واجتماعات متاثر شده از بیجاشدگی، بشمول کسانی که از بیجاشدگان میزبانی مینمایند.
- د. رسیدگی به نیازمندی های دراز مدت بیجاشدگان داخلی در رابطه به فرصت های اقتصادی و امرار معیشت در انتقال از مرحله فراهم آوری مساعدت های بشردوستانه به مرحله یافتن راه های حل دائمی.
- ه. سعی و تلاش برای جلوگیری یا کاهش و مدیریت بیجاشدگی های داخلی جدید، بشمول پلانگذاری برای موارد غیر مترقبه و آگاهی دهی قبلی برای کاهش خطرات احتمالی حوادث جهت کاهش تأثیرات حوادث طبیعی مانند سیلاب ها و لغزش زمین که سبب از بین رفتن منازل و اسباب امرار معیشت مردم میشود؛
- و. شناسایی و ارتقاء تلاش ها جهت جلوگیری یا کاهش و مدیریت بیجاشدگی های جدید از طریق اقدامات لازم مانند آگاهی دهی بموقع در مورد عملیات های نظامی که ممکن بر زندگی افراد ملکی و ملکیت های آنان اثر گذار باشند؛
- ز. خاتمه بخشیدن به پدیده بیجاشدگی از طریق شناسایی و تطبیق راه های حل دائمی برای بیجاشدگان داخلی؛

<sup>5</sup> در اخیر ماه دسمبر سال 2012، UNHCR حدود نیم میلیون بیجاشده داخلی ناشی از درگیری ها را ثبت نموده است. (دفتر UNHCR افغانستان، ارقام ماهوار بیجاشدگی ناشی از درگیری ها، ماه دسمبر سال 2012). اگر بیجاشدگان ناشی از حوادث طبیعی و پروژه های انکشافی را با این بیجاشدگان علاوه نماییم نفوس بیجاشدگان داخلی در اواسط سال 2013 حدود 1.3 با 1.5 میلیون خواهد شد.

ح. مشخص نمودن نقش و مسئولیت های وزارت ها و سایر دواير دولتي، موسسات کمک رسان و ديگر دست اندرکاران برای روی دست گرفتن یک روش قابل پیشبینی، سیستماتیک، هماهنگ و اصولی در قبال بیجاشدگی داخلی در افغانستان؛ و

ط. ایجاد یک مبنای مشترک و منسجم برای پلانهای کاری در سطوح ملی، ولایتي و محلی و سایر تدابیر که زمینه تطبیق این پالیسی را مساعد سازد.

## 2.2 چارچوب و اصول پالیسی

این پالیسی:

أ. اذعان میدارد که فراهم نمودن مساعدت های عاجل، کمکهای طویل المدت و حمایت موثر از بیجاشدگان داخلی در افغانستان، بدون در نظر داشت اسباب بیجاشدگی، و بدون در نظر داشت اینکه آنها در کمپ ها بسر میبرند یا با خانواده های اقارب شان، در مناطق روستائی زندگی میکنند یا در شهرها، در ولایات خود بیجاشده اند یا در مناطق دیگر کشور بسر میبرند، از مسئولیت های اساسی دولت میباشد؛

ب. تعهد دولت در زمینه جلوگیری از بیجاشدگی اتباع افغانستان و حمایت از آنها، روی دست گرفتن پلانهای احتیاطی و ایجاد میکانیزم آگاهی دهی قبلی برای جلوگیری از بیجاشدگی یا کنترل عواقب وخیم آن و بلاخره جستجوی راه های حل دائمی برای بیجاشدگی های داخلی، را تأیید مینماید.

ج. حق بیجاشدگان داخلی را برای تقاضا و دریافت مساعدت و حمایت و همکاری برای یافتن راه حل دائمی برای مشکل بیجاشدگی شان، تأیید مینماید. مطابق به این پالیسی نیازمندی ها و آسیب پذیری های ویژه بیجاشدگان داخلی و حقوق مشخص آنان، در محراق تمام فعالیت هائیکه توسط دولت یا سایر ادارات ذیربط تطبیق میشود، میباشد.

د. فعالین عمده ای که این پالیسی را تطبیق و از تطبیق آن نظارت مینمایند، شناسایی مینماید.

ه. نقش رهبری وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان را در رسیدگی به نیازمندی های بیجاشدگان داخلی به مساعدت ها و حمایت از آنها، و اهمیت تقویت وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان، منجمله ارتقاء ظرفیت منابع بشری و مدیریت سیستم معلومات و افزایش منابع مالی جهت انجام موثر مأموریت آن را تأیید مینماید.

و. آسیب پذیری های مشخص بیجاشدگان داخلی منجمله از دست دادن خانه ها، از دست دادن اسباب امرار معیشت، جدا شدن از خانواده ها یا از دست دادن روابط اجتماعی و سنتی و از دست دادن اسناد شخصی شان را تأیید نموده و به نیازمندی های مشخص محروم ترین افراد در بین بیجاشدگان داخلی رسیدگی میکند. اینها شامل نیازمندی های حمایتی اضطراری از اطفال، نوجوانان، جوانان، کهنسالان، بیوه زنان، زنان حامله، افراد دارای معلولیت، بیماران مزمن، و در نظر داشت نیازمندی های مختلف حمایتی مطابق به جنسیت در بین تمام گروه های بیجاشده، میباشد.

ز. اذعان میدارد که زنان بشمول بیوه زنان، دختران نوجوان و افراد دارای معلولیت معمولاً در معرض خطر بزرگتر خشونت های فیزیکی و جنسی و فقر قرار دارند و با وجود مصاب بودن به مرض روانی، اکثراً به خدمات مهم صحتی یا روانی و اجتماعی یا ادارات تطبیق قوانین دسترسی ندارند و متعهد است که این نگرانی را توسط استراتیژی ها و برنامه ای مناسب حل مینماید.

ح. این پالیسی یک مبنای مشترک را برای تمام ادارات ذیدخل در کمک رسانی و حمایت از بیجاشدگان داخلی در افغانستان، طرح کمکهای نهادها و میکانیزمها برای هماهنگی که انعکاس دهنده نقشها و مسئولیت های ادارات در سطح ملی و ولایتی، و بین ادارات مربوطه کمکهای بشری و انکشافی باشد و همچنان سایر ادارات ذیدخل در کوشش برای جلوگیری از بیجاشدگی، برای کمک به بیجاشدگان داخلی و آمادگی برای وضعیت بیجاشدگی و همچنان جستجوی راه های حل دائمی برای بیجاشدگان داخلی، فراهم میکند.

ط. شیوه مبتنی بر حقوق (rights-based approach) را در ارتباط به بیجاشدگی که بر مبنای اصول رهنمودی سال 1998 ملل متحد در مورد بیجاشدگان داخلی (به ضمیمه شماره 1 مراجعه نمائید) استوار میباشد، روی دست میگیرد. همچنان این پالیسی مکلفیت های دولت جمهوری اسلامی افغانستان را در مطابقت با قانون بین المللی حقوق بشر و قانون بشر دوستانه بین المللی تصریح مینماید؛ و همچنان حقوق بیجاشدگان داخلی مندرج در قانون اساسی، قوانین ملی مربوطه و چارچوب حقوقی فوق الذکر را تأیید مینماید.

ی. بر ضرورت حمایت از حقوق بیجاشدگان داخلی و ارتقای سطح آگاهی پیرامون حقوق شان در افغانستان تأکید مینماید. اینکار مشمول اهمیت رعایت کرامت انسانی، اصول عدم تبعیض، عدالت و حمایت مساوی قانون میشود.

ک. تأیید مینماید که فراهم آوری مساعدت های بشری یک فعالیت بیطرفانه میباشد.

ل. از تمام فعالین در افغانستان، منجمله دولت افغانستان و نیروهای بین المللی، پولیس و شبه نظامیان و عناصر ضد دولتی، تقاضا مینماید تا از هر فعالیتی که منجر به بیجاشدگی میشود اجتناب نمایند.

م. بر ضرورت حصول اطمینان از حسابدگی و شفافیت در تمام روابط میان اجتماعات متاثر شده و فراهم کنندگان مساعدت ها تأکید مینماید.

ن. بر اهمیت کمک به سایر اجتماعات متاثر شده و خانواده ها، خاصاً کسانی که افراد بیجاشده را میزبانی میکنند، تأکید مینماید.

س. بر نیاز به یک سیستم موثر جمع آوری معلومات مورد نیاز، منجمله سیستم مدیریت معلومات جهت جمع آوری اطلاعات در مورد تحرک بیجاشدگان (نقل مکان از یکجا به جای دیگر) تأکید مینماید، زیرا معلومات دقیق و جامع برای فراهم نمودن کمکهای لازم بشکل موثر، حایز اهمیت میباشد.

ع. بر اهمیت شمولیت بیجاشدگان داخلی و سایر جوامع متاثر شده از بیجاشدگی در روند تصمیم گیری منحصی افراد ذیدخل در تمام موضوعاتی که بالایشان تاثیر گذار است، و در موضوعات مربوط به ارتقاء ظرفیت پیرامون تمام برنامه ها تأکید مینماید.

ف. تأیید مینماید که راه های حل دائمی برای بیجاشدگان داخلی باید در اهداف، اولویت ها، استراتژی ها و پالیسی های ملی انکشافی افغانستان گنجانیده شود.

ص. نیاز به تطابق و هماهنگی چارچوب ملی حقوقی، و چارچوب پالیسی افغانستان با معیارهای بین المللی را تأیید مینماید تا حکومت را برای پذیرفتن کامل مسئولیت های آن در قبال بیجاشدگان داخلی؛ و نیاز وزارت عدلیه را در تشخیص اینکه کدام قوانین باید تعدیل گردند و در کدام موارد باید قوانین جدید

وضع شود توانمند بسازد.

ق. بر نیاز به حصول اطمینان از فراهم آوری یک چارچوب حقوقی مناسب که حمایت کافی از بیجاشدگان داخلی، فراهم آوری مساعدت های عاجل به آنان و ایجاد راه های حل دائمی را به آنان تضمین نماید، تأیید میکند.  
ر. تأیید مینماید که این پالیسی و اسناد قانونی مربوطه آن جزء قوانین ملی افغانستان خواهند گردید.

### 3. بیجاشدگان داخلی

#### 3.1 تعریف

در این پالیسی تعریف بیجاشدگان داخلی قرار ذیل است:

".... اشخاص یا گروهی از اشخاص اند که خاصاً در نتیجه جنگ یا به منظور اجتناب از خسارات درگیری های مسلحانه، اوضاع خشونت های عمومی، نقض حقوق بشر یا حوادث طبیعی و یا ساخته دست بشر مجبور به فرار یا ترک منازل یا محلات بودوباش همیشگی شان گردیده اند اما سرحد شناخته شده بین المللی کشور شان را عبور ننموده اند".<sup>6</sup>

این تعریف در میان سایر گروپ ها افراد ذیل را در بر میگیرد:

- ا. عودت کنندگان - (پناهندگان عودت کننده و مهاجرینی که به افغانستان رد مرز شده اند) و بخاطر نا امنی های ناشی از درگیری های مسلحانه، اوضاع خشونت های عمومی، یا نقض حقوق بشری، ماین های زمینی یا آلودگی ناشی از بقایای مواد منفلقه از جنگها در زمین هایشان، منازعات بالای زمین، یا خصومت های قبیلوی نمیتوانند در مناطق اصلی شان سکونت کنند.
- ب. اشخاص یا گروه هائی که در نتیجه تطبیق پروژه های انکشافی از اماکن شان بیجا شده اند، کدام مسکن مناسب و یا زمین بدیل یا جبران خساره مناسب دریافت نکرده اند تا بتوانند زندگی شان را بشکل متداوم اعاده نمایند.

#### 3.2 آسیب پذیری های ویژه بیجاشدگان داخلی

این پالیسی اذعان میدارد که بیجاشدگی های داخلی باعث آسیب پذیری های بیشتر و نیازمندیهای ویژه میشود. این امر شامل توانمندی ترک ساحه خطر و رسیدن به یک ساحه امن، جهت دریافت سرپناه موقت و دسترسی به خدمات اساسی و آغاز امرار معیشت، مصنونیت در مقابل تبعیض بر مبنای بیجاشدگی و دریافت راه های حل دائمی جهت ختم بیجاشدگی میباشد.

این پالیسی اذعان میدارد که اکثراً بیجاشدگان در اجتماع منزوی هستند و نمیتوانند نیازمندیهای اساسی شان به غذا، آب، مسکن، مراقبت های صحی یا آموزش را رفع نمایند. تعداد زیادی از آنان ملکیت ها و زمین های خود را نیز از دست داده و قادر به بدست آوردن عواید نیستند. بعضی آنها از انزوای اجتماعی رنج میبرند و مصنونیت سابق خود را که توسط اجتماع فراهم شده بود، از دست داده اند. همچنان بعضی از بیجاشدگان ممکن بخاطر از دست دادن اسناد شخصی خود دچار مشکلات باشند. در ساحات بودوباش غیر رسمی که اکثر بیجاشدگان در آن زندگی میکنند، فرهنگ

<sup>6</sup> این تعریف از "اصول رهنمودی ملل متحد در مورد بیجاشدگان داخلی" اقتباس شده است.

و عنعنات، اکثراً زنان را محدود به خانه هایشان نموده و بالای گشت و گذار آنها قیودات وضع نموده که رسیدگی به نیازمندیهای غذایی، صحتی، تعلیمی و اجتماعی اطفال شان را مشکل ساخته است.

این پالیسی درک مینماید که از مجموع نفوس بیجاشدگان داخلی، 60 فیصد آنها اطفال و نوجوانان اند. زمانیکه بزرگان در شرایط بیجاشدگی اجباری به خطرات و مشکلات زیاد روبرو میشوند، اطفال و نوجوانان در صورت بیجا بودن از خانه ها یا مناطق اصلی شان، از آن هم بیشتر رنج میبرند و به خطرات بزرگتر روبرو میشوند. مشکلات حمایتی اطفال و نوجوانان شامل: مکتب نرفتن، نبود انکشاف عادی اجتماعی، کم بودن یا عدم موجودیت ساختار حمایت خانوادگی یا اجتماعی، خطرات بیشتر خشونت های جنسی و خشونت های مبتنی بر جنسیت، کار شاقه خطرناک برای اطفال، اعمال مضر، عملکرد های زیانبار اجتماعی بشمول ازدواجهای اجباری قبل از وقت، رو آوردن اطفال به کارهای روی سرک یا استخدام شان توسط نیرو ها یا گروه های مسلح میباشد. اطفال دارای معلولیت از جمله محروم ترین افراد میباشند. تمام این خطرات مختلف برای اطفال، نوجوانان و زنانی که تحت شرایط موجوده بیجاشدگی اجباری بسر میبرند، منجر به این میشود تا این افراد منحصی افراد دارای نیازمندی های عاجل حمایتی پنداشته شوند.

سایر کسانیکه مشخصاً در معرض آسیب پذیری در برابر خشونت های عمومی و خشونت خانوادگی قرار دارند عبارت از زنان (بویژه زنان سرپرست خانواده، زنان امیدوار، مادران دارای کودکان و زنان دارای معلولیت) کهنسالان، اشخاص دارای معلولیت و اشخاص مصاب به امراض مزمن میباشند. همچنان کسانیکه قومیت یا مذهب شان از افراد جامعه میزبان متفاوت بوده و دارای موقف پایین اجتماعی - اقتصادی میباشند، در معرض خطر قرار دارند. این پالیسی اذعان میدارد که باید جهت حمایت از حقوق همچو بیجاشدگان داخلی آسیب پذیر اقدامات لازم اتخاذ گردیده، نیازمندی های آنان مورد رسیدگی قرار گیرد، تا حصول اطمینان گردد که آنها بخاطر بیجاشدگی مورد تبعیض قرار نگرفته و از حمایت مساویانه توسط قانون برخوردار باشند.

### 3.3 شناسایی و ثبت نام بیجاشدگان داخلی

این پالیسی:

- ا. برای بیجاشدگان داخلی کدام موقف حقوقی نداده اما وضعیت حقیقی افرادی را که بخاطر بیجاشدگی دارای آسیب پذیری ها و نیازمندی های خاص میباشند توضیح مینماید؛
- ب. در مورد ثبت و راجستر عمومی بیجاشدگان داخلی کدام صراحت ندارد.
- ج. اذعان میدارد که میتوان در صورت ضرورت بیجاشدگان داخلی را برای اهداف مشخص شناسایی و ثبت نام نمود. بویژه شناسایی و ثبت نام افراد:
  - (1) در صورت انجام مداخلات هدفمند مانند توزیع کمک های بشردوستانه، دسترسی به محلات بودوباش بیجاشدگان، توزیع زمین، ثبت نام رأی دهندگان در صورتی که فراهم نمودن جبران خساره، عودت پلان شده یا عملیات نقل مکان به محلات دیگر مناسب میباشد؛
  - (2) در صورت پاسخگوئی های مبتنی بر ساحه به بیجاشدگی داخلی (خاصتاً در مناطق شهری) که نیاز به شناسایی واضح بیجاشدگان به طور انفرادی نمیباشد، ثبت نام ضرور نیست، در چنین موارد، سروی عمومی (general profiling) برای اهداف پلانگذاری و توزیع کمکها، کافی خواهد بود.
- د. اذعان میدارد که شناسایی و تأیید بیجاشدگان داخلی مسئولیت وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان، از طریق ریاست های ولایتی آن میباشد، اما با این اداره ممکن از طرف جامعه مساعدت های بشردوستانه، خاصتاً از طریق گروپ های موظف ولایتی برای بیجاشدگان داخلی، یا از طریق سایر میکانیزم های هماهنگی که تشکیل خواهد یافت، مساعدت صورت خواهد گرفت.
- ه. تأیید مینماید افرادی که در بخش 3.1 بحیث بیجاشدگان داخلی تعریف شده اند، بدون در نظر داشت اینکه آنها در محلات شناسایی شده برای بیجاشدگان زندگی میکنند یا در مناطق شهری و با مردم بیجا ناشده، بداخل یک



ولایت بیجا شده اند یا بیرون از سرحدات ولایت بیجا شده اند و همچنان بدون در نظر داشت سبب و مدت بیجاشدگی و بدون در نظر داشت قومیت و نژادشان، منحصراً بیجاشدگان داخلی تلقی میشوند. و. اذغان میدارد که به هدف تصمیم گیری در مورد اینکه منحصراً یک بیجاشده داخلی کی مستحق دریافت مساعدت ها است و کی مستحق نیست، وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان و گروپ موظف برای بیجاشدگان داخلی در مشوره با والیان، ولسوالان، شوراها و ولایتی و یا شاروال ها معیار هائی را مشخص مینمایند.

### 3.4 بیجاشدگی چه وقت خاتمه میابد

قرار گرفتن در وضعیت بیجاشدگی داخلی به معنای قرار گرفتن در معرض یک سلسله خطرات و آسیب پذیری های مشخص میباشد. بیجاشدگی زمانی خاتمه میابد که یک راه حل دائمی برای بیجاشدگان دریافت شود تا این افراد دیگر بخاطر بیجاشدگی نیاز به کمک نداشته باشند و بتوانند از عین حقوقی که سایر اتباع افغانستان مستفید میگردند، برخوردار شوند. مشخصاً، موقف بیجاشدگی یک شخص زمانی خاتمه میابد که:

- ا. به شکل داوطلبانه و مصئون به منطقه بودوباش قبلی خود، که در آن جایی برای زندگی همراه با تأمین تصدی زمین، دسترسی به خدمات اساسی و امرار معیشت، همانند افراد بیجا ناشده داشته باشد، برگردد؛ یا
- ب. زمانیکه شخص بیجاشده به شکل داوطلبانه تصمیم سکونت در منطقه دیگری از کشور خود را، که در آن جایی برای زندگی همراه با تأمین تصدی زمین، دسترسی به خدمات اساسی و امرار معیشت، همانند افراد بیجا ناشده داشته باشد، گرفته و قادر به انجام اینکار باشد.

## 4. نقش ها و مسئولیت های نهاد ها

### 4.1 مسئولیت های اساسی دولت جمهوری اسلامی افغانستان

دولت جمهوری اسلامی افغانستان در سطوح ملی، ولایتی و شاروالی ها مسئولیت اساسی در عرصه حمایت و کمک به تمام بیجاشدگان داخلی و جوامع متأثر شده از بیجاشدگی را بدوش دارد. اینگونه حمایت و کمک باید در جریان تمام مراحل بشمول حالات اضطراری به اساس استراتژی های حیات بخش، با حصول اطمینان از رعایت حقوق و پاسخ به نیازمندیهای شان و در جستجوی راه های حل دائمی برای ختم وضعیت بیجاشدگی صورت گیرد.

### 4.2 وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان

وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان در زمینه رسیدگی به مشکلات بیجاشدگی داخلی، نهاد رهبری کننده دولت جمهوری اسلامی افغانستان میباشد.

### وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان دارای وظایف ذیل میباشد:

- ا. کار منحصراً اداره سکتوری اصلی و آخرین مرجع که میتوان در تمام موضوعات مربوط به بیجاشدگان داخلی در سطح ملی به آن متوسل شد،
- ب. ایجاد یک پلان ملی تطبیقی برای این پالیسی

ج. هماهنگی در تطبیق این پالیسی با سایر وزارت ها، اداره ملی آمادگی مبارزه با حوادث، ادارات ولایتی و شاروالی ها، بیجاشدگان داخلی و اجتماعات متأثر شده از بیجاشدگی داخلی، جامعه مدنی، ملل متحد و مراجع تمویل کننده. به این هدف وزارت امور مهاجرین:

i. ریاست کمیته بین الوزارتی در مورد امور مهاجرین، عودت کنندگان، و بیجاشدگان داخلی را بعهده میگیرد تا کسب اطمینان نماید که مشکلات مشخص بیجاشدگان در قوانین سکتوری، پالیسی ها، پلانها و برنامه های وزارت های مربوطه در سطوح ملی، ولایتی و شاروالی ها، شامل ساخته شده است.

ii. ریاست گروپ موظف ملی بیجاشدگان داخلی را که متشکل از اعضای جامعه بین المللی، جامعه مدنی و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان میباشد بعهده دارد.

iii. در کمیته بین الوزارتی مربوط به حمایت اجتماعی اشتراک مینماید؛

iv. در مجالس هماهنگی مربوط به جامعه بین المللی به اساس مشوره هماهنگ کننده کمکهای بشری ملل متحد اشتراک مینماید؛

v. از طریق ریاست های امور مهاجرین و عودت کنندگان در سطح ولایات به ادارات محلی هدایات و مشوره های لازم را فراهم مینماید.

د. ایجاد یک "سیستم مدیریت اطلاعات"، بر مبنای ظرفیت فعلی جمع آوری اطلاعات، برای جمع آوری و هماهنگی پروسه جمع آوری معلومات در مورد وضعیت بیجاشدگان، پیگیری و ردیابی تحرکات بیجاشدگان از آغاز مرحله اضطراری الی دسترسی شان به یک راه حل دائمی و یقینی ساختن تشریک معلومات با سایر فعالین در این عرصه. اینکار مشمول تطبیق اقدامات برای بهبود شناسایی بیجاشدگان و نیازمندیهای آنان در همکاری با دفاتر UNHCR, IOM و سایر فعالین در این عرصه میشود.

ه. هماهنگی و حمایت از تدوین پلانهای کاری ولایتی در مورد راه های حل دائمی برای بیجاشدگی داخلی مطابق به بخش 8.2 این پالیسی؛

و. پلانگذاری، مدیریت و هماهنگی فعالیتها و برنامه های حمایتی مربوطه، بشمول فراهم نمودن کمکهای عاجل (مانند حصول اطمینان از دسترسی بیجاشدگان به غذا، آب، سرپناه، مراقبت های صحی، حمایت و سایر نیازمندیهای اساسی)؛

ز. حصول اطمینان از اینکه در مراحل پلانگذاری و تطبیق تمام فعالیت های حمایتی و برنامه های عرضه مساعدت ها، با افراد متأثر شده منجمله زنان مشوره صورت خواهد گرفت.

ح. شناسایی خلاء های پالیسی و تقنینی، با حصول اطمینان از اینکه پیچیدگی های مسایل کاملاً درک گردیده و انعکاس یافته و مشکلات خارج از ساحه پالیسی بشکل درست تبارز داده شود.

ط. همکاری با جامعه بین المللی جهت حصول اطمینان از اینکه موضوع بیجاشدگی بشکل درست در پلانها، برنامه ها و پروژہ های آنان انعکاس یابد؛ و

ی. بسیج نمودن منابع مطابق به بخش 9 این پالیسی.

حکومت جمهوری اسلامی افغانستان، جامعه بین المللی و سایر دست اندرکاران این پالیسی بر ضرورت تقویت وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان در ایفای این نقش رهبری کننده، خاصاً نیاز به ارتقاء ظرفیت، منابع بشری و سیستم مدیریت معلومات و همچنان افزایش منابع مالی آن تأکید مینمایند.

### 4.3 نهاد های هماهنگ کننده

#### 4.3.1 کمیته بین‌وزارتی هماهنگی امور مهاجرین، عودت‌کنندگان و بیجاشدگان داخلی

کمیته بین‌وزارتی هماهنگی امور مهاجرین، عودت‌کنندگان و بیجاشدگان داخلی دارای مسئولیت‌های ذیل می‌باشد:

- أ. حصول اطمینان از تفاهم مشترک در رابطه به وضعیت بیجاشدگان، بشمول عوامل بیجاشدگی و موانع عودت یا استقرار مجدد؛
- ب. ارائه مشوره در مورد تدوین و تطبیق این پالیسی؛
- ج. حصول اطمینان از تفکیک نقشها و مسئولیت‌های بین نهاد‌های دولتی در ارتباط به حیطه مسئولیت‌های شان در قبال بیجاشدگان داخلی؛ و
- د. پیشنهاد برای فراهم آوری بودجه برای تطبیق این پالیسی.

#### 4.3.2 اداره ملی آمادگی مبارزه با حوادث (ANDMA)

اداره ملی آمادگی مبارزه با حوادث یک نهاد رهبری کننده در رسیدگی به نیازمندی‌های عاجل و کوتاه مدت آسیب‌دیدگان و بیجاشدگان ناشی از حوادث طبیعی می‌باشد.

- أ. این اداره پاسخگوئی به حالات اضطراری و تلاشهای بازسازی بعد از حوادث طبیعی را هماهنگ می‌کند. مسئولیت‌های این اداره در "قانون مدیریت پاسخگوئی و آمادگی به مبارزه با حوادث" (اول اکتوبر سال 2012) مشخص گردیده و شامل موارد ذیل می‌باشد:
  - i. در مرحله اضطراری، اعلان میزان خطرات حوادث، فعال نمودن و بعهده گرفتن ریاست مرکز عملیات عاجل و بسیج نمودن تیم ارزیابی سریع یا واکنش سریع؛
  - ii. در مرحله بازسازی و احیای مجدد پس از حوادث، اعلان ختم حوادث و رهبری تلاش‌های بازسازی پس از حوادث؛
  - iii. در رابطه به جلوگیری و کاهش حوادث طبیعی، پلانگذاری احتمالی و پخش اخباریه‌های بموقع.

ب. همچنان اداره ملی آمادگی مبارزه با حوادث، از طریق ریاست پاکسازی ماین‌ها، مسئولیت‌فعالیت‌های ماین‌پاکی را بدوش دارد. این ریاست در همکاری با مرکز هماهنگی فعالیت‌های ماین‌پاکی افغانستان فعالیت نموده و تمام فعالیت‌های ماین‌پاکی در افغانستان را هماهنگ می‌سازد.

ج. در تمام فعالیتها و برنامه‌های مربوط به بیجاشدگی، اداره ملی آمادگی مبارزه با حوادث در سطح مرکز در هماهنگی نزدیک با وزارت امور مهاجرین و عودت‌کنندگان و در سطح ولایات با ریاست‌های امور مهاجرین عودت‌کنندگان و سایر نهادهای ذیربط فعالیت مینماید.

#### 4.3.3 کمیسیون عالی دولتی مبارزه با حوادث

کمیسیون عالی دولتی مبارزه با حوادث نهاد عمده برای ایجاد پالیسی ملی پیرامون کاهش خطرات حوادث از طریق کاهش آسیب‌پذیری و پاسخگوئی به حالات اضطراری می‌باشد. ریاست این کمیته را معاون دوم رئیس جمهور بدوش داشته و اداره ملی آمادگی مبارزه با حوادث بحیث سکرتریت و اداره اجرائیوی آن در سطح کشور فعالیت مینماید. همچنان بیشتر از 20 وزارت کلیدی و اداراتی که نمایندگی از سکتورهای کلیدی دارای نقش‌های مهم در اداره حوادث مینمایند عضویت این کمیته را دارند.

أ. به اساس قانون اداره حوادث، کاهش (در صورت امکان جلوگیری) از تلفات بالقوه از خطرات، حصول اطمینان از عرضه کمکهای عاجل و مناسب برای قربانیان در وقت ضرورت و بازسازی سریع و دوامدار بعد از حوادث، از اهداف اداره ملی مبارزه با حوادث می‌باشند.

ب. با در نظر داشت این پالیسی، مسئولیت های کمیسیون عالی مبارزه با حوادث جلوگیری از بیجا شدگی و کاهش تأثیرات حوادث با اتخاذ اقدامات ذیل میباشد:

- i. شناسایی و طرح تدابیر استراتژی یک برای کاهش حوادث؛
- ii. تصویب پلان های ملی تمویل شده برای آمادگی، پاسخگویی و پلان های بازسازی؛
- iii. هماهنگی ملی حالات اضطراری؛
- iv. تدوین پالیسی های ملی و پلان های احتیاطی؛
- v. مدیریت وجوه مالی فراهم شده به هدف نجات از حوادث؛ و
- vi. بسیج نمودن کمکهای بین المللی در حالات عمده اضطراری.

#### 4.4 همکاران تطبیق کننده

##### 4.4.1 وزارت های ذیدخل و سایر ادارات حکومتی با مسئولیت های سکتوری در قبال بیجا شدگان داخلی

این پالیسی نقش های وزارت های ذیدخل و سایر ادارات حکومتی دارای مسئولیت های سکتوری را در قبال بیجا شدگان داخلی تصریح میدارد؛ این وزارت ها مشخصاً شامل: وزارت صحت عامه، وزارت معارف، وزارت احیاء و انکشاف دهات، وزارت زراعت، وزارت انکشاف شهری، وزارت کار، امور اجتماعی، شهداء و معلولین، وزارت امور زنان، وزارت عدلیه، وزارت امور داخله، وزارت دفاع ملی، وزارت امور سرحدات و قبایل، شورای امنیت ملی، وزارت مالیه، وزارت اقتصاد، وزارت امور حج، ارشاد و اوقاف، و اداره مستقل ارگانهای محلی میگردند.

هر یک از این وزارت ها/نهاد ها مسئولیت های شان در قبال بیجا شدگان داخلی را در هماهنگی با اولویت بندی ها و استراتژی های وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان و کمیته هماهنگی بین الوزارتی امور مهاجرین، عودت کنندگان و بیجا شدگان داخلی انجام خواهند داد. این وزارت ها در هماهنگی با وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان، مشخصاً فعالیت های ذیل انجام خواهند داد:

- أ. مرور قوانین و پالیسی های سکتوری شان جهت حصول اطمینان از شامل ساختن بیجا شدگان داخلی و اجتماعات متأثر شده از بیجا شدگی، نیازمندیها و آسیب پذیری های مشخص آنان و تطابق با آنها؛
- ب. بازبینی پلانگذاری و برنامه ریزی هایشان مطابق قوانین و پالیسی های سکتوری جهت حصول اطمینان از اینکه بیجا شدگان داخلی و اجتماعات متأثر شده از بیجا شدگی به این برنامه ها دسترسی داشته و همانند افغانهای بیجا نشده از آنها مستفید شوند؛
- ج. ادغام نیازمندی های مشخص بیجا شدگان داخلی و سایر جوامع متأثر شده از بیجا شدگی در پلانها، برنامه ها و پروژه های سکتوری شان در مطابقت با این پالیسی و پلانهای کاری ولایتی.

نقش های مشخص وزارت ها و ادارات در ضمیمه شماره 2 به تفصیل ذکر گردیده اند.

##### 4.4.2 مقامات ولایتی و سایر مقامات محلی

این پالیسی نقش ها و مسئولیت های والیان را در قبال بیجا شدگان داخلی در ولایات مربوطه شان در مطابقت با قانون اساسی و سایر قوانین ملی تأیید مینماید. بطور اخص والیان:

- ا. در ولایات مربوطه شان مسئولیت رسیدگی عاجل و آمادگی کامل به مساعدت بیجاشدگان داخلی را بدوش داشته و در برابر آنان پاسخگو میباشند؛
- ب. ریاست کمیته ولایتی مبارزه با حوادث (PDMC) را که متشکل از ادارات دولتی، موسسات ملل متحد و سازمان های غیر دولتی میباشد بدوش دارند.
- ج. مسئولیت تدوین پلان های کاری ولایتی برای یافتن راه های حل دائمی، منجمله استراتژی جلب وجوه مالی، در مطابقت با بخش های 8 و 9 این پالیسی جهت تطبیق پالیسی متذکره در ولایت مربوطه شانرا بدوش دارند؛
- د. در رابطه به برنامه های توزیع زمین برای بیجاشدگان داخلی نقش عمده دارند تا حصول اطمینان گردد که این برنامه ها پایدار بوده و زمین ها بشیوه مناسب و شفاف توزیع گردیده و اینکار در مطابقت با معیار های قبلاً تعیین شده انجام داده شود؛

این پالیسی تأیید مینماید که ولسوالان، شاروال ها و سایر مقامات شاروالی ها در مطابقت با قانون اساسی و سایر قوانین ملی در قبال بیجاشدگان داخلی در ولایات مربوطه شان دارای مسئولیت های مشخص میباشند. بطور اخص ولسوالان، شاروال ها و شاروالی ها:

- ا. بیجاشدگان داخلی را در پلان ها، برنامه ها و فعالیت های انکشافی شان شامل خواهند ساخت.
- ب. حصول اطمینان خواهند نمود که بیجاشدگان داخلی که در ساحات مربوطه آنان بسر میبرند بتوانند به خدمات اساسی، منجمله صحت، آموزش، امنیت منطقه و فرصت های امرار معیشت همانند سایر باشندگان آن محلات دسترسی داشته باشند.
- ج. منحیث بخشی از پروسه تدوین پلان های کاری ولسوالی و شاروالی در مطابقت با بخش 8.2 این پالیسی پلان های کاری شاروالی را تدوین مینمایند.
- د. در محلاتیکه تعداد زیاد بیجاشدگان داخلی در محلات بودوباش غیر رسمی و شرایط غیر معیاری زندگی میکنند، استراتژی هائی را جهت رسمی ساختن این محلات بودوباش و بهبود شرایط زندگی و فراهم آوری سرپناه های ارزان قیمت به شهر نشینان فقیر منجمله بیجاشدگان داخلی، مدنظر خواهند گرفت.
- ه. حصول اطمینان خواهند کرد که بیجاشدگان داخلی که در قلمرو ولسوالی ها و شاروالی های شان بسر میبرند در معرض خطر اخراج اجباری قرار نگرفته و یا در تهدید آن قرار نداشته باشند.
- و. در تهیه بودجه های سالانه شان نیازمندی های خاصی را که موجودیت بیجاشدگان داخلی در اجتماعات شان بمیان آورده مدنظر خواهند گرفت.

### هماهنگی

در اجرای فعالیت هایی که در این بخش تشریح شده اند تمام مقامات ولایتی و سایر مقامات محلی فعالیت های شانرا از طریق اداره مستقل ارگانهای محل در سطح ملی هماهنگ مینمایند که با وزارت امور مهاجرین نیز هماهنگ خواهد گردید. در ساحاتیکه ممکن است مقامات ولایتی فعالیت هایشان را با ریاست های امور مهاجرین و والیان هماهنگ نمایند.

### 4.4.3 کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان (AIHRC)

این پالیسی نقش کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان (AIHRC) را به مثابه یک نهاد ملی حقوق بشر در مطابقت با ماده 58 قانون اساسی جهت نظارت از رعایت حقوق بشر در افغانستان و بهبود و حفاظت ازین حقوق، منجمله تحقیق و تأیید موارد نقض حقوق بشر و اتخاذ اقدامات جهت بهبود و ارتقاء حقوق بشر در کشور مورد تأیید قرار میدهد.

طوریکه در فصل 10 این پالیسی تذکر داده شده، این کمیسیون در پروسه نظارت از تطبیق این پالیسی اشتراک داشته و بطور مشخص در رابطه به گزارش دهی در مواردیکه حقوق بیجاشدگان داخلی مورد احترام قرار گرفته، ازین حقوق حمایت صورت گرفته و تحقق یافته اند، مسئولیت خواهد داشت.

#### 4.5 نقش جامعه بین المللی

این پالیسی:

- أ. نقش مهم جامعه بین المللی، منجمله موسسات مساعدت های بشری، انکشافی، حقوق بشر و استقرار صلح را در موارد ذیل تأیید مینماید:
  - i. حمایت از تلاش های بشردوستانه دولت در فراهم آوری مساعدت ها به بیجاشدگان داخلی و اجتماعات متأثر شده از بیجاشدگی و حمایت از آنان در جریان شرایط اضطراری و در جریان بیجاشدگی های کوتاه مدت و دراز مدت (دوامدار)؛
  - ii. کمک، حفاظت و حمایت از راه های حل دایمی برای بیجاشدگان داخلی در افغانستان؛
  - iii. کمک به وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان در زمینه جمع آوری و تجزیه و تحلیل ارقام؛
  - iv. کمک به دولت در پلانگذاری احتیاطی و آمادگی ها برای رسیدگی به بیجاشدگی های احتمالی در آینده؛
  - v. انجام فعالیت ها منحیث اعضای میکانیزم های هماهنگی، کمیته های مشورتی یا گروپ های موظف جهت حصول اطمینان از تطبیق این پالیسی.
- ب. به اصول بشردوستانه، اصل بیطرفی و آزادی و بکاربرد این اصول توسط جامعه بین المللی؛ احترام میگذارد.
- ج. بر نیاز به هماهنگی نزدیک میان فعالین بشری و انکشافی تأکید مینماید. بالاخص، تقاضا مینماید تا عناصر مختص به بیجاشدگی در پلان های انکشافی و پلان های شهری گنجانیده شود.
- د. بر مسئولیت هماهنگ کننده مساعدت های بشری ملل متحد جهت پلانگذاری هماهنگ و منسجم و برنامه ریزی فعالین بشری و انکشافی که با اصول گنجانیده شده درین پالیسی رهبری میشوند، و نیز بر نیاز به جلب وجوه مالی جهت انجام فعالیت های مربوط تأکید مینماید.
- ه. نقش مهمی را که سازمان های غیردولتی بین المللی، ادارات ملل متحد و سایر فعالین بین المللی بشری ایفاء مینمایند تأیید مینماید.
- و. نقش مهم مراجع تمویل کننده دوجانبه و چندین جانبه را در کمک، حفاظت و حمایت از راه های حل مشکلات بیجاشدگان داخلی افغانستان و تقویت و حمایت از وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در انجام موثر مأموریت های آنان، در مطابقت با این پالیسی مینماید.
- ز. از مراجع تمویل کننده تقاضا مینماید تا در مطابقت با این پالیسی بخاطر تطبیق پلان های کاری برای یافتن راه های حل دایمی در مطابقت با این پالیسی، جهت حمایت از سایر برنامه ها و پروژه هائیکه در مطابقت با اصول گنجانیده شده درین پالیسی تطبیق میشوند و نیز برای مساعد نمودن زمینه اختصاص منابع جهت تطبیق این پالیسی، در مواردیکه مداخلات بشری و انکشافی باید با هم یکجا شوند، وجوه مالی را فراهم کنند.

#### 4.6 نقش جامعه مدنی افغانستان

این پالیسی تأیید مینماید که جامعه مدنی، منجمله سازمان های غیر دولتی، سازمان های اجتماعی و شورا های مذهبی:

- أ. در حمایت از تلاش های دولت جهت دسترسی به اجتماعات بیجاشده، ارزیابی نیازمندی های آنان و فراهم آوری مساعدت های عاجل به آنها نقش کلیدی را ایفاء مینماید؛
- ب. اجتماعات بیجاشدگان داخلی را در اشتراک در تصمیم گیری هائیکه بر زندگی آنها اثر گذار میباشد جهت ایجاد انجمن ها و شبکه های مناسب به این مقصد کمک نموده و از طرف آنان دادخواهی مینماید؛
- ج. در کمک به تطبیق برنامه ها و فعالیت های انکشافی جهت مساعدت با اجتماعات بیجاشدگان داخلی و یافتن راه های حل دائمی، منجمله یافتن شیوه های جدید امرار معیشت و آموزش مهارت های جدید، نقش مهم دارد؛
- د. در نظارت از تطبیق این پالیسی نقش عمده دارد؛

- ه. به اصول بشری، اصل بیطرفی و آزادی احترام قائل خواهد شد؛  
و. فعالیت های شان در حمایت از اجتماعات بیجا شده را از طریق شبکه ها و مکانیزم های مناسب هماهنگ خواهند ساخت.

#### 4.7 بیجا شدگان داخلی و اجتماعات متأثر شده از بیجا شدگی

این پالیسی تأیید مینماید که:

- أ. بیجا شدگان داخلی و اجتماعات متأثر شده از بیجا شدگی جهت درک نیازمندی های شان در بهترین موقعیت قرار دارند؛  
ب. آنها از طریق شوراها، بزرگان و انجمن هائیکه جهت ترویج نظریات و نگرانی های شان ایجاد مینمایند، در تمام تصمیم گیری های مهم در رابطه به برنامه ها، فعالیت ها و استراتژی هائیکه به هدف فراهم آوری مساعدت های عاجل به آنها و یافتن راه های حل دایمی برای مشکلات بیجا شدگی شان ایجاد میشوند، منحیث مراجع ذیدخل اشتراک خواهند کرد.  
ج. اجتماعات بیجا شدگان داخلی باید جهت دریافت نظریات زنان، بزرگان، اطفال و افراد دارای معلولیت تلاش نمایند.

#### 4.8 پیروی از این پالیسی

مراجع ذیل بدون هیچگونه تفاوت از این پالیسی پیروی مینمایند:

- أ. تمام ادارات و مراجع ذیدخل که در بخش های 4.1 الی 4.7 ذکر گردیده اند؛  
ب. سکتور خصوصی؛  
ج. فعالین غیر دولتی، افراد مسلح غیر دولتی، عناصر ضد دولتی و سایر گروپ های مشابه در افغانستان.  
پیروی از این پالیسی به مثابه داشتن وضعیت حقوقی برای آنها پنداشته نمیشود.

#### 5. اقدامات لازم برای جلوگیری از بیجانموندن های غیر قانونی

این پالیسی تأیید مینماید که جلوگیری از ایجاد شرایطی که سبب بیجا شدگی مردم میشود از مسئولیت های اساسی دولت جمهوری اسلامی افغانستان در رابطه به حمایت از تمام افرادی که در قلمرو این کشور بسر میبرند میباشد. طوریکه در اصول رهنمودی در مورد بیجا شدگی داخلی توضیح گردیده، ادارات ملی (منجمله ادارات ولایتی و شاروالی ها) باید از بروز شرایطی که منجر به بیجا شدگی میشود جلوگیری نموده، بیجا شدگی اجتناب نا پذیر و تأثیرات ناگوار آنرا کاهش داده، حصول اطمینان نمایند که بیجا شدگی های واقع شده نباید بیشتر از مدتی که شرایط تقاضا مینماید ادامه یابند.

#### 5.1 منازعات، عملیات های نظامی، خشونت های عمومی و نقض حقوق بشر

##### 5.1.1 اعمال جنایتکارانه و نقض حقوق بشر

در حالیکه افغانستان هنوز هم در جریان درگیری ها قرار داشته و نیروی های اردوی ملی افغانستان بر بخش های بزرگی از کشور کنترل موثر ندارند، دولت جمهوری اسلامی افغانستان اعلان خواهد کرد که عناصر ضد دولتی و سایر گروه های مسلح، نیرو های بین المللی و نیرو های خود را در اعمال جنایتکارانه و نقض حقوق بشری که منجر به بیجا شدگی اجباری مردم میشود مسئول و جوابده می پندارد. این اعمال شامل موارد ذیل میباشد:

- أ. تبعیض علیه افراد در بهره مندی از حقوق و آزادی ها؛  
ب. "غصب زمین" که مردم را به ترک زمین و ملکیت هایشان مجبور میسازد؛

- ج. نسل کشی، جرایم علیه بشریت، جرایم جنگی و سایر انواع نقض قوانین بشردوستانه بین المللی؛
- د. تهدید، آزار و اذیت، قتل های خودسرانه، قتل عام، سربریدن ها، توقیف خودسرانه، اختطاف، شکنجه و سایر انواع رفتار خشن، غیرانسانی یا تحقیر کننده یا مجازات، منجمله قطع اعضای بدن؛
- ه. تمام انواع خشونت های جنسی و خشونت بر مبنای جنس مانند تجاوز جنسی، مجبور ساختن به فحشاء، ازدواج های پیش از وقت و اجباری، استثمار جنسی و عملکرد های عنعنوی خطرناک، بردگی، استخدام اطفال و همکاری آنان با گروه های مسلح یا نیرو های مسلح، کار شاقه و اجباری و قاچاق انسانها، و دخالت در حق دسترسی به غذا که منجر به عدم مسئولیت غذایی میشود.

دولت جمهوری اسلامی افغانستان در مطابقت با کنوانسیون سال 1949 جنیوا و پروتوکول های سال 1977 آن اقدامات ذیل را اتخاذ خواهد نمود:

- ز. اجتناب از انجام عملیات های نظامی در مناطق ملکی، در صورتیکه خطر بیجا شدن افراد ملکی یا خساره مند ساختن آنها موجود باشد.
- ح. فراهم آوری زمینه عبور مصئون اجتماعات یا افرادی که میخواهند بخاطر درگیری ها، نا امنی یا حوادث طبیعی، مناطق شان را ترک کنند.
- ط. فراهم آوری زمینه عبور مصئون مساعدت های بشری که به افراد نیازمند فرستاده میشود.
- ی. راه اندازی تحقیقات کافی و مستقلانه در مورد تمام شایعات در رابطه به خطرات و حملاتیکه منجر به بیجا شدن، از بین رفتن افراد ملکی، اسباب امرار معیشت و منازل میشوند.
- ک. اعطای جبران خساره به اجتماعات بیجا شده و متأثر شده از عملیات نظامی.

### 5.1.2 بررسی قانونی

جهت حصول اطمینان از حسابدهی، وزارت عدلیه قوانین فعلی را مورد بررسی قرار داده و عدم تبعیض در برابر افراد بیجا شده و دسترسی آنان به عدالت را تضمین خواهد کرد. در صورت ضرورت، قوانین موجوده تعدیل گردیده و یا قوانین جدید توسط وزارت عدلیه تسوید و جهت منظوری به پارلمان سپرده خواهد شد.

### 5.1.3 درگیری های قومی و قبیله‌ای

در مواردیکه خطر آن موجود باشد که درگیری های قومی و قبیله‌ای منجر به بیجا شدن افراد گردد:

- أ. دولت جمهوری اسلامی افغانستان برای یافتن راه های حل قابل قبول که از بیجا شدن جلوگیری نموده بتوانند، به فرستادن تیم های میانجی ادامه خواهد داد؛
- ب. به این منظور، یک کمیته میانجی را ایجاد خواهد نمود تا پروسه میانجی گری را نظارت نموده و از بیطرفی میانجی گران و حسابدهی، شفافیت و بذل هر نوع مساعی جهت رسیدگی سریع به مشکلات حصول اطمینان نماید؛
- ج. ترکیب این کمیته وسیع بوده و متشکل از اعضای ذکور و اناث پارلمان، نمایندگان وزارت امور سرحدات و قبایل، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، جامعه مدنی و غیره خواهد بود.

### 5.1.4 مواد منفجره باقیمانده از جنگ ها

این پالیسی تأیید مینماید که :



- ا. یکی از بزرگترین خطرات فعلی در افغانستان موجودیت مواد منفجره باقیمانده از جنگ ها، منجمله ماین ها و مهمات منفجر ناشده میباشد<sup>7</sup>،
- ب. ماین پاکی یکی از پیش شرط های مردم برای عودت مصئون به زندگی و امرار معیشت و انکشاف اجتماعی – اقتصادی شان میباشد؛
- ج. دسترسی از دست رفته به مقدار زیاد زمین های حاصلخیز برای امرار معیشت و اسکان صرف زمینه افزایش فقر، بی ثباتی اجتماعات و کاهش فرصت ها برای انکشاف اجتماعی – اقتصادی را مساعد مینماید.

این پالیسی بر اهمیت کار برنامه فعالیت های ماین پاکی افغانستان که توسط مرکز هماهنگی فعالیت های ماین پاکی افغانستان هماهنگ شده و با ریاست ماین پاکی دولت افغانستان، منجمله در بخش آگاهی در مورد ماین ها کار میکند، تأکید مینماید.

برعلاوه، این پالیسی پیشنهاد مینماید که باید کار MAPA به مثابه یک اولویت توسعه یافته و این کار توسط پلان کاری کنوانسیون منع استفاده، ذخیره، تولید و انتقال ماین های ضد پرسونل و تخریب که پلان کاری برای اعلان افغانستان را به مثابه کشور عاری از ماین ها در سال 2023 ارائه مینماید، به پیش برده شود.

## 5.2 حوادث طبیعی

این پالیسی تأیید مینماید که:

- ا. اکثریت حوادث طبیعی مانند زلزله ها، سیلاب های تند و زمستان های شدید، از طریق اقدامات بموقع آگاهی دهی و آمادگی برای حالات اضطراری مورد رسیدگی موثر قرار گرفته میتواند. سایر خطرات مانند خشکسالی، سیلاب های دائمی و برف کوچ ها صرف از طریق کاهش خطرات حوادث بشکل موثر و مداخلات گسترده انکشافی، منجمله ترمیم زیربنا ها و اعمار سواحل دریا ها، مورد رسیدگی قرار گرفته میتواند.
- ب. طوریکه در "قانون آمادگی مبارزه با حوادث"<sup>8</sup> ذکر گردیده، ادارات NDMC و ANDMA که منحصبتاً سکرتریت این بخش کار نموده و جهت جلوگیری، کاهش، آمادگی و مبارزه با حوادث طبیعی به تلاش های شان ادامه داده و آنها را تشدید خواهند بخشید تا خطرات، خسارات جانی و بیجاشدگی افراد کاهش یابد.
- ج. این اقدامات آمادگی شامل پلانگذاری احتمالی، نقشه برداری مناطق معروض به خطر، نظارت حوادث احتمالی، پخش و نشر بموقع معلومات و آگاهی دهی، و سازماندهی فعالیت های آموزشی و ارتقای سطح آگاهی میباشد. همچنان اینکار مستلزم اتخاذ اقدامات جهت رسیدگی سریع به این حوادث با آموزش دادن ادارات محلی، جابجائی ذخایر اضطراری و تعیین ساحات جهت آمادگی برای بیجاشدگی های گسترده افراد میباشد.
- د. مناطقی وجود دارند که معروض به خطرات تکراری، مانند سیلاب های موسمی یا برف کوچ ها میباشدند که همواره اجتماعات را مجبور به فرار از مناطق شان میسازند. وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان به همکاری ANDMA، اداره مستقل ارگان های محل و وزارت احیاء و انکشاف دهات با سهمگیری و رضایت اجتماعات متأثر شده، جهت انتقال دایمی افراد متأثر شده به مناطق مصئون تلاش بخرچ داده و بعد از آن مانع اعمار دوباره مناطق سیلاب زده یا مناطقی که معروض به سایر خطرات باشند، میشوند.

<sup>7</sup> تا ماه جنوری سال 2013، زندگی و امرار معیشت مردم در بیش از 1700 محل توسط ماین های زمینی بقایای مواد منفجره از جنگها و مهمات تعبیه شده که ساحه بیش از 570 کیلومتر مربع را احتواء مینماید، متأثر میشود.

<sup>8</sup> شماره 1089 جریده رسمی مورخ 1 اکتوبر سال 2012

ه. بیجاشدگی های پس از وقوع حوادث طبیعی میتوانند وابسته به عدم موجودیت تلاش های موثر جهت کمک به افراد متأثر شده در بازسازی منازل، باغ ها و سیستم های آبیاری بخاطر فراهم آوری دوباره تخم های بذری و حیوانات و احیای خدمات اساسی (آب، صحت، آموزش) باشند. عدم موجودیت امکانات برای آغاز دوباره امرار معیشت یا دسترسی به خدمات اساسی میتواند باعث فرار آنان از مناطق شان بطرف مراکز شهری شود. بنابراین احیاء زود هنگام یکی از عناصر کلیدی برای جلوگیری از بیجاشدگی بوده و تمام وزارت های سکتوری، منجمله وزارت زراعت، مالداري و آبیاری، وزارت احیاء و انکشاف دهات، وزارت معارف، وزارت کار، امور اجتماعی، شهداء و معلولین و اداره مستقل ارگان های محل در برنامه های و استراتژی های خود اینکار را در اولویت قرار خواهند داد.

### 5.3 پروژه های انکشافی

این پالیسی تأیید مینماید که:

- أ. تصاحب اجباری زمین ها به مقاصد عامه منجمله تطبیق پروژه های زیربنایی، مردم را از محلات بودوباش شان بیجا نموده و آنها را مجبور میسازد تا زمین ها، منازل، دارائی ها و وسایل امرار معیشت شانرا ترک کنند که اینکار ممکن پیامدهای ناگوار روانی و اجتماعی - فرهنگی را در قبال داشته باشد.
- ب. دولت باید با اتخاذ اقدامات ذیل از بیجاشدگی ناشی از تطبیق پروژه های انکشافی توسط فعالین دولتی یا خصوصی، جلوگیری نموده و یا آنرا کاهش دهد:
  - i. مراجع ذیدخل باید با فراهم آوری معلومات مکمل به افرادی که بخاطر این پروژه ها از محلات بودوباش شان بیجا میشوند و نیز در مشوره با آنان، بدیل های مناسب این پروژه ها را جستجو نمایند؛
  - ii. ادارات مربوطه دولتی باید پروژه های انکشافی پیشنهاد شده را از نقطه نظر تأثیرات اجتماعی - اقتصادی و محیطی مورد ارزیابی قرار داده و قبل از آغاز این پروژه ها مطالعه امکان پذیری آنها را انجام دهند.
  - iii. در اینگونه ارزیابی ها باید تأثیرات مختلف بیجاشدگی بالای گروه های منزوی، منجمله زنان، اطفال، سالخوردگان، و افراد دارای معلولیت مدنظر گرفته شوند.
- ج. اگر بدیل دیگری برای بیجاشدگی وجود نداشته باشد، و در صورتیکه یک پروژه بخاطر منافع عامه باشد، با خانواده ها و اجتماعاتیکه از محلات بودوباش شان بیجا میشوند، در مورد محل، زمان و نحوه انتقال آنان از محل اصلی مشوره صورت گرفته، برای شان محل بودوباش قابل قبول، در مطابقت با معیار های بین المللی حقوق بشری در رابطه به مسکن مناسب فراهم ساخته شده، در انتقال و جابجائی شان کمک صورت گرفته و در مقابل تصاحب منازل و ملکیت های شان، نه تنها برای زمین های شخصی بلکه برای زمین های محلی، مانند علفچر ها برای شان جبران خساره مناسب پرداخته خواهد شد.
- د. در بسا موارد صرف جبران خساره نقدی نمیتواند خانواده های متأثر شده را در بدست آوردن زمین زراعتی، زمین های محلی برای چرانیدن مواشی شان، زمین برای اعمار مسکن و سایر منابعی که آنها باید به دولت واگذار شوند، کمک کند.
- ه. یکتعداد افراد مانند زراعت پیشه های بی زمین، اجاره داران و پیشه وران که در فقر زندگی نموده و بخاطر امرار معیشت شدیداً وابسته به این دارائی های تصاحب شده میباشند، ممکن بخاطر عدم داشتن ملکیت واجد شرایط جبران خساره نباشند. برای این افراد بخاطر از دست دادن منابع امرار معیشت آنان، وزارت های احیاء و انکشاف دهات، زراعت، مالداري و آبیاری، انکشاف شهری، و وزارت کار، امور اجتماعی، شهداء و معلولین برنامه های خاص، منجمله برنامه های اسکان اجتماعی و مساعدت های اجتماعی را ایجاد خواهند کرد تا آنها را نه تنها در انتقال بلکه در یافتن فرصت های پایدار اشتغال کمک کند.
- و. در مواردیکه پروژه های انکشافی یک تصدی اقتصادی بوده و عواید آن به دولت یا سکتور خصوصی داده میشود، باید به اجتماع متأثر شده فرصت های متناسب اشتغال فراهم ساخته شود. برعلاوه، به این اجتماع

متأثر شده باید در تصدی ذکر شده نیز سهم داده شده و افراد آن باید در صندوق اجتماعی که به پروژه های اجتماعی توسعه خواهد یافت، شامل ساخته شوند.  
ز. اجتماع متأثر شده حق احتجاج رسمی را داشته و جهت مساعد نمودن زمینه استماع حقوق آنان میکانیزم های مناسب ایجاد خواهد گردید.

#### 5.4 جلوگیری از اخراج اجباری

وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان و جامعه بشری نگران اند که وضعیت بیجاشدگان داخلی و سایر افرادی که در معرض خطر اخراج اجباری از محلات غیر رسمی بودباش قرار دارند، یکی از مشکلات عاجل بشری بوده و نیاز به رسیدگی دارد.

این پالیسی:

- ا. اخراج اجباری را به مثابه بیرون راندن دائمی یا موقتی افراد، خانواده ها و یا اجتماعات از منازل و یا زمین هائیکه آنان اشغال نموده اند، بدون فراهم آوری و دسترسی به اشکال مناسب حمایت حقوقی یا نوع دیگر حمایت، تعریف مینماید.
- ب. تصدیق میدارد که اخراج اجباری "شامل نقض کامل یک سلسله حقوق بشردوستانه بین المللی، منجمله حق داشتن سرپناه، حق دسترسی به غذا، آب، صحت، آموزش، کار، امنیت شخصی، امنیت سرپناه، آزادی از رفتار خشن، غیرانسانی و تحقیر کننده و آزادی گشت و گذار میباشد."<sup>9</sup>
- ج. همچنان تأیید مینماید که مالکین زمین در رابطه به ملکیت های شان ادعا های موجه داشته و ممکن از بودباش کنندگان غیررسمی تقاضا نمایند تا زمین های شانرا تخلیه نمایند، خاصاً اگر آنها پلان داشته باشند تا خود شان از زمین های خود استفاده نمایند و یا بدلائل مصنوئیت و امنیت عامه.
- د. تصریح میدارد که اخراج قانونی صرف در صورتی صورت گرفته میتواند که اینکار در مطابقت با قوانین ملی افغانستان و احکام پیمان های بشردوستانه بین المللی قرار داشته باشند.
- ه. خاطر نشان میسازد که در افغانستان قوانین مختلفی وجود دارند که شامل دساتیر مستقیم یا غیر مستقیم میباشد که در مطابقت با این دساتیر اخراج افراد از یک منطقه باید صرف زمانی صورت گیرد که قانون آنرا جواز دانسته و اینکار در مطابقت با طرز العمل های مشخص حقوقی انجام داده شود.
- و. اهمیت مرور این قانون را توسط وزارت عدلیه بخاطر اصلاح آن یا بخاطر تدوین یک قانون جدید جهت حصول اطمینان از حمایت موثر از افراد، گروه ها و اجتماعات قبل از اخراج، در جریان آن و بعد از آن، تأیید مینماید.
- ز. بطور اخص این اقدامات باید موارد ذیل را تضمین نمایند:

- i. مردم در نتیجه اخراج از یک منطقه بی سرپناه یا بی زمین نشده و توانائی شان در وابستگی به زمین های زراعتی و علفچر های شانرا از دست ندهند؛ و در صورت ضرورت با آنها در اعمار سرپناه های جدید مساعدت صورت خواهد گرفت؛
- ii. وضعیت مردم اخراج شده نباید پس از اخراج از منطقه وخیم تر شود؛ همچنان وسایل امرار معیشت شان باید حفظ شود؛ با در نظر داشت اینکه اگر برای دهقانان زمین جدید داده میشود، آنها نیاز خواهند داشت تا وقتی که بتوانند زمین جدید را زرع نموده و حاصلات شانرا بدست بیاورند، با آنها کمک صورت بگیرد.
- iii. به گروه های آسیب پذیر، منجمله اطفال، بزرگسالان و افراد دارای معلولیت یا مریضان باید توجه جدی مبذول گردیده و بالاخص حقوق زنان رعایت گردد.

<sup>9</sup> اصول و رهنمود های اساسی در رابطه به اخراج و بیجاشدگی ناشی از فعالیت های انکشافی، ضمیمه 1 گزارش گزارشگر خاص در رابطه به بخش سرپناه مربوط به حق داشتن سطح زندگی مناسب A/HRC/4/18.Ibid

رهنمود ها در مورد حفاظت از افراد قبل از اخراج، در جریان آن و بعد از آن و کاهش زیان ها و مشکلات در ضمیمه 4 این پالیسی گنجانیده شده اند.

## 6. بیجاشدگی در مرحله اضطراری - مساعدت و دسترسی

### 6.1 مساعدت و حمایت اضطراری

#### 6.1.1 اصول

این پالیسی تأیید مینماید که:

- ا. مرحله اضطراری بیجاشدگی بر اقدامات حیات بخش متمرکز می باشد.
- ب. بیجاشدگان داخلی ممکن بر مبنای شرایط موجود به سرپناه اضطراری، مراقبت های صحی، آب آشامیدنی، و مواد غذائی و غیر غذائی و حمایت از خطرات نیاز داشته باشند؛
- ج. در رابطه به افراد دارای معلولیت، مریضان مزمن، بزرگسالان، و سایر افراد آسیب پذیر، باید اقداماتی روی دست گرفته شود تا از دسترسی فیزیکی آنها به این مساعدت ها حصول اطمینان گردد.

#### 6.1.2 رسیدگی عاجل

وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان به کمک مکانیزم های مربوطه هماهنگی، وزارت های سکتوری، موسسات و جامعه بشری فعالیت های ذیل را انجام خواهد داد:

- ا. نیازمندی های افراد بیجا شده را ارزیابی نموده و در مطابقت با "معیار های دوره ای"<sup>10</sup> که چهار عرصه ابتدائی مساعدت های بشردوستانه یعنی، آبرسانی، بهبود نظافت و حفظ الصحه؛ مصنونیت غذائی و تغذی؛ سرپناه، اسکان و مواد غیر غذائی؛ و فعالیت های صحی را تحت پوشش قرار میدهد، رسیدگی مناسب را تنظیم مینماید.
- ب. خانواده ها و یا افراد بیجا شده را بخاطر دریافت مساعدت ها ثبت نام مینماید.
- ج. از اتخاذ اقدامات جهت جلوگیری و رسیدگی به خطرات مربوط به حمایت از اطفال که شامل جدائی از خانواده، خشونت جنسی و خشونت بر مبنای جنس، استراتژی های خطرناک رسیدگی، استثمار و سوء استفاده می باشد، حصول اطمینان مینماید. این مداخلات مربوط به جلوگیری از بیجا شدگی و رسیدگی به آن شامل موارد ذیل می باشند:
  - i. مکانیزم ها جهت نظارت از این نیازمندی های حمایتی؛
  - ii. روند رجعت دهی جهت رفع مناسب نیازمندی های خاص؛
  - iii. محلات مصنون برای زنان، اطفال و جوانان در میان اجتماعات بیجا شدگان داخلی؛
  - iv. سیستم ردیابی افراد مفقود شده، خاصاً اطفال جدا شده از والدین شان و وحدت خانوادگی. در حال حاضر این فعالیت توسط وزارت کار، امور اجتماعی، شهداء و معلولین که رهبری شبکه حمایت از اطفال (CPAN) را بدوش دارد، و به همکاری کمیته بین المللی صلیب سرخ و جمعیت هلال احمر افغانی انجام داده میشود.
  - v. بسیج نمودن اجتماعات در جلب مساعدت ها برای کمک با اطفال و جوانان معروض به خطر.
- د. حصول اطمینان از اینکه آنهائیکه در رسیدگی عاجل، منجمله ردیابی و نجات افراد سهیم اند از طرز العمل های عملیاتی معیاری وزارت امور داخله در رابطه به شناسائی و انتقال بقایای اجساد افراد فوت شده پیروی نمایند.
- ه. حصول اطمینان مینماید که بقایای اجساد بیجا شدگان داخلی از بین نرفته و تخریب نشده و زمینه تسلیم دهی آنها به اقارب شان مساعد شده و در صورت امکان بشکل محترمانه دفن شوند. همچنان از احترام به قبرستان های بیجا شدگان داخلی و بازدید اقارب افراد فوت شده از قبر های شان کسب اطمینان مینماید.

<sup>10</sup> کتاب رهنمای معیار های دوره ای: منشور بشردوستانه و حد اقل معیار ها در رسیدگی بشری، سال 2011

- و. حصول اطمینان از اینکه وزارت کار، امور اجتماعی، شهداء و معلولین نیازمندی های افراد نهایت آسیب پذیر را اولویت بندی نموده و به افراد دارای معلولیت، یتیم ها و بیوه ها مساعدت های مناسب را فراهم نماید.
- ز. حصول اطمینان از اینکه در صورت نیاز به ایجاد کمپ ها بخاطر بودیاش افراد بیجاشده، اینکار در مطابقت با "معیار های دوره ای" صورت گرفته و به بیجاشدگان داخلی سرپناه مصنون و مطمئن و خدمات اساسی فراهم شود.
- ح. کسب اطمینان از اینکه اگر پس از بیجاشدگی ناشی از حوادث طبیعی یا حوادث ساخته دست بشر یا درگیری ها، عودت افراد بیجاشده شده به مناطق شان امکان پذیر نباشد، در مشوره با آنها و با در نظر داشت رضایت شان، اقداماتی جهت انتقال آنان به یک محل مصنون و امن اتخاذ گردد. اینگونه تلاش ها برای انتقال این افراد توسط وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان هماهنگ ساخته خواهد شد.
- ط. از طریق وزارت امور داخله و در صورت ضرورت وزارت دفاع ملی حصول اطمینان از مسئولیت پذیری پولیس در تأمین نظم و قانون در اجتماعاتیکه بیجاشدگان داخلی بسر میبرند و حمایت از تسهیلات و دارائی های شرکای بخش مساعدت های بشری و انکشافی.
- ی. وزارت های امور داخله و دفاع حصول اطمینان خواهند کرد که افراد بیجاشده از آزادی گشت و گذار برخوردار بوده و به تمام محلاتیکه فعالیت های مختلف اقتصادی و اجتماعی صورت میگیرد، همانند افراد بیجا نشده دسترسی داشته باشند؛ مگر اینکه تهدید های خاص در تأمین مصنونیت و امنیت افراد بیجاشده وجود داشته باشد که نیاز به محدودیت آزادی گشت و گذار آنها را توجیه نماید.
- ک. با اداره ملی آمادگی مبارزه با حوادث، ریاست ماین پاک و مرکز هماهنگی فعالیت های ماین پاک افغانستان هماهنگی نموده و حصول اطمینان مینماید که مناطق عاری از خطر ماین ها و مواد منفجره باقیمانده از جنگ ها باشند تا مردم بتوانند بصورت مصنون در آنها زندگی نموده و یا به آنها عودت نموده و زمینه زندگی، امرار معیشت و انکشاف اجتماعی - اقتصادی شان مساعد ساخته شود.

## 6.2 مشکلات در دسترسی بشردوستانه

این پالیسی در مطابقت با قوانین بشردوستانه بین المللی تأیید مینماید که دسترسی بشردوستانه به توانائی دسترسی فعالین بشری به افراد نیازمند و توانائی افراد متأثر شده به دسترسی به مساعدت ها و خدمات، راجع میشود. جهت کسب اطمینان از اینکه تأثیرات بیجاشدگی منجر به نقض حقوق بشری افراد بیجاشده در دسترسی به مساعدت های بشری و حمایتی یا محدودیت حق آزادی گشت و گذار و دسترسی به خدمات اساسی نگردد، دولت جمهوری اسلامی افغانستان حصول اطمینان خواهد کرد که:

- أ. نیرو های امنیتی ملی افغانستان (اردوی ملی و پولیس ملی افغانستان) و سایر نهاد های خاص امنیتی مسئولیت های اساسی شانرا ایفاء نموده و جهت تأمین امنیت بیجاشدگان داخلی و کارمندان موسسات مساعدت های بشری و انکشافی دارای ظرفیت لازم خواهند بود.
- ب. ادارات مربوطه زمینه عبور و مرور کارمندان موسسات مساعدت های بشری را مساعد نموده و زمینه دسترسی بلاموانع و سریع افراد سهیم در فراهم آوری مساعدت ها را به بیجاشدگان داخلی مساعد مینماید.
- ج. در مواردیکه در دسترسی بشردوستانه به بیجاشدگان داخلی موانع وجود داشته باشد، دولت جمهوری اسلامی افغانستان از همه شیوه های مناسب، منجمله فراهم آوری خدمات امنیتی در مطابقت با رهنمود ها و پالیسی های بشردوستانه استفاده نموده و زمینه مفاهمه و مذاکره را مساعد مینماید تا موسسات مساعدت های بشری و انکشافی بتوانند بخاطر فراهم آوری مساعدت های شان، به بیجاشدگان داخلی دسترسی داشته باشند.
- د. در مواردیکه دولت جمهوری اسلامی افغانستان در درگیری ها دخیل باشد، از دسترسی فعالین مساعدت های بشری به مردم نیازمند، بدون در نظر داشت طرف درگیر، در مطابقت با اصل بیطرفی، جلوگیری بعمل نیاید.

## 6.3 اسناد و مدارک

### 6.3.1 معلومات عمومی

این پالیسی تأیید مینماید که:

- أ. اسناد شخصی افرادی که از منازل و محلات بودوباش دائمی شان فرار مینمایند معمولاً مفقود شده و یا از بین می‌رود و بیجاشدگان داخلی اکثراً نمیتوانند در جریان بیجاشدگی اینگونه اسناد را بدست بیاورند. این اسناد شامل کارت هویت (تذکره)، تصدیق تولد، پاسپورت و نکاح خط میباشند. سایر اسنادیکه مفقود میشود عبارت از قبالة زمین و خانه، قرارداد ها، کارت های انتخابات، نمرات یا شهادتنامه دوره مکتب، کارت تقاعد یا کارت معلولیت میباشند.
- ب. تذکره برای افغانها یک سند بسیار مهم میباشد زیرا برای شناسائی آنها در پوسته های بررسی پولیس، تصاحب ملکیت، شمولیت اطفال به مکاتب، استخدام در وظایف دولتی و بعضاً کار در سکتور خصوصی، بدست آوردن پاسپورت، ثبت ازدواج، دسترسی به محاکم، و گاهگاهی برای دریافت مساعدت های بشردوستانه به آن ضرورت میباشد و نداشتن تذکره میتواند منجر به اعمال تبعیض، در انزوا قرار گرفتن و حتی انکار از تابعیت و بی تابعیتی آنها شود.
- ج. ریاست ثبت احوال نفوس وزارت امور داخله که مسئولیت صدور تذکره را بدوش دارد، در همکاری با وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی، در مطابقت با قانون ثبت نام، در حال معرفی تذکره جدید الکترونیکی (کارت هویت ملی الکترونیکی) میباشد. این تذکره حاوی معلومات بیومتریک بوده و بعوض تذکره شش صفحه ای که در حال حاضر مورد استفاده قرار دارد توزیع میشود.
- د. عدم صدور اسناد مفقود شده یا تخریب شده برای بیجاشدگان داخلی به هیچ صورت آنانرا از بهره مند شدن از حقوق بشری شان محروم ساخته نمیتواند.

### 6.3.2 در رابطه به تذکره

در مطابقت با این پالیسی:

- أ. وزارت امور داخله افراد بیجاشده ای را که تذکره ندارند در دریافت تذکره الکترونیکی در اولویت قرار داده و تمام ادارات مرکزی و ولایتی ثبت احوال نفوس را موظف خواهد ساخت تا در صدور تذکره، بیجاشدگان داخلی را در اولویت قرار دهند.
- ب. وزارت امور داخله حصول اطمینان خواهد کرد که معلومات در مورد نحوه دریافت تذکره الکترونیکی همراه با توضیحات در مورد اهمیت آن بشکل گسترده در بین اجتماعات بیجاشدگان داخلی به تمام لسان هائیکه بیجاشدگان داخلی با آن صحبت مینمایند پخش شود.
- ج. وزارت امور داخله حصول اطمینان خواهد نمود که اینگونه معلومات به زنان بیجاشده نیز رسانیده شود زیرا صرف یک فیصدی محدود زنان بیجاشده افغان تذکره دارند.
- د. وزارت امور زنان فعالیت های ارتقاء سطح آگاهی را در مورد اهمیت تذکره برای زنان و اطفال و طرز العمل دریافت این سند، انجام خواهد داد.
- ه. در مواردیکه به دلایل فرهنگی بعضی از زنان نخواهند عکس های شان در تذکره باشد، به آنها گزینه استفاده از نوع دیگر شناسائی هویت، مانند نشان انگشت داده خواهد شد؛ ویا اگر آنها با صدور تذکره عکس دار توافق نمایند، حق آنها در رابطه به نشان دادن عکس شان صرف به زنان دیگر، مورد احترام قرار خواهد گرفت.
- و. وزارت امور داخله در قسمت کمک به اطفال جدا شده از خانواده ها، اطفال تنها یا یتیم و افراد مربوط به گروه های مشخصاً کوچی ها، جوگی ها و چوری فروشان که تذکره نداشته و در گرفتن آن با مشکلات مواجه میشوند، در دریافت تذکره با وزارت امور زنان، وزارت کار، امور اجتماعی، شهداء و معلولین و وزارت امور اقوام و قبایل همکاری خواهد نمود.

ز. وزارت امور داخله بخش حفظ ریکارد های ریاست ثبت احوال نفوس را بشکل مدرن تجدید نموده و ارقام ولایاتی را که فعلاً صرف در مراکز ولایات نگهداری میشود با ارقام کابل مدغم خواهد ساخت تا ضرورت نباشد که بیجاشدگان داخلی بخاطر تصدیق هویت شان به ولایات مربوطه شان سفر کنند زیرا اینکار نیاز به هزینه زیاد داشته و نیز مشکل و خطرناک بوده میتواند. همچنان این اداره حصول اطمینان خواهد کرد که سیستم جدید زمینه صدور تذکره را در تمام مراکز ولایاتی مساعد بسازد.

ح. همچنان وزارت امور داخله اشکال بدیل تصدیق هویت (مانند شهادت یکنفر بزرگسال، یک رهبر مذهبی، یک داکتر طب) را در رابطه به هویت درخواست دهنده خواهد پذیرفت.

ط. اگر برای اخذ تذکره فیس اخذ میشود این فیس باید بسیار اندک بوده و بیجاشدگان آسیب پذیر از آن معاف ساخته شوند.

### 6.3.3 در رابطه به سایر اسناد مفقود شده

در مورد از دست دادن سایر اسناد، منجمله اسنادیکه در فقره (a) 6.3.1 این بخش ذکر گردید، وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان همراه با وزارت عدلیه فعالیت های ذیل را انجام خواهد داد:

أ. بررسی قوانین و مقررات بخاطر یافتن موانع موجود در راستای تعویض آنها؛

ب. پیشنهاد نمودن اقدامات ضروری، منجمله تعدیل قوانین و مقررات، جهت حصول اطمینان از صدور اسناد ضروری به بیجاشدگان داخلی جهت بهره مند شدن آنان از حقوق شان؛

ج. پیشنهاد در مورد اینکه ادارات ملی، ولایاتی و ولسوالی باید توسط وزارت ذیصلاح رهنمائی شوند تا زمینه صدور اسناد جدید یا مثنی اسناد مفقود شده یا تخریب شده در جریان بیجاشدگی را بدون وضع نمودن شرایط نامناسب برای بیجاشدگان داخلی، مانند بازگشت به محل بودوباش دائمی بخاطر دریافت این اسناد و بدون مصارف اضافی مساعد بسازند.

## 7. فراهم آوری مساعدت به افراد بیجا شده و حمایت از آنها

### 7.1 حقوق بشری و امتیازات افراد بیجا شده

این پالیسی مجدداً تاکید مینماید که گرچه افراد بیجا شده از مناطق اصلی خود بیجا شده اند اما از حقوق و امتیازاتیکه سایر افغانها مستفید میشوند نباید محروم باشند. هرچند آنها شاید بخاطر اینکه از مناطق اصلی خود بیجا هستند، در بهره مند شدن و مستفید شدن از تمام حقوق و امتیازات شان مشکلات داشته باشند.

#### 7.1.1 حفظ حیات، عزت، آزادی و امنیت

این پالیسی اذعان مینماید که بعضاً بیجاشدگان داخلی، به تهدیدات مرگ، هتک آبرو و عزت، آزادی و تهدیدات امنیتی روبرو هستند و این همه حقوق اساسی بشر است که در مواد 23 و 24 قانون اساسی افغانستان و همچنان در کنوانسیون ها و اعلامیه های بین المللی حقوق بشر، اصول رهنمودی در مورد بیجاشدگان داخلی و اسناد دیگر بین المللی که افغانستان به آنها ملحق گردیده تصریح و تضمین شده است.

مطابق این پالیسی:

أ. وزارت امور داخله که پولیس ملی تحت اثر آن میباشد، دارای مسئولیت ویژه برای تضمین امنیت و مصئونیت بیجاشدگان است، بدون در نظر داشت اینکه بیجاشدگان در محلات بودوباش غیر رسمی، در کمپ ها یا در خانه های اقارب شان بسر میبرند.

ب. افراد پولیس خود نیز به حقوق بیجاشدگان داخلی احترام قائل خواهند بود، و موارد سوء استفاده توسط مقامات، بشکل فوری بررسی و مورد مجازات قرار خواهد گرفت.

- ج. وزارت امور داخله با همکاری کمیسیون مستقل حقوق بشر، برای پولیس ملی در مورد حمایت ویژه از بیجاشدگان، از طریق تعدیل نصاب تعلیمی پولیس ملی آموزش خواهد داد.
- د. وزارت امور داخله در هماهنگی با وزارت امور مهاجرین موارد ذیل را تضمین مینماید:
- i. موجودیت راه های سهل و شفاف برای بیجاشدگان جهت تقاضای حمایت از مقامات محلی؛
  - ii. شناسائی واضح مسئولین ادارات محلی؛
  - iii. جهت حصول اطمینان از اینکه آسیب پذیری زنان سرپرست خانواده ها، زنان جوان و دختران، بزرگسالان، اشخاص دارای معلولیت و اشخاص دارای امراض مزمن، مورد سوء استفاده صورت نگیرد؛
  - iv. تطبیق تدابیر ویژه در صورت لزوم (مانند، فعال نگهداشتن تلیفون 24 ساعته پولیس برای کمک، گز مه خاص پولیس)؛ و
  - v. موجودیت واحد های قضایای فامیلی (که دارای صلاحیت راجستر و جستجو در مورد قضایای مربوط به خشونت های خانوادگی باشند، بشمول تجاوز جنسی، ازدواجهای اجباری و قبل از وقت) در حوزه های امنیتی پولیس در ساحاتیکه بیجاشدگان داخلی متمرکز اند، و اتخاذ اقدامات جهت ارتقای سطح آگاهی مردم، منجمله در میان بیجاشدگان داخلی، در مورد موجودیت این واحد ها.
- ه. وزارت امور زنان در هماهنگی با وزارت صحت عامه و وزارت عدلیه از دسترسی زنان و اطفالیکه مورد اذیت و آزار فیزیکی یا جنسی قرار گرفته اند، به خانه های امن، مراقبت های صحی و روانی، و به مساعدتهای حقوقی رایگان حصول اطمینان مینماید.
- و. وزارت دفاع و پولیس سرحدی که در ساحات جنگ و مناطقیکه جنگها یا شلیکهای فرامرزی صورت میگیرد مسئولیتهای مشخص دارند، از افراد ملکی حمایت نموده و تمام تدابیر لازمه را برای از آسیب دور نگهداشتن افراد ملکی روی دست میگیرند.
- ز. وزارت عدلیه که مسئول مستقیم حمایت و احترام به آزادی بیجاشدگان داخلی میباشد، حصول اطمینان خواهد کرد که بیجاشدگان داخلی بشکل خودسرانه/غیرقانونی توقیف نشده و بیجاشدگان داخلی متهم به ارتکاب جرایم و در خطر توقیف یا زندان، به مساعدت های حقوقی دسترسی داشته باشند.
- ح. ادارات DMC و MACCA همکاران تطبیق کننده فعالیت های ماین پاکی را تشویق خواهند کرد تا از پلان کاری پیمان APMBT پیروی نمایند. این پلان کاری از 308 پروژه که نظر به تأثیرات آن بر جامعه درجه بندی شده اند نمایندگی نموده و باید بخاطر اینکه افغانستان تا سال 2023 منحیث کشور عاری از ماین ها اعلان شود، تکمیل شود.

## 7.1.2 حق آزادی سفر/نقل مکان و سکونت

ماده 39 قانون اساسی تصریح مینماید "هر افغان حق دارد به هر نقطه کشور سفر نماید مسکن اختیار کند، مگر در مناطقی که قانون ممنوع قرار داده است. هر افغان حق دارد مطابق به احکام قانون به خارج از افغانستان سفر نماید و به آن عودت نماید." بیجاشدگان داخلی مانند سایر افغانها دارای حق آزادی سفر و سکونت در افغانستان هستند که شامل حق برگشت و جابجا شدن در مناطق اصلی شان، استقرار محلی یا اسکان مجدد در مناطق دیگر کشور میشود.

مطابق این پالیسی، وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان موارد ذیل را یقینی خواهد ساخت:

- أ. هیچ شخص بشکل خودسرانه و غیرقانونی مجبور به بازگشت یا باقی ماندن در یک ساحه، منطقه یا حوزه مشخص نخواهد شد.
- ب. ادارات ملی و محلی، بیجاشدگان را مجبور به تغییر محل سکونت نخواهند کرد مگر در شرایط استثنایی که قانون صراحت داشته باشد و برای رسیدن به هدف مشروع کاملاً ضروری باشد.



- ج. والی ها، شاروالها و سایر مقامات محلی، بیجاشدگان را از سکونت در مناطق شان ممانعت نمیکند و کدام مانع نیز در این عرصه ایجاد نمی نمایند.
- د. آزادی گشت و گذار و انتخاب محل سکونت یک شخص مشروط به هیچ نوع قیودات نمیباشد مگر در مطابقت با قانون که بدلیل امنیت ملی، نظم عامه، صحت یا مسئولیت یا بدلیل نقض حقوق و آزادی های دیگران به آن حکم میکند.

### 7.1.3 حق داشتن سرپناه مناسب و دسترسی به زمین

#### 7.1.3.1 حق داشتن سرپناه مناسب و دسترسی به زمین

این پالیسی اذعان میدارد که :

- ا. یکی از نیازمندیهای مبرم بیجاشدگان داخلی مسکن مناسب بوده و بزرگترین مانع در مقابل بیجاشدگان داخلی برای دریافت مسکن مناسب عدم دسترسی به زمین است.
- ب. بیجاشدگان داخلی حق دارند که در مناطق روستایی یا در شهرها برای خود مسکن مناسب جستجو نمایند؛
- ج. تعداد زیادی از بیجاشدگان داخلی که بدیل های دیگر ندارند در زمین های دولتی یا شخصی که مالک آن نیستند، بعضاً به اساس قرارداد و بعضاً بدون کدام قرارداد، مسکن گزین گردیده اند، که از مسئولیت تصدی برخوردار نبوده و معمولاً در معرض خطر اخراج اجباری و سایر انواع آزار و اذیت قرار دارند.
- د. بسیاری از بیجاشدگان داخلی که در سرپناه های خیلی ابتدایی بسر میبرند از بهتر ساختن کیفیت سرپناه هایشان منع شده اند (مثلاً ایجاد منبع آب، تسهیلات حفظ الصحه، ترمیم بام ها، عایق سازی و تمديد لین برق) و موسسات کمک رسانی از رساندن کمک ها به آنها برای این کار نیز ابا میوزند بدلیل اینکه این نوع کمکها مستلزم سکونت دائمی میباشد.
- بر مبنای این پالیسی، وزارت امور مهاجرین در همکاری با سایر ادارات و مراجع که در بخش 4.1 تصریح شده است فعالیت های ذیل را انجام میدهد:

- ه. شناسایی زمین و تنظیم امور بشکل واضح با مالکین زمین های مربوطه و اجتماعات میزبان و فراهم نمودن سرپناه های اضطراری و موقتی در صورت ضرورت با همکاری نهادهای کمک رسان برای کسانی که خانه ندارند.
- و. اتخاذ تدابیر برای حصول اطمینان از اینکه بیجاشدگان در محلات بودوباش غیر رسمی اجازه معیاری ساختن خانه های خود را حداقل مطابق معیارهای دوره ای برای سرپناه اضطراری داشته باشند و اتخاذ تدابیر برای کمک در این کار با اشخاص دارای آسیب پذیری جدی بویژه زنانیکه سرپرستی خانواده هایشانرا بدوش دارند، بزرگسالان، معلولین و مریضان مزمن در حالیکه در صدد تحقق یافتن حق دسترسی به مسکن مناسب میباشند.
- ز. دادخواهی برای تداوم سیستم توزیع زمین مطابق به فرمان 104 ریاست جمهوری با از میان برداشتن کمبودی هائیکه در بخش 8.3.2 (د) ذکر شده است.
- ح. جستجوی ابتکارات به سطح اجتماعات برای کرایه، اجاره و یا فروش زمین در ساحاتی که بیجاشدگان بسر میبرند.
- ط. جستجوی گزینه هائیکه زمینه را برای اعطای سند تامین تصدی توسط سیستم های دائمی مساعد بسازد با استفاده از برنامه های حق استفاده از ملکیت دیگران.
- ی. جستجوی گزینه ها برای فراهم نمودن سیستم اسکان اجتماعی برای بیجاشدگان داخلی مطابق توانمندی اقتصادی آنها.
- ک. جستجوی گزینه ها برای فراهم نمودن سیستم رهنی طویل المدت با سود کم برای بیجاشدگان داخلی که در موقف خرید خانه یا زمین هستند.
- ل. در مشوره با اجتماعات متأثر شده، تشویق مقامات شهرداری برای رسمی ساختن محلات بودوباش غیر رسمی و بهتر ساختن ساحات شبیه کمپها از طریق شیوه های مبتنی بر ساحه جهت تحقق حق دسترسی به مسکن مناسب.

م. مطابق به مندرجات بخش 4.5 حصول اطمینان از اینکه بیجاشدگان داخلی در معرض اخراج اجباری قرار نداشته باشند و اینکه در صورتیکه اخراج قانونی باشد باید اصول رهنمودی ملل متحد که ضمیمه شماره 4 این پالیسی میباشد رعایت گردد.

### 7.1.3.2 معیار ها برای توزیع زمین به بیجاشدگان داخلی

تمام زمین هائیکه توسط ادارات ملی یا ولایتی به بیجاشدگان داخلی توزیع میگردد باید با معیار های ذیل مطابقت داشته باشد:

- ا. زمین باید از بقایای مواد منفجره (ماین ها و UXOs) پاک باشد
- ب. زمین باید با مواد کیمیای یا منرالی آلوده نباشد
- ج. زمین باید در خطر حوادث طبیعی مانند لغزش زمین، سیلاب یا برف کوچ نباشد
- د. ساحه باید دارای مقدار کافی آب آشامیدنی برای رفع نیازمندی های محل به آب آشامیدنی و مقدار کافی آب برای مقاصد حفظ الصحه باشد
- ه. ساحه باید قابل دسترس بوده و در فاصله نزدیک از جاده عمومی و تسهیلات ترانسپورتی باشد
- و. زمین توزیع شده باید به بازار کار نزدیک باشد تا فرصت های اشتغال و امرار معیشت در فاصله نزدیک وجود داشته باشند
- ز. زمین توزیع شده باید در نزدیکی مکتب و کلینیک صحی باشد
- ح. خدمات پولیس و سایر ادارات انفاذ قانون باید در ساحه وجود داشته باشد

### 7.1.4 حق امرار معیشت

این پالیسی اذعان میدارد که:

- ا. بیجاشدگی اکثراً به معنای از دست دادن اسباب امرار معیشت یک فرد میباشد که منجر به کاهش سریع در شرایط اقتصادی، اجتماعی و زندگی وی میشود.
- ب. مهارتهای افراد بیجاشده در محیط جدیدیکه در آن بسر میبرند مطابقت نمی داشته باشد (مثلاً مهارتهای زراعتی یا رمه چرانی در یک محیط شهری) و بیجاشدگان بعضاً ضرورت دارند تا به کارهای نهایت کم مزد و غیر ثابت تن دهند که این کار باعث افزایش آسیب پذیری و فقر خانواده هایشان میشود.
- ج. زن هائیکه در مناطق اصلی شان قادر به سهم گرفتن در امرار معیشت بودند، در مناطق جدیدی که جابجا شده اند قادر به کار کردن نیستند و صرف به چند عضو نان آور خانواده خود اتکا نموده اند که اینکار بعضاً منجر به کار شاقه بالای اطفال، ازدواج اجباری یا قبل از وقت و سایر سلوک خطرناک میشود.

در مطابقت با این پالیسی و برنامه های درخور اولویت ملی:

- د. وزارت کار، امور اجتماعی، شهداء و معلولین تدابیری را روی دست خواهند گرفت تا یقینی سازند که تمام بیجاشدگان داخلی منجمله زنان بدون تبعیض بر مبنای اسباب بیجاشدگی یا بر مبنای نژاد (وابستگی قبیله‌ای)، منطقه اصلی، مذهب یا سایر موقف ها، دسترسی به اشتغال داشته باشند.
- ه. بیجاشدگان داخلی که مامورین دولت بوده اند، در صورت امکان به منطقه جدید رهائشی شان تبدیل خواهند شد یا کوشش های لازم برای یافتن وظایف بدیل دولتی برایشان، صورت خواهد گرفت. تحت

هر نوع شرایط، حقوق تفاعد و سایر امتیازات بیجاشدگان داخلی به مناطق جدید شان بدون کدام تأخیر انتقال خواهد شد.

و. وزارت کار، امور اجتماعی، شهداء و معلولین برنامه های امرار معیشت را در مراکز شهرها، روی دست خواهد گرفت تا بیجاشدگان و مردم محل از آن مستفید شوند. همچنان این وزارت سکتور خصوصی را برای ایجاد فرصت های شغلی و سازمان های کارگری تشویق خواهد نمود.

ز. وزارت کار، امور اجتماعی، شهداء و معلولین در جستجوی فرصت های اشتغال، منجمله با ایجاد مراکز خدمات کاریابی، با بیجاشدگان داخلی کمک نموده و سهمگیری بیجاشدگان داخلی را در برنامه های آموزش حرفوی در اولویت قرار خواهد داد تا قادر به سهمگیری از طریق رقابت در بازار کار شوند. قبل از آغاز این برنامه های آموزش حرفوی و برنامه های انکشاف امرار معیشت، یک ارزیابی مناسب و تحلیل بازار کار صورت خواهد گرفت تا یقین حاصل شود که فارغین این برنامه های آموزشی صاحب شغل میشوند.

ح. وزارت کار، امور اجتماعی، شهداء و معلولین با بیجاشدگان داخلی دارای معلولیت، زنانیکه که سرپرستی خانواده ها را بدوش دارند، بزرگسالان بدون دستیار، و سایر بیجاشدگان آسیب پذیر کمک خواهد نمود تا از طریق آنعده برنامه هایشان که بالای آسیب پذیر ترین افغانها تمرکز دارد، کار دریافت نمایند.

ط. وزارت معارف در همکاری با وزارت کار، امور اجتماعی، شهداء و معلولین بیجاشدگان جوان را در برنامه های آموزش حرفوی شامل خواهند نمود، طوریکه در بخش 7.1.8 (د) ذکر گردیده است.

ی. وزارت احیاء و انکشاف دهات و وزارت زراعت، آبیاری و مالداری بیجاشدگان داخلی را که در شهرها زندگی میکنند در برنامه های امرار معیشت و انکشاف مهارتها شامل نموده و استراتژی ها و برنامه های ویژه را برای کوچی هائیکه در اثر از بین رفتن مواشی شان یا مختل شان راه های رفت و آمد بیجاشده اند، طرح خواهند نمود.

### 7.1.5 حق دسترسی به آب، غذا و لباس

این پالیسی می پذیرد که نبود غذا، آب و البسه مناسب میتواند زندگی بیجاشدگان داخلی را به اندازه حملات مستقیم فیزیکی مورد تهدید قرار دهد و بیجاشدگان و همچنان اجتماعات میزبان ایشان حق دارند تا همچو مساعدتها را تقاضا و دریافت نمایند.

وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان حصول اطمینان خواهد کرد که:

أ. تمام کمکهای فراهم شده به بیجاشدگان داخلی و اجتماعات میزبان بر مبنای اصول بشردوستانه بدون کدام تبعیض و با رعایت و تحقق حقوق اساسی شان فراهم شود.

ب. بیجاشدگان داخلی نباید از کمکهای بشری حیاتی بدلیل اینکه باعث جذب دیگران میشود محروم شوند.

ج. کمکهای زمستانی برای بیجاشدگان داخلی بخاطر نجات از هوای شدیداً سرد فراهم میشود.

د. آب کافی، دوامدار و پاک برای مصارف شخصی و خانوادگی موجود باشد.

ه. تدابیر ویژه بخاطر حصول اطمینان از دسترسی تمام بیجاشدگان داخلی منجمله اشخاص دارای معلولیت، اطفال و بزرگسالان به تسهیلات حفظ الصحه مصئون اتخاذ شده و درین تسهیلات محرمیت زنان و دختران مدنظر گرفته شود.

و. به امکانات اینککه در بعضی شرایط (مثلاً در جاهاییکه مارکیت محلی فعال است)، برنامه های کمک نقدی به بیجاشدگان داخلی، که آنها را قادر به خرید نیازمندیهایشان میسازد، توجه مبذول

گردد که این استراتژی می‌تواند یک استراتژی موثر در شهرها و روستاها، مناطق دور دست یا غیر قابل دسترس باشد.

ز. با آسیب پذیرترین افراد و خانواده‌ها کمک صورت گرفته، بیجاشدگان داخلی شامل کمک‌های اضطراری برای فقرا شده و مقامات محلی با نهاد‌های ملی و بین‌المللی کمک‌رسان که قادر به عرضه کمک‌ها بوده و می‌خواهند اینکار را بکنند در صورتیکه خودشان قادر به فراهم نمودن کمک نباشند همکاری نمایند.

## 7.1.6 حق دسترسی به مراقبت‌های صحی

مطابق ماده پنجاه و دوم قانون اساسی افغانستان: "دولت وسایل وقایه و علاج امراض و تسهیلات صحی رایگان را برای همه اتباع مطابق به احکام قانون تامین مینماید." ماده ماده پنجاه و سوم تصریح مینماید که: " دولت حقوق متقاعدین را تضمین نموده، برای کهن سالان، زنان بی سرپرست، معیوبین و معلولین و ایتم بی بضاعت مطابق به احکام قانون کمک لازم به عمل می‌آورد." این پالیسی اذعان مینماید که بیجاشدگان داخلی مانند سایر شهروندان دارای حق دسترسی کامل به خدمات اساسی صحی هستند و تاکید مینماید که بیجاشدگان داخلی به هیچ وجه از دسترسی به تسهیلات یا خدمات صحی بخاطر نداشتن تذکره محروم نخواهند شد.

مطابق با این پالیسی وزارت صحت عامه:

- ا. در حالیکه ماهیت عاجل بودن نگرانی‌های صحی بعضی از بیجاشدگان داخلی را، مخصوصاً در جریان بیجاشدگی و بعد از آن درک مینماید، حق دسترسی به مراقبت‌های صحی را رعایت، و از آن حمایت نموده و با به خرج دادن آخرین تلاش‌های خود آنرا تضمین مینماید؛
- ب. بر حصول اطمینان از فراهم آوری خدمات کامل صحی و تغذیه برای تمام بیجاشدگان داخلی مخصوصاً برای بی بضاعت‌ترین آنها تاکید ویژه مینماید؛
- ج. برنامه‌های واکسیناسیون برای اطفال، مراقبت‌های قبل و بعد از زایمان برای زنان و تداوی مریضان مزمن و سوء تغذی، افراد دارای معلولیت، کهنسالان و کسانی که در نتیجه بیجاشدگی قربانی خشونت‌ها شده یا مصاب به امراض روانی هستند، شامل برنامه‌های خود میسازد؛
- د. با همکاری وزارت کار، امور اجتماعی، شهداء و معلولین، برای کسانی که در اثر بیجاشدگی به امراض روحی مبتلا شده‌اند و برای قربانیان خشونت‌های جنسی و سایر خشونت‌ها خدمات حمایتی روانی و اجتماعی را عرضه مینماید؛
- ه. در مطابقت با کنوانسیون حقوق اشخاص دارای معلولیت، خدمات احیاء مجدد فیزیکی و وسایل لازمه و تجهیزات انتقالی مانند ویلچر و چوب‌های زیربغل را برای اطفال و بزرگان دارای معلولیت فراهم مینماید؛
- و. تسهیلات و خدمات صحی، منجمله احیاء مجدد فیزیکی را در مراکز شهرهائیکه نفوس آنها در حال افزایش میباشد و تعداد زیاد بیجاشدگان داخلی در آنها زندگی میکنند، توسعه میدهد تا این خدمات برای رفع نیازمندیهای آنان کافی بوده و برای کسانی که در محلات بودوباش غیر رسمی زندگی میکنند قابل دسترس باشد. کیفیت مراقبت‌های صحی را با توجه خاص به خدمات صحت‌باروری برای زنان و انکشاف و نموی نوجوانان و صحت اطفال خورد سال بهبود می‌بخشد.
- ز. کلینیک‌های سیار را در مناطق دور دست که بیجاشدگان نمیتوانند به آسانی به مراکز صحی دسترسی داشته باشند و به شکل منظم به آن مراجعه نمایند، فراهم خواهد نمود.
- ح. در محلاتیکه راه‌های رساندن کمک‌های بشری به افراد نیازمند در نتیجه نا امنی مسدود است، با همکاری سایر فعالین مجراهای کمک‌رسانی را برای فراهم نمودن خدمات اساسی صحی، منجمله برنامه‌های واکسیناسیون برای بیجاشدگان داخلی ایجاد مینماید.
- ط. توازن میان نیازمندی‌های صحی بیجاشدگان داخلی و اجتماعات میزبان را مدنظر می‌گیرد تا از بروز تنش‌ها جلوگیری شود.

به اساس این پالیسی وزارت دفاع ملی و وزارت امور داخله تعهد مینمایند که نیروهای ملی امنیتی افغان به بیطرفی خدمات صحی، بشمول پرسونل صحی، ترانسپورت صحی، و مراکز صحی، احترام گذاشته و از آن حمایت نموده و بر باز گذاشتن مجراهای کمک رسانی به هدف ارائه خدمات صحی برای بیجاشدگان داخلی تأکید مینمایند.

### 7.1.7 حمایت از خانواده ها

ماده پنجا و چهارم قانون اساسی تصریح مینماید: "خانواده رکن اساسی جامعه را تشکیل داده و مورد حمایت دولت قرار دارد. دولت به منظور تأمین سلامت جسمی و روحی خانواده، بالاخص طفل و مادر تدابیر لازم را اتخاذ می کند."

با در نظر داشت این احکام، پالیسی هذا اذعان مینماید که:

أ. وزارت کار، امور اجتماعی، شهداء و معلولین در همکاری با سایر ادارات ذیصلاح، باید از تمامیت خانواده ها و اجتماعات بیجاشده حمایت نمایند؛

ب. نیاز است تا تلاشهای ویژه بخرچ داده شود، (طوریکه در بخش 6.1.2 (ج) ذکر گردیده است) تا اطفال جدا شده از والدین و بی سرپرست ردیابی و با خانواده هایشان پیوندند.

ج. در صورتیکه یکجا ساختن اطفال با خانواده هایشان ناممکن باشد، از همچو اطفال در جاییکه ممکن است و با در نظر داشت بهترین منافع آنها، مواظبت صورت گیرد؛

د. بیجاشدگان حق دریافت معلومات در مورد اقارب مفقود شده شانرا را داشته و وزارت امور داخله، در مطابقت با بخش 6.1.2 (د) حصول اطمینان مینماید که طرز العمل ها برای شناسائی بقایای اجساد آنهائیکه جان های شانرا در حوادث طبیعی یا ساخته دست بشر یا درگیری ها از دست داده اند روی دست گرفته شوند.

### 7.1.8 حق تعلیم و تربیه

این پالیسی تأیید مینماید که:

أ. ماده چهل و سوم قانون اساسی تصریح میدارد که "تعلیم حق تمام اتباع افغانستان است که تا درجه لیسانس در مؤسسات تعلیمی دولتی به صورت رایگان از طرف دولت تأمین می گردد." همین ماده همچنان صراحت دارد که "دولت مکلف است به منظور تعمیم متوازن معارف در تمام افغانستان، تأمین تعلیمات متوسطه اجباری، پروگرام های مؤثر را طرح و تطبیق نماید و زمینه تدریس زبان های مادری را در مناطقی که به آنها تکلم می کنند فراهم کند". ماده چهل و چهار تصریح مینماید که "دولت مکلف است به منظور ایجاد توازن و انکشاف تعلیم برای زنان، بهبود تعلیم کوچیان و امحای بیسوادی در کشور، پروگرامهای مؤثر را طرح و تطبیق نماید.

ب. علاوه بر آن دولت افغانستان از برنامه تعلیم و تربیه برای همه Education For All (EFA) حمایت میکند تا تمام شهروندان در هر جامعه از تعلیم و تربیه مستفید شوند. دولت در سال 2000 میلادی متعهد به بدست آوردن شش هدف تعلیمی شد: اول: توسعه و بهبود مواظبت و تعلیمات اطفال بویژه برای آسیب پذیر ترین و محروم ترین اطفال جامعه؛ دوم: حصول اطمینان ازینکه تمام اطفال بویژه دخترانیکه در شرایط دشوار بسر میبرند و دخترانیکه مربوط به اقلیت های نژادی میشوند، به تعلیمات ابتدایی با کیفیت خوب دسترسی داشته و آنرا تکمیل نمایند. یقینی ساختن اینکه نیازمندیهای جوانان و بزرگان از طریق دسترسی متعادل به برنامه های آموزشی و مهارتهای زندگی برآورده شود. چهارم: بدست آوردن 50 فیصد پیشرفت در عرصه سواد آموزی بزرگسالان، مخصوصاً زنان، و دسترسی متعادل به تعلیمات اساسی و متداوم برای تمام بزرگسالان. پنجم: محو تبعیض جنسیتی در تعلیمات ابتدایی و ثانوی و تساوی جندر در نظام تعلیمی با تمرکز به دسترسی کامل و

مساوی دختران به تعلیمات اساسی با کیفیت خوب و ششم: بهبود تمام ابعاد کیفیت آموزش و حصول اطمینان از کیفیت عالی تمام برنامه ها جهت بدست آوردن نتایج خوب و قابل اندازه گیری آموزش، بویژه در بخش خواندن، نوشتن، حساب و مهارتهای مهم زندگی.

به اساس این پالیسی، وزارت معارف در ارتباط به بیجاشدگان داخلی:

ج. مسئولیت حصول اطمینان از مجانی بودن و اجباری بودن تعلیمات ابتدایی و ثانوی برای تمام اطفال بیجاشده اعم از دختران و پسران را بدوش میگیرد.

د. جهت حصول اطمینان از موارد ذیل در سطوح تعلیمات ابتدایی و ثانوی اقدامات جدی را روی دست میگیرد:

- i. هیچ طفل بیجاشده از رفتن به مکتب بدلیل نبود اسناد تعلیمی یا تذکره محروم نخواهد شد (از اطفال بخاطر تعیین سویه شان امتحان اخذ شود).
- ii. هیچ طفل بیجاشده از رفتن به مکتب بخاطر ناتوانی در خرید یونیفورم مکتب، کتاب و سایر وسایل مکتب محروم نخواهد شد.
- iii. مکاتب تمام اقدامات را اتخاذ خواهند نمود تا نیازمندی های اطفال دارای معلولیت را رفع نمایند.
- iv. در مراکز شهرها، اطفال بیجاشدگان حق دارند به همان مکاتبی که سایر اطفال محل میروند شامل شوند.
- v. برنامه های تعلیمی محلی و فعالیتهای آگاهی دهی را برای تشویق والدین در شمولیت اطفال شان، اعم از دختران و پسران، به مکاتب و جلوگیری از عنعنات ناپسندیده مانند ازدواجهای قبل از وقت که مانع آموزش آنها پنداشته میشود روی دست خواهد گرفت؛
- vi. از موجودیت مکاتب با تسهیلات حفظ الصحه مناسب در داخل محلات بیجاشدگان داخلی و به فاصله نزدیک ازین محلات حصول اطمینان خواهد کرد تا دختران اجازه رفتن به مکاتب را داشته و نیز این مکاتب برای اشخاص دارای معلولیت قابل دسترسی باشد؛
- vii. از پرداخت مشوقات و عرضه کمک مناسب برای معلمین، با اولویت دادن به معلمین بیجاشده، کسب اطمینان خواهد نمود تا آنها برای تدریس در ساحات دور دست یا محلات بودوباش غیر رسمی بیجاشدگان داخلی آماده شوند؛
- viii. با توسعه تعداد صنوف درسی، معلمین (اناث و ذکور)، مواد درسی و در صورت ضرورت تعدیل نصاب درسی و معرفی سیستم مناسب تفتیش، حصول اطمینان خواهد نمود تا کیفیت آموزش اطفال در محلات رهائش بیجاشدگان داخلی یکسان با سایر اطفال در کشور بوده و مهارتهای مناسب زندگی به آنها تدریس گردیده و فرهنگ اطفال بیجاشده مورد احترام قرار بگیرد.
- ix. تدابیر لازمی مشابه را در ساحاتیکه از تعداد زیاد بیجاشدگان داخلی میزبانی میکنند، جهت افزایش تعداد صنوف درسی، معلمین و مواد درسی اتخاذ خواهد نمود تا به نیازمندی های آموزشی اطفال بیجاشدگان و اطفال اجتماعات میزبان آنها رسیدگی شود.
- x. طرز العمل هائی را برای برسمیت شناختن مدارک تعلیمی و تحصیلی که از کشور های بیرونی بدست آورده اند، تطبیق و انکشاف خواهد داد، زیرا بعضی ازین اطفال بیجاشده، قبلاً در میان مهاجرین/عودت کنندگان بوده اند و فعلاً برای بار دوم بیجاشده اند. عین کار در عرصه برسمیت شناختن اسناد و مدارک استادان پوهنتون/معلمین بیجاشده که در خارج از کشور برنامه های آموزشی را سپری نموده اند صورت خواهد گرفت.

xi. با همکاری وزارت کار، امور اجتماعی، شهداء و معلولین، برنامه های آموزش حرفوی را برای جوانان (در بخشهای مختلف مانند آموزش کمپیوتر) برنامه های سواد آموزی برای اطفالی که از مکتب باز مانده اند و زنانیکه هیچ به مکتب نرفته اند، و برنامه های تعلیمی بزرگسالان و آموزش مهارتها برای اشخاص بیکار روی دست خواهد گرفت. بیجاشدگان داخلی نیز از همچو برنامه های آموزشی مستفید خواهند شد.

### 7.1.9 حق حمایت از ملکیت و جبران خساره

این پالیسی اذعان میدارد که:

- ا. دولت حق بیجاشدگان داخلی به ملکیت منقول و غیر منقول، مالکیت و در صورت بیجاشدگی، تخریب و ویرانی، حق آنها به جبران خساره را تضمین مینماید.
- ب. تمام بیجاشدگان داخلی دارای حق ادعای مسکن و یا زمین و ملکیتها را که ممکن بشکل خودسرانه یا غیر قانونی از آن محروم شده باشند، میباشند و در صورت عدم امکان بدست آوردن عین مسکن و یا زمین و ملکیت، دارای حق ادعای جبران خساره هستند.
- ج. کمکهای جبرانی یک بخش مهم راه های حل دائمی را تشکیل میدهد که زمینه عودت داوطلبانه بیجاشدگان داخلی را مساعد ساخته و تأیید مینماید که عدالت تأمین گردیده و جبران خساره مادی صورت گرفته که این امر میتواند در استقرار مجدد بیجاشدگان داخلی در محلات بودوباش اصلی شان کمک کند.
- د. در صورت لزوم، با زنان، منجمله بیوه زنان باید برای دریافت میراث یا بدست آوردن مهریه هایشان همکاری صورت بگیرد. در صورت ضرورت، آنها باید از مساعدتهای حقوقی مجانی برای حصول دوباره مسکن، زمین و ملکیتهايشان بهره مند شوند یا در مقابل تخریب (کلی یا قسمی) خانه ها، زمین ها و ملکیت هایشان جبران خساره پرداخت شود.

### 7.1.10 حق آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات

مطابق ماده 34 قانون اساسی افغانستان " آزادی بیان از تعرض مصون است ". تمام شهروندان افغان بشمول بیجاشدگان داخلی دارای حق آزادی اندیشه و بیان هستند. ماده 19 اعلامیه جهانی حقوق بشر تصریح مینماید که " این حق شامل آزادی داشتن اندیشه بدون مداخله و جستجو، دریافت و انتقال معلومات و نظریات بیطرف توسط هر رسانه بدون در نظر داشت سرحدات میشود. "

به اساس این پالیسی، وزارت امور مهاجرین باید:

- ا. تمام تدابیر لازم را جهت فراهم نمودن معلومات، به شکل و شیوه ای که برای همه قابل دسترسی باشد، به بیجاشدگان داخلی روی دست گیرد و به بیجاشدگان داخلی از حق دسترسی شان به کمکهای بشردوستانه و مساعدتهای اجتماعی و همچنان به هر نوع جبران خساره که آنها مستحق میشوند، و اینکه چگونه میتوانند مساعدت های حقوقی مورد نیاز خود را بدست آورند، آگاهی دهند.
- ب. حصول اطمینان مینماید که برای بیجاشدگان داخلی در مورد چگونگی بدست آوردن اسناد مفقود شده، یا تخریب شده در اثر بیجاشدگی، معلومات داده شود.
- ج. در مورد گزینه هائیکه به راه حل دائمی ارتباط دارند، به بیجاشدگان معلومات ارایه نماید که شامل معلومات جامع و بموقع بزبان خود شان در مورد وضعیت منطقه اصلی شان، در مورد امتیازات شان و در مورد راه های بدیل میباشند.
- د. با همکاری اداره مستقل ارگانهای محل از پخش و نشر اطلاعات مهم پیرامون بیجاشدگان داخلی توسط ادارات محلی و ملی دولتی و همچنان از طریق رسانه های محلی و ملی به تمام زبانهای مربوطه اطمینان حاصل نماید.

- ه. اطمینان حاصل نماید که این اطلاعات از طریق سازمانهای اجتماعی، سازمان های غیر دولتی، مساجد و مراکز اطلاعات نیز قابل دسترس باشد.
- و. این ابزارها را باید برای پخش و تحکیم مفکوره تفاهم و دیالوگ در موارد منازعات قبایل و غیره استفاده نماید؛
- ز. تدابیری را روی دست گیرد تا رسانه ها برای پروپاگاندا و برانگیختن خشونت استفاده نشوند. تشویق و ترغیب به خشونت هرگز شامل آزادی اندیشه و بیان نمیباشد.

### 7.1.11 حق سهمگیری، بشمول حق رأی دهی

#### (الف) حق سهمگیری

مطابق این پالیسی:

- i. در تمام تصمیم تاثیر گذار بالای وضعیت بیجاشدگان داخلی بویژه پیرامون جستجوی راه های حل دایمی برای بیجاشدگی، بیجاشدگان داخلی و اجتماعات میزبان در پلانگذاری، طرح و تطبیق استراتژی های مناسب، برنامه ها و امور مربوط به عودت، استقرار مجدد یا نقل مکان سهیم خواهند بود.
- ii. بیجاشدگان داخلی در تمام موارد آزاد اند تا به اساس نیازمندیهای خویش آگاهانه تصمیم بگیرند زیرا موقف شان برای تصمیم گیری در مورد نیازمندیهای واقعی شان، از همه مناسب تر است.
- iii. زنان، کهنسالان، جوانان، اطفال و اشخاص دارای معلولیت برای سهمگیری در انکشاف ستراتیژی های فوق الذکر، برنامه ها، فعالیتها و سهمگیری در تمام تصمیمی که مستقیماً بالای زندگی شان تاثیر گذار است، تشویق و توانمند ساخته خواهند شد.
- iv. وزارت امور مهاجرین در همکاری با وزارت عدلیه و اداره مستقل ارگانهای محلی، بیجاشدگان را جهت انسجام بهتر منافع شان و دادخواهی برای نگرانی هایشان، به ساختن انجمن ها تشویق خواهند نمود.
- v. در مواردیکه بیجاشدگان در کمپ ها زندگی میکنند، برای ساختن شوراهای تنظیم امور کمپ (کمپته ها) شوراهای زنان و شوراهای جوانان، از طرف وزارت امور مهاجرین همکاری خواهند شد.

#### (ب) حق رأی دهی

ماده 33 قانون اساسی افغانستان تصریح مینماید که اتباع افغانستان "حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را دارا می باشند"

- i. بیجاشدگان داخلی منحصیث شهروندان افغانستان حق دارند تا خود را در انتخابات کاندید کنند و رأی بدهند و از این حقوق شان بخاطر بیجاشدگی محروم نگردند. بیجاشدگان داخلی میتوانند در صورتیکه بخواهند از این حقوق در محلات بودوباش اصلی یا محلات بیجاشدگی شان (در جائیکه در حال حاضر بسر میبرند) بهره مند شوند.
- ii. کمیسیون مستقل انتخابات تمام تدابیر لازم را برای ثبت نام بیجاشدگان داخلی، توزیع کارتهای رأی دهی در محلاتیکه بیجاشده اند بدون نیاز به بازگشت به مناطق اصلی شان روی دست خواهد گرفت، مگر اینکه بیجاشدگان داخلی بخواهند بخاطر ثبت نام برای رأی دهی به محلات بودوباش اصلی شان بازگشت نمایند.
- iii. برای زنان و مردان بیجاشده کارت های انتخابات توزیع شده و جهت تشویق شان برای کاندیداتوری توسط کمیسیون مستقل انتخابات با همکاری وزارت امور زنان برنامه ها طرح خواهد شد.



## 7.2 بیجاشدگی های دوامدار

این پالیسی موارد ذیل را تصریح مینماید:

ا. افرادی اند که بخاطر عدم مساعد بودن شرایط مندرج در بخش 8.2.1 این پالیسی برای بازگشت و نبود راه های حل دیگر که در بخش 8.3.1 ذکر شده است، از مدتهای طولانی در بیجاشدگی داخلی بسر میبرند؛

ب. بیجاشدگی های دوامدار سبب بوجود آمدن وابستگی و فقر شدید در بین بیجاشدگان شده و آسیب پذیری شان را افزایش بخشیده است. بدینگونه بیجاشدگی های طولانی نه صرف بالای زندگی این مردم بلکه بالای اجتماعات میزبان و همچنان بالای انکشاف اجتماعی و اقتصادی افغانستان در کل تأثیرات منفی دارد؛

ج. بعد از دهه ها بیجاشدگی دوامدار، نیاز است تا از طریق برنامه های انکشافی مبتنی بر ساحه و کمک های بشردوستانه، شرایط زندگی بیجاشدگان دوامدار که منتظر برگشت یا کدام راه حل دایمی دیگر هستند و همچنان در صورت لزوم زندگی اجتماعات میزبان، بهتر شود.

د. ادارات و فعالین مندرج در بخش 4.1 – 4.5 مشخصاً تدابیر ذیل را برای بهبود شرایط و مبارزه با فقر مزمن، اتخاذ مینمایند تا از تأثیرات ذکر شده بیجاشدگی طول المدت جلوگیری بعمل آید:

- i. توسعه و بهبود خدمات اساسی، خاصاً تسهیلات آموزشی و صحی.
- ii. بهبود سرپناه ها، مسکن، سیستم آب، حفظ الصحه و سایر زیر بناها در ساحات رهائش بیجاشدگان داخلی تا از مصئونیت و کرامت شان اطمینان حاصل شود و از افزایش محلات بودوشاش غیر رسمی مهاجرین جلوگیری شود.
- iii. فراهم نمودن اسناد تامین تصدی زمین بشکل موقت یا دایمی یا سایر اشکال اسناد استفاده از زمین که در مقابل اخراج از زمین مصئونیت حاصل نمایند. مثلاً اجازه استفاده از زمین بشکل موقتی، کرایه یا اجاره در مقابل مبلغ مناسب. برای انجام اینکار توزیع زمین یا فراهم نمودن و برسمیت شناختن تدارک زمینهای مربوط به اجتماع یا قبیله برای اجاره دادن، کرایه دادن یا فروش در مناطقیکه بیجاشدگان زندگی میکنند، نیاز خواهد بود.
- iv. تطبیق برنامه های امرار معیشت و آموزش های حرفوی و همچنان فراهم نمودن قرضه های قابل پرداخت برای فعالیتهای اقتصادی و سرمایه گذاری.

## 8. راه های حل دائمی

### 8.1 اصول عمومی

مطابق این پالیسی، ادارات و سایر فعالین که در بخشهای 4.1 – 4.5 ذکر گردیده اند در چارچوب یا حیظه صلاحیت هایشان:

ا. برای ایجاد شرایطی که منتج به راه های حل واقعی متداوم به بیجاشدگی میشود، تدابیر لازم را اتخاذ مینمایند تا اطمینان حاصل شود که بیجاشدگی بیشتر از مدتی که اوضاع ایجاب میکند دوام نکند.

- ب. تأیید مینمایند که نیازمندی‌ها، حقوق و منافع مشروع بیجاشدگان در رأس تمام موضوعات مربوط به راه‌های حل دائمی قرار خواهد داشت، و اینکه آنها منحیث جوانب ذیدخل در پلانگذاری و تنظیم این راه‌های حل سهم خواهند گرفت.
- ج. به حقوق بیجاشدگان داخلی در ارتباط به اختیار نمودن مسکن در هر بخش کشور طوریکه در ماده 39 قانون اساسی و قانون بین‌المللی حقوق بشر تصریح شده است، احترام میگذارند تا آنها در مورد آینده‌شان، بشمول گزینه عدم برگشت به خانه‌هایشان بشکل داوطلبانه و آگاهانه تصمیم بگیرند.
- د. می‌پذیرند که تحت هیچگونه شرایطی بیجاشدگان داخلی به بازگشت یا انتقال به مناطقی که در آن حیات، مصنویت، آزادی یا صحت‌شان در خطر باشد، تشویق و یا مجبور ساخته نمی‌شوند.
- ه. دولت جمهوری اسلامی افغانستان را در فراهم‌آوری مساعدت‌ها برای رفع نیازمندی‌های بیجاشدگان داخلی به زمین در چوکات قوانین مربوط به زمین تشویق و کمک مینماید.
- و. می‌پذیرند که در صورت نبود گزینه بازگشت، انتخاب گزینه ادغام محلی یا جایجاشدن در ساحه دیگری از کشور توسط بیجاشدگان داخلی چشم‌پوشی از حق بازگشت تلقی نخواهد شد. یعنی گزینه بازگشت در هر زمان ممکن یا برجا است.

## 8.2 استراتیژی‌ها و پلان‌های کاری

### 8.2.1 پلان‌های کاری ولایتی

این پالیسی تأیید مینماید که:

- ا. در حالیکه در یافتن راه‌های حل دائمی برای بیجاشدگی داخلی در افغانستان چالش‌های متعدد وجود دارد، هر ولایت با وضعیت خاص مواجه می‌باشد: تعداد بیجاشدگان داخلی در هر ولایت متفاوت می‌باشد؛ محلات بودوباش اصلی و دلایل بیجاشدگی آنها از هم متفاوت می‌باشد؛ بیجاشدگان داخلی دارای مهارت‌ها، سطح دانش و فرصت‌های مختلف امرار معیشت می‌باشند؛ ساحاتی که بیجاشدگان داخلی در جریان بیجاشدگی در آن زندگی میکنند ممکن مناطق روستائی باشد یا مناطق شهری، و دسترسی به زمین، خدمات اساسی و سایر منابع در هر منطقه یکسان نمی‌باشد.
- ب. هر ولایتی که میزبان تعداد قابل ملاحظه بیجاشدگان داخلی می‌باشد برای رسیدگی به وضعیت خاص بیجاشدگی در آن یک استراتیژی خاص را تدوین مینماید که پلان کاری آن بر یافتن راه‌های حل دائمی برای نفوس بیجاشده آن متمرکز می‌باشد.
- ج. مسئولیت تدوین استراتیژی و پلان کاری ولایتی بدوش ادارات ولایتی تحت رهبری والی ولایت، اما با سهمگیری فعال شوراهای ولایتی، ولسوالان، شاروال‌ها، ریاست‌های ولایتی امور مهاجرین و عودت‌کنندگان، وزارت‌های ذیربط، سایر ادارات محلی و همکاران اجتماعی مانند سازمان‌های کارگری، می‌باشد. (رهنمودها برای تدوین اینگونه استراتیژی و پلان کاری در ضمیمه شماره 3 گنجانیده شده است.)
- د. در محلاتیکه شاروالی‌ها یا ولسوالی‌ها میزبان تعداد قابل ملاحظه از بیجاشدگان داخلی می‌باشند، این شاروالی‌ها میتوانند استراتیژی‌ها و پلان‌های کاری‌شانرا تحت چتر استراتیژی و پلان ولایتی تدوین نمایند.
- ه. در بعضی موارد، ممکن برای ادارات ولایتی یک منطقه کشور، یا ولایات همجوار آن مناسب باشد تا فعالیت‌های‌شانرا در سطح منطقوی پلانگذاری نمایند، خاصتاً اگر اینکار گزینه‌ها و منابع‌شانرا توسعه بخشد.
- و. در تدوین اینگونه استراتیژی‌ها و پلان‌های کاری، باید با خود بیجاشدگان داخلی و سایر اجتماعات متأثر شده نیز مشوره شده و در پروسه پلانگذاری و تطبیق سهیم ساخته شوند. تمام مراجع ذیدخل باید درک

نمایند که تصمیم‌گیری در مورد عودت، ادغام محلی یا اسکان مجدد به انتخاب خود بیجاشدگان داخلی میباشد.

ز. تمام اینگونه استراتژی‌ها و پلان‌های کاری باید با وزارت امور مهاجرین و عودت‌کنندگان، که مسئولیت مساعدت با ادارات دولتی را در عرصه جلب وجوه مالی مورد نیاز برای تطبیق راه‌های حل دائمی پیشنهاد شده بدوش دارد، شریک ساخته شود تا این وزارت از طرف آنها با دولت و پارلمان، موسسات بین‌المللی و مراجع تمویل‌کننده دادخواهی کند.

ح. اینگونه استراتژی‌ها و پلان‌های کاری باید بشکل سالانه با هر ولایتی که در مورد دست‌آورد‌ها و موانعی که با آن مواجه گردیده، به میکانیزم نظارتی (که در فصل 10 توضیح گردیده است) گزارش می‌دهد، مورد بررسی قرار گرفته و استراتژی و پلان سال آینده را به آن ارائه نماید.

## 8.2.2 پلان ملی تطبیقی

وزارت امور مهاجرین و عودت‌کنندگان بشکل سالانه یک پلان ملی تطبیقی را تهیه خواهد نمود. اولین پلان ملی تطبیقی در ظرف شش ماه پس از تصویب این پالیسی تکمیل شده و مشخص خواهد نمود که این وزارت:

ا. پالیسی بیجاشدگان داخلی را به مردم و ادارات دولتی توزیع نماید تا در رابطه به احکام این پالیسی درک بیشتر بوجود آمده و در زمینه تطبیق آن مردم را تشویق نماید.

ب. به همکاری نزدیک و روابط تقویتی با گروه‌های موظف ولایتی برای بیجاشدگان داخلی در پروسه پلان‌گذاری ولایتی، انسجام و اولویت بندی اقدامات پیشنهاد شده کمک نماید.

ج. یک میکانیزم حسابدگی را جهت پیگیری و نظارت از تطبیق پلان‌های ولایتی ایجاد نماید.

د. ظرفیت‌های گروه‌های موظف ولایتی برای بیجاشدگان داخلی را ارتقاء دهد تا آنها بتوانند وظایفی را که درین پالیسی گنجانیده شده، بدوش گیرند.

ه. بررسی و تجزیه و تحلیل مراجع ذیدخل را در سطح ملی بدوش گرفته و گروه‌های موظف ولایتی برای بیجاشدگان داخلی را برای انجام اینکار در ولایات مربوطه شان تشویق نماید.

و. معلومات مختصر در مورد تطبیق این پالیسی، منجمله موانع و فرصت‌ها را بشکل منظم به وزارت‌های مربوطه و جامعه مساعدت‌های بشردوستانه و انکشافی ارائه نماید تا از سهمگیری فعال آنان در تطبیق این پالیسی حصول اطمینان گردد.

ز. در بسیج و اختصاص منابع، منجمله از طریق جلب وجوه مالی از بودجه ملی و میکانیزم‌های مالی بین‌المللی، برای تطبیق پلان‌های کاری ملی و ولایتی سهم گیرد.

ح. سیستم مدیریت معلومات وزارت امور مهاجرین و عودت‌کنندگان را در رابطه به بیجاشدگی داخلی، ارتقاء ظرفیت جمع‌آوری معلومات در همکاری با موسسات بین‌المللی که از قبل در مورد بیجاشدگان داخلی معلومات جمع‌آوری نموده‌اند و نیز پیگیری سیر و حرکت آنها تقویت نماید.

ط. معلومات ملی در مورد وضعیت بیجاشدگان داخلی در کشور را تهیه نموده و در رابطه به تطبیق این پالیسی یک گزارش را برای دفتر ریاست جمهوری تهیه نماید.

ی. اهمیت نیاز این پالیسی به تعدیل و اصلاح آنرا مورد بررسی قرار دهد.

## 8.3 عودت

### 8.3.1 شرایط عودت

این پالیسی اذعان میدارد که موجودیت شرایط ذیل برای در نظر گرفتن عودت بیجاشدگان داخلی منحصبت یک گزینه برای راه حل متداوم حتمی میباشد:

ا. مسئولیت، امنیت و ثبات در ساحه عودت؛

- ب. مسئولیت و امنیت در جریان عودت؛
- ج. اعاده مسکن، زمین، ملکیت و زمین های محلی عودت کنندگان یا جبران خساره مناسب بشمول بدیل های قابل قبول برای مسکن، زمین و ملکیت؛ مساعدت در زمینه بازسازی خانه ها، فراهم نمودن آب، و خدمات اساسی در ساحه عودت تا از سطح مناسب زندگی و دسترسی به خدمات اساسی برای عودت کنندگان اطمینان حاصل شود؛
- د. تاسیس مجدد برنامه های امرار معیشت یا معرفی گزینه ها برای معیشت بدیل در ساحات عودت.

### 8.3.2 مساعد نمودن شرایط عودت

وزارت امور مهاجرین در همکاری با سایر ادارات و فعالین ذیربط که در بخش های 4.1 – 4.5 ذکر گردیده و در مشوره با بیجاشدگان داخلی، از انجام فعالیتهای ذیل کسب اطمینان خواهد نمود:

- أ. ارائه معلومات دقیق به بیجاشدگان داخلی در ارتباط به وضعیت مناطق اصلی شان و مساعد ساختن زمینه برای بازدید از مناطق اصلی شان تا در مورد عودت تصمیم آگاهانه و داوطلبانه اتخاذ نمایند؛
- ب. از طریق برنامه هائیکه در بخش 8.3.1 ذکر گردیده اند، کمک با بیجاشدگان داخلی که خواهان و قادر به عودت به محلات اصلی شان هستند،
- ج. حصول اطمینان ازینکه بیجاشدگان داخلی در مناطق دارای تعداد زیاد عودت کنندگان در "برنامه های مبتنی بر ساحه" که بخاطر کمک به عودت افغانهای پناهنده ایجاد میشود، شامل شوند.
- د. همکاری با کسانیکه زمین ندارند تا مطابق به فرمان شماره 104 ریاست جمهوری (در مورد توزیع زمین)، زمین بدست بیاورند؛ با در نظر داشت اینکه سیستم مندرج در فرمان برای توزیع زمین در عرصه عودت پایدار موفق نبوده زیرا زمینهای توزیع شده فاقد آب آشامیدنی و سایر زیربنای ضروری میباشد؛ این شهرک ها یا زمین های توزیع شده از بازار کار و فرصتهای امرار معیشت در فاصله دور قرار داشته و خدمات اساسی (مشخصاً مواظبت های صحتی و آموزشی) وجود نداشته یا غیر کافی است.
- ه. حمایت از برنامه های تفاهم و مصالحه و مساعدت های حقوقی رایگان در ساحاتی که در گذشته بین بیجاشدگان داخلی عودت کننده و همسایگان شان منازعات وجود داشته است.
- و. حمایت از طرح استراتژی ها و دخیل ساختن نهاد های انکشافی برای حصول اطمینان از ظرفیت جذب اجتماعات که بیجاشدگان داخلی به آن عودت میکنند.

### 8.4 سایر راه های حل دائمی: ادغام محلی و اسکان مجدد در سایر مناطق کشور

این پالیسی ضرورت به استراتژی ها و برنامه هایی که زمینه ادغام محلی یا اسکان مجدد را در ساحات دیگر کشور برای بیجاشدگان داخلی مساعد میسازد، پذیرفته و مشخصاً موارد ذیل را تأیید مینماید:

- أ. وزارت امور مهاجرین و سایر ادارات و فعالین مندرج در بخش 4.1 – 4.5 به حق آزادی گشت و گذار و رهایش بیجاشدگان داخلی که در بخش 7.1.2 تصریح شده است، احترام میگذارند و بطور اخص تأکید میدارند که مقامات محلی، شاروالی ها و ولایات، حق بیجاشدگان داخلی را به ادغام محلی یا اسکان مجدد به منطقه دیگر افغانستان پذیرفته و عین وضعیت را که سایر ساکنین در منطقه دارند برای بیجاشدگان نیز قائل شوند.
- ب. والی ها، ولسوالان و شاروالان به همکاری ادارات ملی و جامعه بین المللی و در مشوره با بیجاشدگان داخلی و اجتماعات متأثر شده از بیجاشدگی، مسئولیت دارند تا پلانهای کاری را که در بخش 8.2 ذکر گردیده، در سطح ولایات یا شاروالی ها تدوین نمایند.
- ج. اینگونه پلان های کاری در پهلوی سایر موضوعات، دربرگیرنده استراتژی ها و برنامه ها برای کسب اطمینان از حقوق بیجاشدگان داخلی به سرپناه و زمین که در بخش 7.1.3 ذکر گردیده و همچنان در برگیرنده حقوق شان به امرار معیشت که در بخش 7.1.4 ذکر شده است، میباشد؛

- د. این پلان های کاری باید تأیید نماید که اکثر اجتماعات متأثر شده از بیجاشدگی و همچنان بیجا شدگان داخلی مردم بی بضاعت و محروم اند و بیجاشدگان داخلی یک بار اضافی بر زیربنای ضعیف خدماتی آنها گذاشته اند؛ و بخاطر جلوگیری از مخالفت و حسادت میان آنها باید این پلانهای انکشافی، اجتماعات میزبان و بیجاشدگان داخلی را تحت پوشش قرار دهد.
- ه. در جریان جستجوی راه های حل دائمی برای بیجاشدگان داخلی، دولت جمهوری اسلامی افغانستان سرا زیر شدن مردم به مراکز شهرها را درک نموده؛ و وزارت انکشاف شهری حصول اطمینان مینماید که بیجاشدگان داخلی که در شهرها در محلات غیر رسمی زندگی میکنند، از برنامه های اولویت ملی مستفید شوند تا برایشان مسکن فراهم شده و خدمات زیر بنایی شان (مانند آب و حفظ الصحه، برق، سرک) بهبود یابد؛ و اینکه بیجاشدگان داخلی از ماستر پلان و قباله زمین ها مستفید اند تا اینکه آنها سند تأمین تصدی را بدست بیاورند و بتوانند بدون هراس از اخراج، سرپناه های شان را بهبود بخشند.
- و. در محلاتیکه بیجاشدگان زمین خریده اند، از طریق پروژه های امرار معیشت و بهبود خدمات، در زمینه ادغام محلی کمک صورت خواهد گرفت.
- ز. وزارت احیاء و انکشاف دهات و وزارت زراعت و مالداري جهت رسیدگی به نیازمندی های مالدارانی که بیجا شده اند، طوریکه در بخش 7.1.4 ذکر گردیده، استراتژی های را تدوین میکنند.
- ح. نهاد های نیدخل ملی و بین المللی پلان های کاری ملی، ولایتی و شاروالی شان پیرامون بیجاشدگان داخلی را در پلان ها و برنامه های عمومی و سکتوری انکشافی خود شامل ساخته و در صورت امکان مشکلات بیجاشدگی داخلی را در تمام فعالیت های انکشافی خود مورد رسیدگی قرار دهند.

## 9. تأمین وجوه مالی

### تطبیق این پالیسی از طرق ذیل تمویل میگردد:

- أ. تخصیص مستقیم بودجه به وزارت امور مهاجرین جهت تطبیق این پالیسی؛
- ب. تخصیص مستقیم بودجه به ادارات ولایتی و شهرداری ها تا در تطبیق پلانهای کاری در سطح ولایات به مصرف برسد،
- ج. شامل ساختن فعالیت های مربوط به این پالیسی در تخصیص بودجه وزارت های نیدخل و سایر ادارات دولتی ذکر شده در این پالیسی؛
- د. سایر تخصیص های وجوه که به هدف تطبیق این پالیسی توسط وزارت امور مهاجرین دریافت میشود؛
- ه. وجوه مالی بین المللی دریافت شده توسط ولایات و شاروالی ها بر مبنای استراتژی های تأمین وجوه مالی منحیث ضمیمه در پلانهای کاری ولایتی.

### به هدف تطبیق این پالیسی، وزارت مالیه فعالیت های ذیل را انجام خواهد داد:

- أ. تخصیص بودجه و وجوه مالی کافی به وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان جهت رفع نیازمندی های بیجاشدگان داخلی؛
- ب. ارتقاء ظرفیت های وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان در طرح پروپوزل های بودجه و وجوه مالی حقیقی به وزارت مالیه؛
- ج. تخصیص یا طرح یک صندوق وجهی برای بیجاشدگان داخلی یا بودجه ملی بیجاشدگان داخلی که تمام موسسات دولتی مربوطه بتوانند جهت فراهم آوری خدمات یا برنامه های خاص برای بیجاشدگان داخلی از آن استفاده کنند؛

- د. تخصیص وجوه مالی اضطراری برای وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان و انعطاف پذیری در استفاده از بودجه برای بیجاشدگان داخلی تا وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان بتواند به حالات اضطراری رسیدگی کافی نماید؛
- ه. تخصیص وجوه مالی کافی به کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، تا وظایف نظارتی ذکر شده در فصل 10 این پالیسی که به آن اداره توظیف گردیده، بشکل موثر انجام داده شود.

## 10. نظارت و گزارش دهی

نظارت از تطبیق این پالیسی توسط یک میکانیزم نظارتی که توسط واحد نظارت و ارزیابی وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان همراه با کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و واحد نظارت و ارزیابی اداره امور ریاست جمهوری ایجاد خواهد گردید، صورت میگیرد. از سایر مراجع ذیدخل ملی و بین المللی نیز دعوت بعمل آمده میتواند تا در پروسه نظارت و ارزیابی اشتراک نمایند.

میکانیزم نظارتی:

- أ. یک جدول نظارت و ارزیابی را با معیار ها و شاخص های مناسب که پروسه تطبیق در برابر آنها مورد ارزیابی قرار میگیرد، ایجاد خواهد نمود.
- ب. یک گزارش سالانه را در مورد پیشرفت های حاصله، موانع تطبیق، و تطابق با چارچوب پالیسی، به ریاست جمهوری ارائه خواهد نمود.
- ج. همچنان یک گزارش ویژه را که مشکلات مشخص پیرامون تطبیق این پالیسی را برجسته میسازد، تهیه خواهد نمود؛ خاصاً بخاطر رعایت، حمایت و دادخواهی برای حقوق افراد بیجاشده و رفع موانع در راستای تطبیق راه های حل دایمی.
- د. به هدف نظارت از تطبیق این پالیسی، دارای صلاحیت پیگیری با وزارت های مربوطه و سایر ادارات دولتی و مقامات ولایتی، ولسوالی و شاروالی در رابطه به پلان های تطبیقی، میباشد.
- ه. وجوه مالی کافی را برای انجام فعالیت های نظارتی و گزارش دهی که این پالیسی بر آنها تأکید مینماید، دریافت خواهد کرد.

## اسناد ضمیمه در این پالیسی

1. اصول رهنمودی سازمان ملل متحد در مورد بیجاشدگان داخلی
2. مسئولیت های وزارت های نیدخل و سایر ادارات دولتی
3. رهنمود والیان در رابطه به تدوین پلان های ولایتی برای یافتن راه های حل دائمی برای بیجا شدگان داخلی
4. رهنمود ها برای کاهش زیان ها و مشکلات در شرایط اخراج اجباری - گروپ حمایتی افغانستان

## ضمیمه شماره (1)

### اصول رهنمودی ملل متحد در مورد بیجاشدگی داخلی

مقدمه: ابعاد و اهداف

1. این اصول رهنمودی به نیازمندی های معین بیجاشدگان داخلی در سراسر جهان میپردازد. اصول متذکره حقوق و ضمانت های مربوط به حمایت از افراد بیجا شده اجباری، حمایت و مساعدت به آنها در جریان بیجا شدگی و همچنان بازگشت، اسکان و استقرار مجدد شانرا شناسایی مینمایند.
2. منظور از بیجاشدگان داخلی در این اصول، اشخاص یا گروهی از اشخاص اند که مجبور به فرار یا ترک منازل یا محلات بودوباش همیشگی شان، خاصاً در نتیجه جنگ یا به منظور اجتناب از خسارات درگیری های مسلحانه، اوضاع خشونت های عمومی، نقض حقوق بشر یا حوادث طبیعی و یا ساخته دست بشر گردیده اما سرحد شناخته شده بین المللی یک کشور را عبور ننموده اند.
3. این اصول انعکاس دهنده قوانین بین المللی حقوق بشر و قانون بشری بین المللی بوده و راهنمایی های را در مطابقت با قوانین فوق به مراجع ذیل ارائه میدارند:

- الف: نماینده سرمنشی در امور بیجاشدگان داخلی در راستای انجام ماموریت شان،  
ب: دولت ها، زمانیکه با پدیده مهاجرت داخلی مواجه میگردند،  
ج: تمام ادارات دیگر، گروهها و اشخاص در روابط شان با بیجا شدگان داخلی،  
د: موسسات بین الدول و غیر دولتی که به مسائل بیجاشدگی های داخلی میپردازند،

4. این اصول باید تا حد امکان بطور وسیع پخش و تطبیق گردد.

### فصل اول: اصول کلی

#### اصل اول

1. بیجا شدگان داخلی باید بطور مساویانه از عین حقوق و آزادی هایی که سایر افراد یک کشور در مطابقت با قوانین ملی و بین المللی از آن مستفید میگردند، بهره مند گردند. ایشان نباید بدلیل بیجا شدگی داخلی در استفاده از حقوق و آزادی های شان مورد تبعیض قرار گیرند.
2. این اصول مسئولیت جرمی افراد را براساس حقوق بین المللی خاصاً در ارتباط به نسل کشی، جرایم ضد بشریت و جرایم جنگی ساقط نمی سازد.

#### اصل دوم

1. این اصول باید توسط تمام ادارات، گروهها و اشخاص، بدون در نظر داشت موقف حقوقی ایشان رعایت و بدون هرگونه امتیاز تطبیق گردد. رعایت این اصول بر وضعیت حقوقی هیچ یک از ادارات، گروهها و اشخاص ذیدخل نباید اثر نماید.
2. این اصول طوری تفسیر نخواهد گردید که احکام اسناد بین المللی حقوق بشر یا حقوق بشری بین المللی یا حقوق اعطا شده انفرادی داخلی را محدود، تعدیل یا تضعیف نماید. این اصول حق پناه جویی و بهره مندی از آن در ممالک دیگر را ساقط نمی سازد.



## اصل سوم

1. ادارات ملی وظیفه و مسئولیت اولیه فراهم آوری مساعدت های بشری به بیجاشدگان داخلی و حمایت از آنها را در قلمرو خویش بدوش دارند.
2. بیجاشدگان داخلی حق تقاضا و بدست آوردن حمایت و مساعدتهای بشری را از این ادارات دارند. آنها نباید بخاطر چنین تقاضا تحت آزار، اذیت و مجازات قرار گیرند.

## اصل چهارم

1. این اصول باید بدون هرگونه تبعیض بر مبنای نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب یا عقیده، نظریات سیاسی یا سایر نظریات، منشأ ملی، قومی یا اجتماعی، موقف حقوقی و اجتماعی، سن، معیوبیت، ملکیت، تولد و معیارهای مشابه دیگر تطبیق گردند.
2. اشخاص معین بیجاشدگان مانند اطفال، مخصوصاً اطفال بدون سرپرست، مادران حامله، مادران با اطفال خردسال، زنان سرپرست خانواده، اشخاص معیوب و بزرگسالان، به حمایت و مساعدتی که مقتضی احوال آنها بوده و رسیدگی به ضروریات خاص آنها میباشد، مستحق شناخته شوند.

## فصل دوم: اصول مربوط به حمایت در برابر بیجاشدگی

### اصل پنجم

تمام ادارات و نهادهای بین المللی به منظور جلوگیری و اجتناب از شرایطی که منجر به بیجاشدگی افراد خواهد شد، باید مکلفیت های خویش را در مطابقت با قوانین بین المللی، منجمله حقوق بشر و قانون بشری بین المللی، در هر گونه شرایط رعایت و احترام نمایند.

### اصل ششم

1. هر انسان حق دارد تا در مقابل بیجاشدگی خود سرانه از منزل و محلات بودوباش همیشگی خویش حمایت گردد.
2. جلوگیری از بیجاشدگی خودسرانه شامل بی جاشدگی در حالات ذیل می گردد:

الف : زمانی که بر مبنای سیاست های اپارتاید، پاکسازی قومی یا روش های مشابه به هدف تغییر در ترکیب قومی، مذهبی یا نژادی افراد متأثر شده صورت گرفته و یا منجر به چنین تغییرات شود .

ب : در شرایط درگیری های مسلحانه، مگر اینکه مصئونیت اهالی ملکی یا دلایل نظامی چنین تقاضا و حکم نماید.

ج : در مورد پروژه های وسیع انکشافی که بر مبنای دلایل موجه و مهم و بر اساس منافع عامه توجیه نگردیده باشد.

د: در صورت بروز حوادث، مگر این که بخاطر مصئونیت و بهبود وضعیت صحتی افراد متأثر شده انتقال آنها ضروری باشد، و

ه : زمانی که به حیث مجازات دسته جمعی به آن توسل صورت گیرد.

3. بیجاشدگی نباید بیشتر از مدتی که شرایط آنرا ایجاب می کند، دوام نماید.

### اصل هفتم

1. قبل از اتخاذ هر گونه تصمیم که مستلزم بیجاشدگی افراد باشد، ادارات ذیربط باید حصول اطمینان نمایند که تمام بدیل های ممکن جهت اجتناب از بیجاشدگی همگانی جستجو گردد. در صورت عدم موجودیت بدیل ها باید تمام تدابیر جهت کاهش بیجاشدگی و تاثیرات ناگوار آن اتخاذ گردد.
2. اداراتی که مسئولیت رسیدگی به چنین بیجاشدگی ها را به عهده دارند، باید به پیمانان وسیع و عملی محل بودوباش مناسب به بیجاشدگان فراهم نمایند. ادارات ذیربط باید حصول اطمینان نمایند تا چنین بیجاشدگی ها

از نگاه مسئولیت، تغذی، صحت و بهداشت در شرایط قناعت بخش صورت گرفته و اعضای چنین خانواده ها از همدیگر جدا نگردند.

3. هر گاه بیجا شدگی در حالات غیر از مراحل اضطراری، درگیری های مسلحانه یا حوادث به وقوع میپیوندد، باید با تضمین های ذیل همراه باشد:

الف : اتخاذ تصمیم مشخص در رابطه به اقدامات لازم توسط اداره ای که نظر به حکم قانون صلاحیت چنین تدابیر را داشته باشد؛

ب : تدابیر کافی اتخاذ گردد تا معلومات کامل در رابطه به دلایل و طرز العمل بیجا نمودن تهیه شده و تا جایکه قابل تطبیق باشد؛ جبران خساره و انتقال آنها بیکه بیجا میشوند تضمین گردد.

ج : توافق آگاهانه و آزاد آنها بیکه بیجا می گردند جستجو گردد،

د : ادارات ذیربط سعی نمایند تا افراد آسیب دیده و زنان را در پلان گذاری و سازمان دهی انتقال آنها از یک محل به محل دیگر دخیل سازند.

ه : اقدامات جهت تطبیق قانون، در جایکه ایجاب نماید، توسط ادارات حقوقی ذیصلاح، اتخاذ گردد، و : حق جبران موثر خسارات، منجمله تجدید نظر در چنین فیصله ها توسط ادارات مناسب قضایی، مورد احترام قرار گیرد.

#### اصل هشتم

بیجاشدگی نباید حق حیات، عزت، آزادی و امنیت افراد بیجا شده را نقض نماید.

#### اصل نهم

دولت ها برای جلوگیری از بیجا شدن مردمان بومی، اقلیت ها، دهقانان، مردمان روستایی و سایر گروه هایی که با زمین های شان وابستگی های خاص دارند، دارای مکلفیت های ویژه میباشند.

#### فصل سوم

اصول مربوط به حمایت در جریان بیجا شدگی

#### اصل دهم

هر انسان بطور ذاتی دارای حق حیات میباشد که باید توسط قانون حمایت گردد. هیچ کس نباید خود سرانه از حیات محروم گردد. بیجا شدگان داخلی باید خاصاً از اتفاقات ذیل مصئون بمانند:

الف : نسل کشی

ب : قتل

ج : اعدام های خود سرانه و بدون محاکمه

د : ناپدید شدن اجباری، منجمله آدم ربایی یا توقیف غیر رسمی، تهدید یا تهدید منتج به قتل، تهدید و تحریک به ارتکاب اعمال متذکره ممنوع قرار داده شود. حملات یا سایر اعمال خشونت آمیز علیه بیجا شدگان داخلی که دیگر در دشمنی ها دخیل نیستند، در هر گونه شرایط ممنوع میباشد. بیجا شدگان داخلی باید خاصاً در برابر اعمال ذیل حمایت گردند:

الف : حملات مستقیم یا حملات علیه عموم مردم یا سایر اعمال خشونت بار، منجمله ایجاد ساحاتی که در آنها زمینه حملات بالای افراد ملکی مساعد باشد،

ب : گرسنه نگهداشتن آنها منحصیث یکی از شیوه های جنگی،

ج : استفاده از آنها منحصیث سپر اهداف نظامی یا جهت دفاع، بخاطر منفعت جوئی و یا جلوگیری از عملیات نظامی،

د : حملات علیه کمپ ها و اقامتگاه های آنها؛ و

ه : استفاده از ماین های زمینی ضد پرسونل

#### اصل یازدهم

1. هر انسان دارای حق کرامت انسانی و مسئولیت جسمی، روحی و اخلاقی میباشد.

2. بیجا شدگان داخلی، صرف نظر از اینکه آزادی آنها محدود گردیده یا خیر، خاصاً در برابر اعمال ذیل حفاظت گردند:

- الف: تجاوز جنسی، قطع اعضای بدن، شکنجه، رفتار یا مجازات خشن غیر انسانی یا تحقیر کننده و دیگر اعمال شنیع و مغایر عزت فردی مانند خشونت های جنسی، فحشاء اجباری و هر گونه عمل ناشایسته دیگر.
- ب: بردگی یا اشکال معاصر آن، مانند فروش برای ازدواج، بهره کشی جنسی، یا کار اجباری اطفال.
- ج: اعمال خشونت آمیز به قصد گسترش دهشت در میان بیجاشدگان داخلی. تهدید و تحریک به ارتکاب اعمال متذکره ممنوع میباشد.

#### اصل دوازدهم

1. هر انسان دارای حق آزادی و امنیت شخصی میباشد. هیچ کس نباید مورد دستگیری یا توقیف خودسرانه قرار گیرد.
2. به منظور بهره مندی بیجا شدگان از چنین حقی، آنها در کمپ ها توقیف و یا محصور نخواهند گردید. هرگاه شرایط استثنایی چنین وضعی را مطلقاً ضروری بسازد، بیشتر از مدت اقتضای شرایط دوام نخواهد کرد.
3. بیجا شدگان از دستگیری و توقیف تبعیض آمیز در نتیجه بیجا شدگی خویش مصئون بمانند.
4. بی جا شدگان داخلی در هیچ حالت گروگان گرفته نشوند.

#### اصل سیزدهم

1. اطفال بیجا شده در هیچ شرایطی در نیرو های مسلح استخدام نگردیده و اجازه اشتراک در جنگ ها را نداشته و نباید از آنها تقاضا گردد تا در جنگ اشتراک نمایند.
2. بیجا شدگان داخلی در برابر استخدام تبعیض آمیز به نیرو ها یا گروههای نظامی در نتیجه بیجاشدگی شان حمایت شوند. خاصاً هرگونه اعمال بی رحمانه، غیر انسانی یا تحقیر کننده که آنها را مجبور به استخدام درین نیرو ها ساخته و در صورت عدم اطاعت از آن مورد مجازات قرار گیرند، در هر گونه شرایط، ممنوع است.

#### اصل چهاردهم

1. هر بیجا شده داخلی دارای حق آزادی گشت و گذار جهت انتخاب محل اقامت خویش میباشد.
2. بیجا شدگان داخلی خاصاً حق دارند تا بطور آزادانه در داخل و خارج از کمپ و اقامتگاه های دیگر گشت و گذار نمایند.

#### اصل پانزدهم

1. بیجا شدگان داخلی دارای حقوق ذیل میباشد:
  - الف: حق جستجوی مسئولیت در بخش های دیگر کشور،
  - ب: حق ترک کشور خود،
  - ج: حق پناه جویی در کشور های دیگر،
  - د: حق حمایت در برابر عودت اجباری یا اسکان مجدد در محلاتیکه زندگی، مسئولیت، آزادی و یا صحت آنها در خطر باشد.

#### اصل شانزدهم

1. تمام بیجاشدگان داخلی حق دارند تا در مورد سرنوشت و محل سکونت اقارب گمشده خویش معلومات بدست آورند،
2. ادارات ذیربط جهت تعیین سرنوشت و محل سکونت بیجاشدگان داخلی گمشده سعی نموده و با موسسات بین المللی ذیربط که این وظیفه را به عهده دارند همکاری نمایند. ادارات ذیربط از پیشرفت تحقیقات به نزدیکترین اقارب آنها اطلاع داده و نتایج کارشانرا به آنها ابلاغ نمایند.

3. ادارات ذیربط جهت دریافت و تشخیص اجساد باقی مانده افراد متوفی سعی بخرج داده، از قطع اعضاء و از بین رفتن اجساد جلوگیری نموده، انتقال آنها را به نزدیکترین اقارب شان تسهیل و یا آنها را محترمانه ب خاک بسپارند.
4. قبرستان های بیجاشدگان داخلی باید در هرگونه شرایط مورد احترام و حفاظت قرار گیرد. بیجاشدگان داخلی باید حق دسترسی به قبرستان های اقارب متوفای خویش را داشته باشند.

#### اصل هفده هم

1. هر انسان حق دارد تا حق حیات خانوادگی وی مورد احترام قرار گیرد.
2. جهت تحقق این حق، اعضای خانواده های بیجاشدگان داخلی اجازه خواهند داشت تا مطابق آرزوی شان باهم زندگی مشترک نمایند.
3. خانواده هاییکه در اثر بیجاشدگی از هم جدا گردیده اند باید به زود ترین فرصت ممکن باهم بپیوندند. تمام تدابیر مناسب جهت تسریع پیوند چنین خانواده ها خاصناً زمانیکه اطفال مطرح باشند، اتخاذ خواهند گردید. ادارات مسئول تقاضای اعضای خانواده ها را مبنی بر جستجو و پرسش در مورد اعضای گمشده خانواده های شان تسهیل نموده و با سازمان های بشری که در بخش پیوند مجدد خانواده ها کار میکنند همکاری نموده و آنها را در انجام کار های شان تشویق مینمایند.
4. اعضای خانواده های بیجاشده که محصور و مقید به زندگی در کمپ ها شده اند، حق دارند باهم مشترکاً زندگی نمایند.

#### اصل هژدهم

1. تمام بیجاشدگان داخلی دارای حق داشتن سطح زندگی مناسب میباشد.
2. ادارات ذیصلاح، بدون در نظر داشت شرایط و بدون هر نوع تبعیض، دسترسی مناسب بیجاشدگان داخلی را به موارد آتی مهیا میسازند:  
الف: مواد غذایی ضروری و آب آشامیدنی؛  
ب: سرپناه و مسکن؛  
ج: پوشاک مناسب؛  
د: خدمات ضروری صحتی و بهداشتی؛
3. جهت مشارکت کامل زنان در پروسه پلانگذاری و توزیع این ضروریات اساسی، باید مساعی لازم بخرج داده شود.

#### اصل نوزدهم

1. تمام بیجاشدگان زخمی، مریض و آنهایکه معیوب اند، تا آخرین حد ممکن و بدون تاخیر، خدمات صحتی را در اختیار داشته و بدون تمایز به استثنای وضعیت صحتی، مورد توجه لازم قرار گیرند. در موقع ضرورت، بیجاشدگان به خدمات روانی و اجتماعی دسترسی داشته باشند.
2. به نیازمندی های صحتی زنان، منجمله دسترسی به کارکنان صحتی زن و خدمات صحتی مانند وقایه طفل و مادر و مشوره دهی مناسب برای قربانیان بهره کشی جنسی و سایر بد رفتاری ها، باید توجه خاص مبذول گردد.
3. همچنان باید به جلوگیری از امراض انتانی و ساری، از جمله ایدز، در میان بیجاشدگان داخلی، توجه خاص مبذول گردد.

#### اصل بیستم

1. هر کس حق دارد که در همه جا به عنوان یک انسان در مقابل قانون شناخته شود.
2. جهت تحقق این حق بیجاشدگان داخلی، ادارات ذیربط اسناد مورد ضرورت مانند پاسپورت، کارت هویت، تصدیق تولد و نکاح نامه را جهت بهره مندی آنان از حقوق قانونی شان، صادر نمایند. این ادارات زمینه

صدور اسناد جدید و یا مثنی اسناد مفقود شده در جریان بیجاشدگی را بدون تحمیل شرایط غیر ضروری، مانند بازگشت به محل اقامت معمولی برای بدست آوردن این اسناد، مساعد میسازند.

3. زنان و مردان بطور مساویانه حق دارند تا چنین اسناد ضروری را بدست بیاورند و حق دارند تا این اسناد بنام خودشان صادر شود.

#### اصل بیست و یکم

1. هیچکس را نمیتوان خودسرانه از ملکیت و تصرف در آن محروم ساخت.

2. ملکیت و دارایی های بیجاشدگان داخلی در همه شرایط مورد حمایت قرار میگیرد، مخصوصاً در مقابل موارد ذیل:

#### الف: غارت؛

ب: حملات مستقیم یا بدون تفکیک و یا سایر اعمال خشونت آمیز؛

ج: استفاده از آنان بمنظور سپر در عملیات یا اهداف نظامی؛

د: استفاده از آنان منحصبت تلافی عمل ارتکاب یافته؛ و

ه: نابود ساختن و یا تصاحب غیرقانونی اموال آنان منحصبت نوعی از مجازات دسته جمعی.

3. ملکیت یا دارایی هاییکه بیجاشدگان از خود بجا میگذارند باید در برابر تخریب، تصاحب خودسرانه و غیرقانونی، اشغال و استفاده، حفاظت گردد.

#### اصل بیست و دوم

بیجاشدگان داخلی، صرف نظر از اینکه در کمپ ها بسر میبرند یا خیر، در بهره مند شدن از حقوق آتی مورد تبعیض قرار نگیرند:

الف: حق آزادی اندیشه، ضمیر، مذهب یا عقیده و حق آزادی بیان

ب: حق جستجوی آزادانه فرصت های کاری و اشتراک در فعالیت های اقتصادی؛

ج: حق مشارکت آزادانه و اشتراک مساویانه در امور اجتماعی؛

د: حق رای دهی و اشتراک در امور دولتی و عامه، منجمله حق دسترسی به وسایل ضروری به منظور استفاده از این حق؛

ه: حق افهام و تفهیم به زبانیکه به آن سخن میگویند.

#### اصل بیست و سوم

1. هر انسان حق آموزش دارد.

2. جهت تحقق این حق بیجاشدگان داخلی، ادارات ذیربط باید حصول اطمینان نمایند که چنین اشخاص، خاصتاً اطفال بیجاشده، از حق تعلیم و تربیه که در دوره ابتدائیه رایگان و اجباری میباشد، بهره مند شوند. آموزش باید طوری باشد که هویت فرهنگی، زبان و مذهب آنان را مورد احترام قرار دهد.

3. باید جهت حصول اطمینان از مشارکت کامل و مساویانه زنان و دختران در برنامه های آموزشی تلاش های ویژه بخرج داده شود.

4. برای بیجاشدگان داخلی، خاصتاً جوانان و زنان، در صورت زیست و یا عدم زیست آنان در کمپ ها، بمجردیکه شرایط آماده میگردد، زمینه دسترسی به مراکز تعلیمی و آموزشی فراهم ساخته شود.

#### اصل بیست و چهارم

1. تمام مساعدت های بشری در مطابقت با اصول بشردوستی و اصل بیطرفی و بدون تبعیض انجام داده شود.

2. مساعدت های بشری در نظر گرفته شده برای بیجاشدگان داخلی خاصتاً به دلایل سیاسی یا نظامی برای اشخاص دیگر عرضه نمیگردد.

#### اصل بیست و پنجم

1. وظیفه و مسئولیت عمده عرضه مساعدت های بشری به بیجاشدگان داخلی بدوش ادارات ملی میباشد.
2. سازمان های بشری بین المللی و سایر ارگان های مربوطه حق دارند تا خدمات شانرا برای حمایت از بیجاشدگان داخلی عرضه نمایند. پیشکش نمودن چنین خدمات منحیث عمل غیردوستانه و یا مداخله در امور داخلی یک کشور تلقی نگردیده و مظهر حسن نیت پنداشته شود. بنابراین، توافق به انجام این چنین فعالیت ها نباید بشکل خودسرانه ممانعت گردد، خاصتاً زمانی که ادارات ذیربط نمیتوانند و یا نمیخواهند تا مساعدت بشری لازم را ارائه نمایند.
3. تمام ادارات ذیربط زمینه اجرای آزادانه مساعدت های بشری را مساعد ساخته و به اشخاصیکه در عرضه چنین مساعدت ها ذیدخل اند، زمینه دسترسی سریع و بدون ممانعت به بیجاشدگان داخلی را فراهم نمایند.

#### اصل بیست و ششم

اشخاصیکه در عرضه مساعدت های بشری ذیدخل اند، وسایل ترانسپورتی و اموال آنها باید مورد احترام قرار گرفته و حمایت گردد. آنها نباید هدف حملات یا سایر اعمال خشونت آمیز قرار گیرند.

#### اصل بیست و هفتم

1. در وقت فراهم آوری مساعدت ها به بیجاشدگان داخلی، سازمان های بشری بین المللی و سایر ارگان های مربوط باید به نیازمندی های حقوقی و حقوق بشری آنان توجه لازم نموده و درین مورد اقدامات مناسب را اتخاذ نمایند. در وقت اجرای این فعالیت ها، این سازمان ها باید معیار های بین المللی و موازین اخلاقی را مراعات نمایند.
2. بند اول این اصل بر مسئولیت های حقوقی سازمان های بین المللی که به همین منظور ماموریت دارند و خدمات شان از طرف حکومت ها تقاضا میگردد، تاثیری وارد نمیکند.

#### فصل پنجم: اصول مربوط به بازگشت، اسکان مجدد و استقرار مجدد

#### اصل بیست و هشتم

1. ادارات ذیصلاح وظایف و مسئولیت های اولیه را جهت مساعد ساختن شرایط و فراهم نمودن وسایلی که بیجاشدگان داخلی را قادر بسازد تا بشکل داوطلبانه، مصئون و با عزت به خانه و محلات بودوباش همیشگی خودعودت نمایند و یا در نقاط دیگری از کشور سکونت اختیار نمایند، بدوش دارند. این ادارات سعی بخرچ میدهند تا زمینه فراهم آوری تسهیلات را برای استقرار مجدد آنده از بیجاشدگان داخلی که عودت نموده و یا در محلات دیگر جایگزین گردیده اند، مساعد سازند.
2. مساعی خاص باید جهت حصول اطمینان از اشتراک کامل بیجاشدگان داخلی در پلانگذاری و تنظیم پروسه بازگشت، استقرار مجدد و اسکان مجدد آنان بخرچ داده شود.

#### اصل بیست و نهم

1. آنده بیجاشدگان داخلی که به منازل و یا محلات بودوباش همیشگی شان بازگشته اند و یا در نقاط دیگری از کشور شان سکونت اختیار نموده اند، بخاطر بیجاشدگی مورد تبعیض قرار نگیرند. آنها حق دارند در امور عامه بطور کامل و مساوی و در همه سطوح سهم گرفته و به خدمات عامه دسترسی مساویانه داشته باشند.
2. ادارات ذیصلاح مکلف اند تا آنده از بیجاشدگان داخلی را که دوباره به محلات اصلی بودوباش شان بازگشته و یا در محل دیگری جایگزین گردیده اند، تا حد ممکن، در استرداد اموال و ملکیت هایی که از خود بجا گذاشته و یا در وقت بیجاشدن از تصرف آنان خارج گردیده، مساعدت نمایند. در صورتیکه استرداد چنین اموال و

ملکیت ها ممکن نباشد، ادارات ذیصلاح زمینه بدست آوردن جبران خساره مناسب و منصفانه را برایشان مساعد سازند.

اصل سی ام

تمام ادارات مربوطه زمینه دسترسی سریع و بلا مانع سازمان های بشری بین المللی و سایر ارگان ها را در جریان ماموریت های مربوطه شان، به بیجاشدگان داخلی مساعد نموده، آنها را در زمینه بازگشت، اسکان مجدد و استقرار مجدد مساعدت نمایند.

## ضمیمه شماره (2)

### مسئولیت های وزارت های نیدخل و سایر ادارات دولتی

#### 1- وزارت محترم امور داخله

- وزارت امور داخله و پولیس ملی در مطابقت به ماده (پنجم) قانون پولیس در تأمین امنیت محلاتی که در آن بیجاشدگان داخلی استقرار میابند توجه خاص و اساسی مبذول داشته، با تمام ظرفیت و امکانات با نهادهای مدد رسانی، موسسات بشردوستانه داخلی و بین المللی جهت فراهم آوری مساعدت و تسهیلات لازم مساعی همه جانبه را انجام میدهد.
- وزارت امور داخله و پولیس ملی مطابق به قوانین نافذ کشور زمینه فعالیت های یومیه را برای بیجاشدگان داخلی در محلات استقرارشان مساعد ساخته، فضای امن را تأمین و از آزادی های مدنی و قانونی آنها حمایت و حراست نموده علیه هرگونه مظاهر مفسد اخلاقی و مسائلی که خلاف کرامت انسانی بوده و در اثر آن به حیثیت و شخصیت بیجاشدگان صدمه وارد شود مبارزه می نماید.
- وزارت امور داخله و پولیس ملی حین توزیع تذکره الکترونیکی اتباع کشور برای طبقه اناث و تطبیق پروسه بایومتریک، سنن، عنعنات و فرهنگ مردم افغانستان و بیجاشدگان داخلی را رعایت می نماید.
- وزارت امور داخله و پولیس ملی به منظور تثبیت هویت، ثبت و راجستر بیجاشدگان داخلی به مقصد تأمین نظم و امن عامه و تأمین امنیت بهتر بیجاشدگان در تفاهم و مساعی مشترک با وزارت محترم امور مهاجرین و عودت کنندگان اقدامات قانونی را انجام میدهد.

#### 2- وزارت صحت عامه

تحت عنوان حق دسترسی به مراقبت های صحی:

مطابق به ماده 52 قانون اساسی دولت جمهوری اسلامی افغانستان؛ بیجاشدگان داخلی مانند سایر شهروندان، دارای حق دسترسی به خدمات اساسی صحی هستند و تأکید میگردد که بیجاشدگان داخلی به هیچ وجه از دسترسی به تسهیلات با خدمات صحی اساسی بخاطر نداشتن تذکره تابعیت محروم نخواهند شد.

مطابق به این پالیسی، وزارت صحت عامه

- در حالیکه ماهیت عاجل بودن نگرانی های صحی بعضی از بیجاشدگان را مخصوصاً در جریان بیجاشدگی و بعد از آن درک مینماید؛ حق دسترسی به مراقبت های صحی را رعایت و از آن حمایت نموده و با انجام آخرین تلاش های خود آنرا تضمین مینماید.
- بر حصول اطمینان از فراهم آوری خدمات کامل صحی و تغذیه برای تمام بیجاشدگان داخلی مخصوصاً برای بی بضاعت ترین آنها تأکید ویژه می نماید.
- برنامه های واکسیناسیون اطفال، مراقبت های قبل و بعد از ولادت برای خانمها و تداوی مریضان مزمن و سوء تغذی، افراد دارای معلولیت، کهنسالان و کسانیکه در نتیجه بیجاشدگی قربانی خشونت ها شده یا مصاب به امراض روانی هستند شامل برنامه های خود میسازد.
- با همکاری وزارت کار و امور اجتماعی، شهاد و معلولین برای کسانیکه در اثر بیجاشدگی به امراض روحی مبتلا شده اند و برای قربانیان خشونت های جنسی و سایر خشونت ها خدمات حمایتی روانی و اجتماعی را عرضه مینماید.
- در مطابقت با کنوانسیون حقوق بشر و اشخاص معلول وسایل لازم و تجهیزات انتقالی مانند ویلچر و چوب های زیربغلی را برای اطفال و بزرگ سالان دارای معلولیت فراهم مینماید.



- تسهیلات و خدمات صحی اساسی را در مراکز شهرهاییکه نفوس متغیر دارد و در حال افزایش میباشد و تعداد زیاد بیجاشدگان داخلی در آنها زندگی میکنند توسعه میدهد تا این خدمات برای رفع نیازمندی های آنان کافی بوده و برای کسانیکه در محلات بودوباش غیر رسمی زندگی میکنند قابل دسترسی باشد. کیفیت مراقبت های صحی را با توجه خاص به خدمات صحی (باروری) برای خانم ها و انکشاف و نموی نوجوانان و صحت اطفال خوردسال بهبود میبخشد.
- کلینیک های سیار را در مناطق دوردست که بیجاشدگان داخلی نمیتوانند به آسانی به مراکز صحی دسترسی داشته باشند و به شکل منظم به آن مراجعه نمایند، فراهم خواهد نمود.
- در محلاتیکه راه های رساندن کمک های بشری به افراد نیازمند در نتیجه نا امنی مسدود است، با همکاری سایر فعالین مجراهای کمک رسانی را برای فراهم نمودن خدمات اساسی صحی منجمله برنامه های واکسیناسیون را برای بیجاشدگان داخلی ایجاد مینماید.
- توازن میان نیازمندی های صحی بیجاشدگان داخلی و اجتماعات میزبان را مدنظر میگیرد تا از بروز تش ها جلوگیری شود.

### 3- وزارت اقتصاد

وزارت اقتصاد همواره سعی نموده حین اولویت بندی پروژه ها و برنامه های انکشافی وزارت ها و ادارات، تحت پوشش قرار دادن بیجاشدگان داخلی و مهاجرینی که دوباره به کشور بازگشت نموده اند و یا به محلات اصلی خود جابجا میشوند را در نظر گرفته و این پروسه در آینده نیز ادامه خواهد یافت.

### 4- وزارت کار، امور اجتماعی، شهداء و معلولین

- شناسائی و تقسیم بندی انواع مهارت ها و قابلیت های موجود نزد بیجاشدگان داخلی به اساس معلومات ابتدائی جمع شده توسط وزارت امور مهاجرین و عودت کننده گان، اداره UNHCR و یا سایر ادارات ذیدخل.
- معرفی بیجاشدگانی که در جستجوی شغل هستند به ادارات کار فرمای حکومتی، غیرحکومتی و سکتور خصوصی.
- در همکاری با وزارت امور مهاجرین و حمایت مالی ادارات و دونه ها، فراهم نمودن فرصت های انکشاف مهارتها به اساس بازار کار برای بیجاشدگان داخلی توسط مراکز آموزش های تعلیمات حرفوی موجود یا طرح کورس ها و تسهیلات بطور مشخص.
- شامل ساختن و در نظر گرفتن مسائل بیجاشدگان داخلی در انکشاف پالیسی ها، استراتژی ها و پلان های کاری در داخل حوزه صلاحیت وزارت کار، امور اجتماعی، شهداء و معلولین.

### 5- وزارت امور شهرسازی

وزارت امور شهرسازی آماده است تا به منظور تأمین سرپناه مناسب و فرصت های تأمین معیشت برای بیجاشدگان داخلی در سطح مرکز و ولایات با وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان همکاری نماید. در صورتیکه زمین و بودجه مورد ضرورت به اختیار این وزارت قرار داده شود، وزارت امور شهرسازی میتواند پلان های تفصیلی شهرک های مخصوص بیجاشدگان داخلی را با سایر امکانات زیربنایی مثل مکتب و سایر تسهیلات فراهم نماید.

### 6- وزارت امور سرحدات، اقوام و قبایل

در صورتیکه درگیری های قومی و قبیله ای منجر به بیجاشدن افراد گردد، وزارت سرحدات، اقوام و قبایل در ایجاد کمیته های میانجی برای حل نزاع کمک خواهد نمود.

#### 7- وزارت احیاء و انکشاف دهات

- برنامه ملی آبرسانی (REWTSIP): تهیه آب آشامیدنی صحی از طریق حفاری چاه های نیمه عمیق، ایجاد شبکه های آبرسانی، اعمار مبرزهای صحی و تعلیمات حفظ الصحه محیطی در محلات بازگشت بیجاشدگان داخلی.
  - برنامه ملی راه سازی روستایی (NRAP): اعمار و احداث سرک های درجه سوم روستایی، پل و پلچک در محلات مسکونی بیجاشدگان غرض دسترسی شان به مارکیت، کلینک و سایر نقاط عام المنفعه.
  - برنامه ملی انکشاف مبتنی بر ساحه (NABDP): اعمار تعمیر برای کلینیک، مکتب و سایر خدمات اجتماعی در محلات مسکونی بیجاشدگان داخلی.
  - برنامه همبستگی ملی (NSP): عرضه خدمات اجتماعی و ایجاد پروژه های زیربنایی از طریق ایجاد شوراهای انکشافی در محلات مسکونی بیجاشدگان داخلی.
  - ریاست مسئولیت اجتماعی (SPD): ایجاد دیوارهای استنادی ذریعه گبیون و تحکیمات، ایجاد پروژه های کار درمقابل غذا با همکاری اداره WFP.
- در تمام فعالیت های یاد شده، مسائل تخنیکی مربوط به برنامه ها و ابعاد اجتماعی آن از قبیل اثرات فعالیت های یاد شده بالای پروسه بازگشت و استقرار مجدد بیجاشدگان داخلی از طریق ریاست مسئولیت اجتماعی بصورت مستمر و دوامدار مورد نظارت و ارزیابی قرار میگیرد.

#### 8- وزارت امور زنان

- شناسای و طبقه بندی انواع مهارت ها و شایستگی های موجود در میان زنان و دختران بیجاشده بر اساس ارقام ابتدائی جمع آوری شده توسط وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان، کمیشنری عالی ملل متحد در امور پناهندگان یا سایر موسسات ذیربط.
- گرچه کاریابی و وظیفه خاص وزارت محترم کار و امور اجتماعی است، اما ثبت نام بیجاشدگان داخلی که در جستجوی کار میباشند در دیتابیس مراکز خدمات کاریابی وزارت امور زنان نیز میتواند به افرادی که در جستجوی کار هستند کمک نماید تا ازین طریق کارهای مناسب را بدست آورند.
- معرفی بیجاشدگانی که در جستجوی کار میباشند به نهادهای دولتی و غیردولتی و همچنان سکتور خصوصی از طریق ریاست خدمات اقتصادی و اجتماعی برای زنان.
- در همکاری با وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان و کمک مالی مراجع تمویل کننده، فراهم آوری فرصت های ارتقاء مهارت ها برای بیجاشدگان داخلی از طریق مراکز آموزشی وزارت امور زنان.
- شناسایی و ثبت نام زنان و دخترانیکه با خشونت مواجه گردیده اند و پیش بردن قضایای آنان جهت دست یافتن به حقوق شان.
- فراهم آوری سرپناه برای زنان و دختران بیجاشده که زندگی شان با خطر مواجه بوده و یا مشکلات امنیتی داشته و یا آنهائیکه خانواده ندارند.
- گنجائیدن/مدنظرگرفتن مسائل مربوط به بیجاشدگان داخلی در تدوین پالیسی ها، استراتیژی ها و پلان های کاری درچوکات مأموریت وزارت امور زنان.

## 9- وزارت دفاع ملی

وزارت دفاع ملی مسئولیت های ذیل را در قبال آسیب دیدگان حوادث دارد:

- وزارت دفاع ملی در دراز مدت وظایف خود را از حیث حفظ استقلال، آزادی، حراست از نوامیس ملی، منافع ملی، تمامیت ارضی، استقرار صلح و ثبات، دفع و ترد حملات دشمنان داخلی و خارجی، حاکمیت ملی و ارزش های معنوی کشور اجرا خواهد نمود.
- وزارت دفاع ملی متعهد است تا در حالات اضطراری ناشی از حوادث طبیعی چون زلزله، طوفان، سیلاب و خشکسالی و حوادث غیر طبیعی، طوریکه ایجاب مینماید، در تفاهم با ارگان های دولتی و غیردولتی ذیدخل، افراد ملکی را کمک نماید.
- تأمین امنیت یکی از وظایف کلیدی و حساس وزارت دفاع ملی میباشد، بناً نظر به تقاضای پولیس ملی افغانستان نقش حمایت کننده را در تأمین امنیت مردم عامه و اشخاص آسیب دیده ایفا مینماید.

## 10- جمعیت هلال احمر افغانی

- شرکت در ارزیابی خسارات و شناسایی مناطق آسیب پذیر، جمع آوری اطلاعات و شناسایی نیازها.
- ارائه کمک های اضطراری به مردم آسیب دیده از جمله کمک های اولیه، غذا و لباس.
- کمک به مردم آسیب دیده در قسمت نجات و تخلیه، سرپناه موقت از طریق شورا های محلی و رضاکاران.
- ارسال درخواست امداد و بازسازی به فدراسیون بین المللی صلیب سرخ و هلال احمر.
- آموزش و بسیج رضاکاران و ارسال آنها به مناطق آسیب دیده.
- جمعیت هلال احمر افغانی در هماهنگی با دیگر موسسات همکار در مطابقت به اصول اساسی نهضت، طرز العمل، منابع دست داشته، پلان های عملیاتی، پالیسی ها و استراتژی های، به بیجا شدگان داخلی آسیب پذیر و آنهایی که در اثر حوادث طبیعی بیجا گردیده اند مساعدت خواهد نمود.
- به عنوان عضو کمیسیون عالی مبارزه با حوادث، در همکاری با سایر نهاد های ذیدخل، از این که بیجا شدگان داخلی مورد حمایت قرار میگیرند اطمینان حاصل خواهد کرد.
- نمونه هایی از خدمات حفاظتی و کمک هایی که ممکن است جمعیت هلال احمر افغانی به همکاری فدراسیون بین المللی صلیب سرخ و هلال احمر و کمیته بین المللی صلیب سرخ قادر به ارائه آن باشد: رديابي افراد گم شده، کمک های اولیه، ارزیابی عاجل، آب آشامیدنی و خدمات صحتی اضطراری، ارتقاء بهداشت، سرپناه اضطراری و ارائه اقلام غذایی و غیر غذایی.

## 11- ریاست عمومی اداره ملی آمادگی مبارزه با حوادث

- اداره ملی آمادگی مبارزه با حوادث یک نهاد رهبری کننده در جهت رسیدگی به نیازمندی های عاجل و کوتاه مدت آسیب دیدگان و بیجا شدگان ناشی از حوادث طبیعی و پاسخگو به حالات اضطراری میباشد.
- مسئولیت اصلی این اداره در قانون مدیریت حوادث در بر گیرنده موارد ذیل است:
- در مرحله وقوع حوادث ناگوار طبیعی اعلان و پخش میزان خطرات ناشی از حوادث
  - فعال نگهداشتن مراکز عملیات اضطراری عاجل
  - بسیج تیم های ارزیابی عاجل و واکنش سریع
  - هماهنگ سازی نیازمندی های اولیه به متضررین با استفاده از منابع کمک کننده
  - در مرحله قبل از حادثه انسجام فعالیت های هشداردهی

- هماهنگی فعالیت های کاهش خطر و اتخاذ آمادگی های پیشگیرانه در برابر حوادث احتمالی طبیعی و بلاخره در محله بعد از حادثه انسجام فعالیت های بازسازی در محدوده امکانات موجود و دست داشته ادارات و وزارت خانه های سکتوری
- همچنان اداره مبارزه با حوادث از طریق ریاست پاکسازی ماین ها، مسئولیت انسجام فعالیت های تطهیر ماین را بدوش دارد و در همکاری مرکز هماهنگی فعالیت های ماین در افغانستان کار مینماید.
- اداره ملی آمادگی مبارزه با حوادث در تمامی فعالیت ها و برنامه های اضطراری موجود برای بیجاشدگان ناشی از حوادث طبیعی در سطوح مرکز و ولایات در هماهنگی نزدیک با وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان و سایر نهادهای ذیربط کار مینماید. در راستای تحقق این پالیسی نقش وزارت امور مهاجرین و اداره ملی مبارزه با حوادث طوریکه در ضمیمه شماره 2 تصریح گردیده مشترکاً اجرا میگردد.

در مورد نقش اساسی اداره ملی آمادگی مبارزه با حوادث پیرامون انسجام امور بیجاشدگان داخلی با در نظر داشت چگونگی تحقق این پالیسی موارد ذیل توضیح داده میشود:

- هماهنگ سازی نیازمندی های عاجل اضطراری و کوتاه مدت برای بیجاشدگان داخلی در حین وقوع حوادث و حالات اضطراری که دوام آن باعث از دیاد آسیب پذیری بیجاشدگان گردد.
- تسهیل زمینه های کاری و همکاری با کمیسیون عالی دولتی مبارزه با حوادث در رابطه به تنظیم فعالیت های اضطراری مربوط به بیجاشدگان داخلی.
- مشارکت در انجام پروسه سروی، ثبت نام و تثبیت وضعیت بیجاشدگان داخلی ناشی از حوادث طبیعی حین بروز حادثه.
- سهم گیری در تنظیم امور عاجل الی (72) ساعت و اعلام پایان وضعیت اضطراری.
- رسیدگی به وقایع عاجل که در آن بیجاشدگان داخلی ممکن با خطرات احتمالی و حالات اضطراری مواجه گردند.
- سایر مراحل و فعالیت هایی چون کاریابی، اسکان مجدد، فراهم آوری شرایط خاص و سهولت ها برای بیجاشدگان، ایجاد شهرک ها، تثبیت و شناسایی بیجاشدگان و تقسیم بندی آنان به کتگوری های مختلف، تنظیم عودت کنندگان قانونی به داخل کشور و غیره موارد کلیدی دیگر از وظایف اساسی وزارت محترم امور مهاجرین و عودت کنندگان خواهد بود.

#### کمیسیون عالی دولتی مبارزه با حوادث

کمیسیون عالی دولتی مبارزه با حوادث نهاد عمده جهت رهبری و انسجام امور اضطراری، کاهش دهی به خطر از طریق کم ساختن آسیب پذیری و پاسخگویی به حالات فوق العاده اضطراری میباشد. ریاست این کمیسیون به مقام معاونیت دوم ریاست ج.ا.ا محول و اداره ملی مبارزه با حوادث سکرتریت و مسئولیت دار لانشاء این کمیسیون را بعهده دارد و حدود 19 وزارت خانه و ادارات کلیدی که در بخش مدیریت حوادث بگونه ای استقامت کاری دارند عضویت این کمیسیون را دارا هستند.

مبتنی بر تحقق این پالیسی و طرز العمل و وظایف داخلی، کمیسیون عالی دولتی مبارزه با حوادث وظایف و مسئولیت های ذیل را داراست.

- هماهنگی ملی و مدیریت حالات و وقایع اضطراری.
- تصویب پلان های ملی (کاهش، آمادگی، پاسخگویی و بازسازی).
- منظوری پالیسی های ملی و پلان های احتیاطی.
- بسیج کمک های بین المللی در حالات فوق العاده.
- اعلام حالات اضطراری و ختم آن .
- تصمیم گیری در حل معضلات بزرگ بیجاشدگان داخلی و خارجی.

## 12- وزارت معارف

- ارائه آگاهی به بیجاشدگان در مورد حقوق تعلیمی اطفال شان و پروسه شمولیت در مکاتب افغانستان.
- تأسیس مکاتب محلی در محلاتی که بیجاشدگان سکونت دارند.
- راه اندازی صنوف آموزشی تسریعی برای اطفال بیجاشده که سن شان بالا تر از سن مکتب میباشد.
- فراهم آوری تسهیلات لیلیه در شهر های نزدیک برای این اطفال جهت ادامه تعلیمات ثانوی در مکاتب.
- فراهم آوری کتب درسی، قرطاسیه و دیگر مواد مورد ضرورت برای آنها.

## 13- اداره ماین پاکی افغانستان

اداره ماین پاکی افغانستان، نهاد رهبری کننده فعالیت های ماین پاکی در افغانستان میباشد. در سال 2002، دولت جمهوری اسلامی افغانستان از اداره خدمات ماین پاکی ملل متحد تقاضا نمود تا به اداره ماین پاکی افغانستان در زمینه هماهنگی فعالیت های ماین پاکی در سراسر کشور، مساعدت نماید. مرکز هماهنگی ماین پاکی افغانستان که توسط اداره خدمات ماین پاکی ملل متحد از نگاه تخنیکی و مالی مساعدت میشود، در مشارکت با اداره ماین پاکی افغانستان به این تقاضا لیبیک گفت. فعالیت های برنامه ماین پاکی افغانستان توسط ملل متحد و دولت جمهوری اسلامی افغانستان از طریق ادارات مربوطه شان که در مشارکت با یکدیگر (در یک دفتر) کار میکنند، هماهنگ ساخته میشود.

## 14- کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، به اساس ماده 58 قانون اساسی: "نظارت بر رعایت حقوق بشر در افغانستان و بهبود و حمایت از آن" تأسیس گردیده است. قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در ماه می سال 2005 از طرف مجلس عالی وزراء بتصویب رسید. به تأسی از این قانون، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان مکلف است تا از حقوق و آزادی های اساسی اتباع که در قانون اساسی، اعلامیه ها، میثاق ها، قراردادها، پروتوکول ها و سایر اسناد بین المللی حقوق بشر که افغانستان به رعایت و تطبیق آنها متعهد است، حمایت و آنرا تقویت کند.

ماده پنجم این قانون پنج هدف را برای کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان تعیین میکند:

1. نظارت بر رعایت حقوق بشر در کشور.
2. تعمیم و حمایت از حقوق بشر.
3. نظارت از وضعیت و چگونگی دسترسی افراد به حقوق و آزادی های بشری.
4. بررسی و تحقیق از تخلفات و موارد نقض حقوق بشر.
5. اتخاذ تدابیر به منظور بهبود و انکشاف وضعیت حقوق بشر در کشور.

ساحات کاری کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان شامل: آموزش حقوق بشر؛ حقوق اطفال؛ حقوق زنان؛ عدالت انتقالی؛ بررسی و نظارت و حقوق افراد دارای معلولیت میباشد. در انجام وظایف و اعمال صلاحیت هایش، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان با دولت، جامعه مدنی، علمای کرام، مطبوعات و همکاران بین المللی، همکاری نزدیک میکند.

### ضمیمه شماره (3)

#### رهنمود والیان در رابطه به تدوین پلان های ولایتی برای یافتن راه های حل دائمی برای بیجاشدگان داخلی

- (1) با گذشت یک ماه از تصویب این پالیسی، در هر ولایتی که در آن تعداد زیادی از بیجاشدگان داخلی وجود دارند، والیان باید در مشوره با ریاست حالت اضطرار وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان، یک گروه کاری ولایتی برای بیجاشدگان داخلی ایجاد نمایند. ریاست این گروه کاری باید بدوش والی و معاونیت آن بدوش ریاست ولایتی امور مهاجرین و عودت کنندگان باشد. در ولایاتی که در حال حاضر بیجاشدگان داخلی وجود ندارند، در صورتیکه این وضعیت تغییر کند، باید در مطابقت با این رهنمود یک گروه کاری ولایتی ایجاد شود.
- (2) یکی از مسئولیت های عمده گروه کاری ولایتی بیجاشدگان داخلی تهیه پلان کاری ولایتی جهت یافتن راه های حل دائمی برای بیجاشدگان داخلی در مطابقت با این پالیسی میباشد.
- (3) والیان باید حصول اطمینان نمایند که در این گروه کاری نماینده های تمام فعالین عمده سهم باشند. اینها باید شامل نماینده های ادارات ذیل باشند: ریاست ولایتی امور مهاجرین و عودت کنندگان، اداره آمادگی مبارزه با حوادث، وزارت های سکتوری (مانند وزارت احیاء و انکشاف دهات، وزارت کار، امور اجتماعی، شهداء و معلولین، وزارت معارف، وزارت صحت عامه، وزارت عدلیه، وزارت امور داخله، وزارت امور زنان) و لیسوالی ها و شاروالی ها، ادارات ملل متحد، سازمان های غیر دولتی ملی و بین المللی موجود در ولایت که در فعالیت های بشری یا انکشافی سهم اند و اداره هلال احمر. طوریکه در فقره 5 در زیر ذکر گردیده، از بیجاشدگان داخلی یا درین نهاد و یا بشکل جداگانه نمایندگی صورت میگیرد.
- (4) جهت حصول اطمینان از مشارکت کافی در کار گروه کاری، از هر اداره مربوطه دولتی باید تقاضا شود تا یک شخص دارای شایستگی های مناسب تکنیکی را که بشکل منظم و فعالانه در گروه کاری فعالیت خواهد نمود، توظیف کند (یک شخص دیگر نیز باید در همان اداره به عنوان جانشین وی توظیف گردد). همچنان از سایر ادارات نیز باید تقاضا شود تا همین کار را بکنند.
- (5) در حالیکه گروه کاری ولایتی بیجاشدگان داخلی میتواند جهت نظارت از سیر و حرکت بیجاشدگان داخلی توظیف گردیده، نیازمندی های عاجل را ارزیابی نموده و رسیدگی به نیازمندی های بشری و حمایتی بیجاشدگان داخلی را هماهنگ بسازد، این گروه کاری باید درک نماید که یکی از وظایف عمده آن تهیه و تطبیق این پلان کاری میباشد.
- (6) این گروه کاری باید از موجودیت یک مکانیزم مشوره با بیجاشدگان داخلی حصول اطمینان نماید؛ در صورتیکه چنین مکانیزمی وجود نداشته باشد، باید ایجاد گردد. (همچنان این مکانیزم باید زمینه را مساعد بسازد تا صدای زنان، بزرگسالان، جوانان و سایر گروه های خاص شنیده شود).
- (7) همچنان این گروه کاری باید از موجودیت مکانیزم مشوره با اجتماعات میزبان، بدون در نظر داشت راه حل دائمی انتخاب شده، یعنی عودت، ادغام محلی و استقرار مجدد، حصول اطمینان نماید.
- (8) این گروه کاری باید تمام ارقام موجود در مورد تعداد بیجاشدگان داخلی در ولایت را (با تفکیک سن و جنسیت) جمع آوری و ذخیره نماید. این ارقام شامل محل سکونت، محل بودوباش اصلی، ملیت، دلیل فرار، مدت بیجاشدگی، نظریات شان در رابطه به عودت، درجه تحصیل و مهارت ها و شیوه های امرار معیشت میباشد. اگر این ارقام از قبل توسط UNHCR، IOM یا ریاست های ولایتی امور مهاجرین و عودت کنندگان جمع آوری گردیده باشد، نیاز به تکرار جمع آوری ارقام ابتدائی نمیشود؛ اگر ارقام کمبود باشد، میتوان بخاطر تکمیل معلومات پروسه پروفایلنگ را انجام داد.
- (9) اگر نیاز به ارزیابی بیشتر یا پروفایلنگ باشد، گروه کاری ملی بیجاشدگان داخلی میتواند فارم های معیاری را جهت جمع آوری این معلومات فراهم نماید. همچنان گروه کاری ملی بیجاشدگان داخلی میتواند سایر انواع مساعدت های تکنیکی را به گروه های کاری ولایتی بیجاشدگان داخلی فراهم نماید.

(10) بعد از آن، گروه کاری باید ارقام را تجزیه و تحلیل نموده و برای یافتن راه های حل دائمی با بیجاشدگان داخلی مشوره نماید. این تحلیل باید مشخص بسازد که کدام موضوعات در رسیدن به یک راه حل دائمی برای گروه های خاص موانع ایجاد مینمایند و کدام شرایط فرصت ها را برای دست یافتن به راه های حل پایدار، مساعد میسازد.

(11) براساس این بررسی و تجزیه و تحلیل، گروه کاری باید با در نظر داشت موارد ذیل، گروه ها/اجتماعات بیجا شده در ولایت را اولویت بندی نماید:

- a. آسیب پذیری (کدام گروه ها بیشتر از همه نیاز به راه حل دائمی دارند). آسیب پذیری ممکن شامل کتگوری های ذیل باشد: افرادی که در فقر شدید زندگی میکنند؛ افراد بی خانه یا آنتهائیکه خانه های شان در وضعیت بسیار خراب قرار دارد؛ آنتهائیکه در معرض خطر اخراج قرار دارند؛ آنتهائیکه به آب آشامیدنی، خدمات حفظ الصحه، آموزش یا مراقبت های صحی دسترسی ندارند؛ افرادی که فاقد اسناد ملکی اند؛ آنتهائیکه بیشتر از همه در بیجا شدگی قرار داشته اند و غیره؛
- b. بزرگترین چانس برای یافتن راه های حل دائمی برای گروه های خاص (اقتصادی ترین مداخلات)؛
- c. بزرگترین چانس برای جلب وجوه مالی مورد نیاز و تخصص لازم برای تطبیق راه های حل دائمی.

(12) این گروه کاری باید در مورد فعالیت های مورد نیاز تصمیم گرفته و فعالیت هائی را که باید در سال آینده انجام داده شوند مشخص نموده و خاطر نشان بسازد که این فعالیت ها را کی و چه وقت انجام خواهند داد؛

- a. موضوع حایز اهمیت اینست که باید واضح شود که کی مسئولیت کدام کار را بدوش دارد، چارچوب زمانی برای تطبیق این فعالیت ها چگونه است و در ارزیابی موفقیت ها کدام معیار ها مورد استفاده قرار خواهد گرفت.
- b. همچنان مهم است بدانیم که چگونه فعالیت های (برنامه های) پلان شده در پلان های انکشافی عمومی ولایات/ولسوالی ها/شاروالی ها تطابق می یابد، یعنی این پلان ها چگونه با برنامه های درخور اولویت ملی (NPPs) یا برنامه همبستگی ملی و پلان های انکشاف شهری ارتباط میگیرند و جهت حصول اطمینان از تشریک مساعی کدام میکانیزم های هماهنگی وجود دارند (یا باید ایجاد گردند).
- c. تخمین مصارف (بودجه) برای انجام این فعالیت ها و خاطر نشان ساختن اینکه این وجوه مالی از کجا بدست میاید.

(13) تمام اینها باید در یک پلان کاری گنجانیده شده و با وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان شریک ساخته شود و وزارت متذکره باید پلان کاری را تصویب و در بدست آوردن وجوه مالی برای تطبیق آن کمک کند.

(14) این پلان کاری باید در ظرف سه ماه تکمیل شود.

## ضمیمه شماره (4)

### رهنمود ها برای کاهش زیان ها و مشکلات در شرایط اخراج اجباری - گروه حمایتی افغانستان پیشگفتار

1. با تأیید اینکه گروه کاری موظف در بخش مسکن، زمین و ملکیت، یک گروه کاری موضوعی بوده و تحت اثر گروه حمایتی افغانستان در جهت پاسخگویی به نیازمندی های عاجل و بشری گروه های مورد هدف اعضای آن فعالیت های خود را انجام میدهد؛
2. با تأکید مجدد بر اینکه هر زن، مرد و طفل حق دارد در یک محل مسکن در صلح و با عزت زندگی کند و این حق شامل حق عدم اخراج اجباری غیر قانونی، یا بر مبنای تبعیض از مسکن، زمین و جامعه یک شخص میباشد؛<sup>11</sup>
3. با درک اینکه عملکرد خشونت بار اخراج اجباری شامل بیرون راندن اجباری و غیر داوطلبانه افراد، خانواده ها و گروه های افراد از منازل، زمین ها و اجتماعات شان بوده و منجر به بی خانمانی و شرایط نامناسب اسکان و زندگی میشود؛<sup>12</sup>
4. با تأکید مجدد بر حق هر شخص به معیار های مناسب زندگی منجمله غذا، لباس و مسکن مناسب برای خود شخص و خانواده اش، و بهبود متداوم شرایط زندگی که در ماده 11 میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، که افغانستان نیز عضویت آنرا دارد، تصریح گردیده است؛
5. با درک اینکه کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در تبصره عمومی شماره 4 (سال 1991) که چنین بیان مینماید، "موارد اخراج اجباری با مقتضیات [میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی] در تناقض بوده و صرف در شرایط بسیار استثنائی و در مطابقت با اصول مربوطه قوانین بین المللی صورت گرفته میتواند"، بر حق مسکن مناسب تأکید نموده است؛<sup>13</sup>
6. با در نظر داشت اینکه اصطلاح "اخراج اجباری" به مثابه بیرون نمودن دائمی یا موقتی افراد، خانواده ها یا اجتماعات، برخلاف میل آنان از منازل و یا زمین هائیکه اشغال نموده اند، بدون فراهم آوری انواع مناسب حمایت حقوقی تعریف گردیده است. هر چند، منع اخراج اجباری بر افراد که در مطابقت با قانون و احکام میثاق های بین المللی در رابطه به حقوق بشری صورت میگیرد، مرعی الاجراء نمیشود؛<sup>14</sup>
7. با تأکید بر اینکه مسئولیت حقوقی و سیاسی برای جلوگیری از اخراج اجباری بدوش دولت میباشد؛<sup>15</sup>
8. با تأیید اینکه در مواردیکه اخراج اجباری موجه میباشد، اینکار باید در مطابقت جدی با احکام حقوق بشری بین المللی و در مطابقت با اصول عمومی معقولیت و تناسب<sup>16</sup> صورت گرفته و طرز العمل های حمایتی در آن مدنظر گرفته شود تا پروسه اخراج بشکل انسانی و با عزت انجام داده شود.

بنابراین، دولت جمهوری اسلامی افغانستان متعهد است تا جهت حصول اطمینان از حمایت کامل از افراد، خانواده ها و اجتماعات در شرایط قبل از اخراج اجباری، در جریان آن و پس از آن، استراتژی های، پالیسی ها و برنامه ها را به تصویب برساند.  
اینکار در میان سایر اقدامات، شامل عناصر ذیل میباشد:  
قبل از اخراج:

<sup>11</sup> کمیسیون حقوق بشر، قطعنامه: 2004/28

<sup>12</sup> کمیسیون حقوق بشر، قطعنامه: 2004/28

<sup>13</sup> E/1992/23 ضمیمه 3

<sup>14</sup> اداره کمشنر عالی حقوق بشر، حق مسکن مناسب (ماده 11.1): اخراج اجباری. تبصره عمومی شماره 7، CESCR، 20/05/1997، فقره 3

<sup>15</sup> منع اخراج اجباری OHCHR، کمیسیون حقوق بشر، قطعنامه 2004/28

<sup>16</sup> A/HRC/13/20، گزارش گزارشگر خاص ملل متحد در رابطه به مسکن مناسب به مثابه جزء حق معیار مناسب زندگی، و حق عدم

تبعیض درینگونه شرایط، راکویل رولنیک، صفحه 12.



- أ. با بیجا شدگان داخلی، پناهندگان عودت کننده و افراد ملکی که از درگیری ها، یا حوادث طبیعی متأثر گردیده و در خطر اخراج اجباری هستند در تمام مراحل پروسه مشوره صورت میگیرد؛
- ب. جهت جلوگیری از استفاده از زور یا به حداقل رساندن نیاز به استفاده از زور، در مشوره با اشخاص متأثر طرق بدیل سنجیده شود. قبل از اتخاذ هر تصمیم پیرامون اخراج یا آغاز به اینکار، ادارات مسئول باید اظهار نمایند که اخراج قابل جلوگیری نیست و در تطابق با معیار های بین المللی حقوق بشری صورت میگیرد.<sup>17</sup>
- ج. در وقت مناسب و معقول قبل از اخراج به اشخاص متأثر شده باید اطلاع داده شود.<sup>18</sup> هر نوع تصمیم پیرامون اخراج باید بشکل کتبی اعلان شود و حاوی توجیه تصمیم بشکل تفصیلی باشد، بشمول موضوعات ذیل: الف) نبود یک بدیل مناسب؛ ب) جزئیات مکمل بدیل پیشنهاد شده؛ ج) در صورت نبود کدام بدیل، تمام تدابیر روی دست گرفته شده و سعی بعمل آید تا تأثیرات ناشی از اخراج به حداقل برسد.
- د. تمام تصمیمات مربوط به اخراج باید قابل تجدید نظر اداری و قضایی باشد. جبران خساره برای افراد متأثر شده در نتیجه اخراج فراهم شده و در اختیار شان قرار داده شده باشد و همچنان به کسانی که نیاز دارند و میخواهند محکمه به مشکل شان رسیدگی نماید، مساعدت حقوقی فراهم شود.

#### در جریان اخراج:

- ه. مقامات حکومت افغانستان یا نمایندگان شان در جریان اخراج حضور داشته باشند و تمام اشخاص یا عاملین اخراج قبل از رویداد بشکل درست شناسایی شوند.
- و. اخراج نباید بشکلی صورت گیرد که کرامت و حق زندگی و امنیت انسان ها نقض گردد. همچنان دولت باید اقداماتی را اتخاذ نماید تا از عدم برخورد تبعیض آمیز با زنان در جریان اخراج و بیجا سازی اطمینان حاصل شده و از حقوق اطفال حمایت صورت بگیرد.
- ز. هر نوع استفاده از نیروی قانونی باید اصل ضرورت و اصل تناسب را در نظر بگیرد.
- ح. اخراج در شرایط ناگوار جوی، در جریان شب یا در رخصتی های مذهبی و ترجیحاً در زمستان صورت نگیرد.

#### بعد از اخراج:

- ط. اخراج نباید سبب قرار گرفتن افراد بی خانمان شده و آسیب پذیر در معرض نقض حقوق بشری شود. در صورتیکه متأثر شدگان توان پرداخت مصارف شانرا نداشته باشند، دولت مکلف است تا تمام تدابیر لازم را روی دست گرفته و با استفاده اعظمی از منابع دست داشته از موجودیت سرپناه بدیل، جابجائی مجدد یا دسترسی به زمین حاصل خیز<sup>19</sup> حین اخراج، حصول اطمینان نماید.
- ی. ساحات مشخص شده برای جابجائی مجدد باید مطابق قانون بین المللی حقوق بشر معیارهای مسکن مناسب را تکمیل کرده باشد. ساحات نباید در زمین های آلوده یا در معرض آلودگی قرار داشته باشد.
- ک. معلومات کافی در ارتباط به پروژه ها، پلان ها و تطبیق پروسه های دولت به اشخاص، گروه ها و اجتماعات متأثر شده ارائه شود. توجه خاص باید صورت گیرد تا باشندگان اصلی، اقلیت ها، اشخاص بی زمین، زنان و اطفال در این روند، حضور داشته باشند<sup>20</sup>؛

<sup>17</sup> اصول اساسی و رهنمود پیرامون بیجا شدن و اخراج بدلیل انکشاف A/HCR/4/18

<sup>18</sup> تعدیل قانون تحصیل زمین ماده 20، جریده رسمی شماره 849 سال 2005 افغانستان

<sup>19</sup> حق مسکن مناسب (ماده 11.1): اخراج اجباری، 20/05/1997. تبصره های عمومی CESCR شماره 7. مخففیات کنوانسیون، تبصره های عمومی در رابطه به مسکن مناسب (ماده 11.1 میثاق)، اخراج اجباری

<sup>20</sup> اصول اساسی و رهنمود های در مورد اخراج و بیجا شدن مبتنی بر پروژه های انکشافی، A/HRC/4/18

- ل. حکومت باید تمام پلانهای بدیل را که از طرف اشخاص، گروه ها و اجتماعات آسیب دیده پیشنهاد میشود، مد نظر بگیرد.
- م. تمام اشخاصیکه در خطر اخراج اجباری قرار دارند مستحق دسترسی به جبران خساره بموقع میباشند. جبران خساره مناسب شامل دسترسی به محکمه عادلانه، مشوره های حقوقی، مساعدت حقوقی، بازگشت، باز پرداخت مصارف، سکونت مجدد، بازسازی و جبران خسارات میشود.
- ن. افراد متأثر از اخراج حق ادعای جبران خساره بشکل مناسب در بدل هر نوع ضرر رسیده برایشان را دارند.

عکس روی جلد این سند مربوط به بیجاشدگان داخلی است که توسط خانم لوری وایزبرگ گرفته شده است.